

# برنامه‌های فرهنگی ادامه دارند



همان‌گونه که در متن استغای جناب آقای محمدحسین صفارهرندی از وزارت ارشاد هم ذکر شده، اقدام ایشان مبنی بر استعفا به شکلی روی داد که هیچ ضربه‌ای حتی به کار هیأت دولت وارد نشود چون همه فعالیت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در هر سطحی، از نظر ما باید ارزشی و

با در نظر گرفتن مصالح نظام باشد که این مصالح از هر چیزی بالاتر است. بنابراین در هیچ حوزه‌ای، توقف کار نخواهیم داشت و در اساس فعالیت‌هایی که در آینده انجام می‌شود رکود وجود ندارد؛ پس قاعدتا تغییر و تحولات دولتی نیز نباید به روند این گونه فعالیت‌ها لطمه بزند.

# کتابخانه

شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۸۸  
۹ شعبان ۱۴۳۰، ۱ آگوست ۲۰۰۹  
شماره ۱۹۲، پیاپی ۸۴۳  
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۰۴-۶۶۹۶۶۱۵۱  
سازمان آگهی‌ها: ۰۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: ایرانچاپ  
www.ketabehafteh.ir

قصه‌های عامیانه  
هنوز تعریف  
جامعی ندارند  
۱۰



بهبهانی:  
هدفم، روایتی  
بی غرض است  
۱۶



انسانیت  
در هیروشیما و  
ناکازاکی سوخت  
۲۳



## سرآغاز

### فرهنگ، چیز دیگری است

روزی خبرنگاری سراغ «ایوان کلیما» نویسنده چک رفت. نظام کمونیستی این کشور سقوط کرده بود و دیگر توتالیتاریسمی نبود. او در مبل چرمی مندرسی روبه روی کلیما نشست و خوش و بشی کرد. پرسید: «حالا می‌خواهید چه چیزی بنویسید؟»  
منظورش این بود، حالا که دیگر توتالیتاریسمی نیست که در مخالفت یا موافقت آن بنویسد، چه می‌کنید؟ پاسخ این بود: «من که سرباز نیستم!»  
پاسخی که خبرنگار را گیج کرد. کلیما می‌گفت فرهنگ از سیاست جداست. این سوال چنان نویسنده را برآشفته کرد که بعدها آن را دست خوش مقاله‌ای کرد و نوشت: «آنچه مولد ادبیات خوب است نه آزادی است و نه ستم و سرکوب و نه حتی جذبات‌ترین و مسحورکننده‌ترین وضع اجتماعی. بزرگی در ادبیات بستگی به قریحه انسانی دارد که چنین ادبیاتی خلق می‌کنند.»  
ای کاش ترکش‌های برخی تنش‌های سیاسی و اجتماعی به سوی فرهنگ نیایند.

### کلام وحی و فال حافظ در عمق جامعه به قلم یک قرآن پژوه

## آثار تازه خرمشاهی درباره قرآن و حافظ

بهاالدین خرمشاهی، مترجم قرآن و حافظ پژوه، آثار تازه‌ای در حوزه قرآن پژوهی و حافظ پژوهی را به دست چاپ سپرده است. اثری درباره حضور قرآن در فرهنگ عامه، مجموعه‌ای از نقدهایش بر ترجمه‌هایی که از قرآن مجید در صد سال اخیر انجام شده و کتابی درباره «فال حافظ».  
«قرآن در فرهنگ عامه» کتابی است درباره نفوذ کلام وحی در میان مراسم و مناسک مردم در مناسبت‌های مختلف. تمسک به قرآن در رفتارهای عرفی و اجتماعی دستمایه تحقیقات خرمشاهی برای این کتاب بوده است؛ رفتارهایی چون قراردادن چاپ نفیسی از قرآن روی سفره عقد یا قرآن بر سر مسافر گرفتن. او تلاش کرده در این اثر، حضور و نفوذ کلام الله مجید را در عمق جامعه بررسی کند. وی ۲۰۰ مورد این گونه تمسک‌های مردم به قرآن را برشمرده و بررسی کرده است. این کتاب را پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی منتشر می‌کند.  
دیگر اثری که این پژوهشگر به دست چاپ سپرده، «بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن» نام دارد. کتابی که در آن، ترجمه‌های فارسی قرآن مجید از زمان مشروطیت تا عصر حاضر معرفی و



مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به گفته خرمشاهی، این کتاب در ۶ سرفصل تنظیم شده و آن را موسسه «ترجمان وحی» به بازار کتاب ایران عرضه می‌کند.  
همچنین کتاب «فال‌های شگفت‌انگیز»، دیگر اثر پژوهشی این نویسنده است که در آن به شرح و روایت فال‌هایی از حافظ پرداخته که درست درآمده است. او برای نگارش این کتاب از تجربه تفأل‌های خودش به حافظ و نیز آیت‌الله آشتیانی و علامه طباطبایی بهره گرفته است. همچنین در نگارش این اثر، فانی تبریزی با او همکاری داشته است که تعدادی از تفأل‌های درست درآمده وی هم در کتاب آمده است. این کتاب از سوی انتشارات آیدین در تبریز عرضه خواهد شد.  
بهاالدین خرمشاهی صاحب آثاری در قرآن پژوهی و حافظ پژوهی است. از این محقق تا به حال ۶ اثر قرآنی به جامعه فرهنگی و قرآنی عرضه شده است. وی در حافظ پژوهی و ترجمه نیز دارای تالیفات است. کتاب‌های او در زمینه‌های مختلف اعم از تصحیح، ترجمه و تالیف به ۵۰ مورد می‌رسد و تاکنون ده‌ها مقاله علمی نیز از این مترجم قرآن، به چاپ رسیده‌اند.

## ۲

• جشنواره شعر  
نقطه در خوزستان

## ۳

• ترجمه قرآن  
بدون واژه‌های عربی

## ۳

• کشف تصویری  
از برنارد شاو

## ۴

• نامه‌های عاشقانه  
گوستاو فلوربر

## ۴

• نجف دریابندری  
به صدر رفت

## ۴

• آشتی جوانان  
با ادبیات کلاسیک



کتاب، دروازه‌ای به سوی جهان گسترده دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است... کسی که باین دنیای زیبا و زندگی بخش، دنیای کتاب، ارتباط ندارد، بی شک از مهم ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن با کتاب سرو کار نداشته باشند. برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب مأیوس و همواره در حال بهره گیری از آن، یعنی آموختن چیزهای تازه باشد...

پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۱۳۷۲/۱۰/۴

### اسرار دلبری قرآن

کتاب «اسرار دلبری» شامل تفاسیر رهیافت های قرآن کریم و احادیث شیعه درباره روابط خانوادگی در اسلام منتشر شد.

محمدجواد حبیب‌اللهی مدیر نشر ابتکار دانش به خبرگزاری ایکننا گفت: «بسیاری از آثار منتشر شده در حوزه روابط خانوادگی در ایران بر اساس مبانی روان‌شناسی غربی تدوین شده و مبانی تربیتی اسلام در این حوزه، بسیار کم مورد توجه قرار گرفته‌اند.» وی افزود: «کتاب اسرار دلبری» براساس احیاء ابن‌اندیشه و به قلم احمد اولیایی تألیف شده است و مسعود حبیب‌اللهی نیز تصحیح آن را برعهده داشته است. در واقع روایت تشریحی آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) درباره روابط خانوادگی در آیین اسلام است که بر مبنای اندیشه‌ای علمی و استدلالی به تشریح روابط صحیح خانوادگی از منظر اسلام می‌پردازد. کتاب «اسرار دلبری» در ۱۳۶ صفحه و با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۰۰۰ تومان منتشر شده است.

### دانشنامه قرآن به انگلیسی

«دانشنامه قرآن و شیعه» به زبان انگلیسی شامل دیدگاه‌های شیعه درباره قرآن از سوی کالج اسلامی لندن سال آینده در بازار نشر بین‌المللی منتشر می‌شود. دانشنامه قرآن و شیعه یک دانشنامه بین‌المللی است که به سفارش کالج اسلامی لندن در حال تدوین و تألیف است. در این دانشنامه که به زبان انگلیسی و در خارج از کشور منتشر می‌شود، دیدگاه‌های شیعه درباره قرآن به زبان انگلیسی بررسی می‌شود. دانشنامه قرآن و شیعه دارای سه بخش مهم و اساسی است، بخش نخست دیدگاه‌های شیعه درباره قرآن است که در آن مولفان و قرآن‌پژوهان مقالات خود را در موضوعات مختلف این حوزه ارائه می‌کنند، بخش دوم به فعالیت‌هایی که شیعیان در طول تاریخ درباره قرآن انجام داده‌اند، اختصاص دارد و بخش سوم این دانشنامه نیز به بنیان‌های فکری شیعیان براساس قرآن اختصاص دارد و در آن مولفان مقالاتی درباره اعتقادات شیعیان و منشاء‌های قرآنی این اعتقادات به رشته نگارش درآورده‌اند.

### حدیث عقل در آیین قرآن

«حدیث عقل و نفس آدمی در آیین قرآن» به قلم حسین انصاری از سوی مرکز تحقیقاتی دارالعرفان منتشر شد. این کتاب سومین جلد از مجموعه «سیری در معارف اسلامی (۳)» شامل مباحث حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان است که به مسأله عقل و نفس آدمی می‌پردازد. در این مجموعه تلاش شده است با تکیه بر ویرایشی روشمند و دقیق، ساختار هنرمندانه مباحث و سبک استاد در ارائه سخن از بین نرود، تا ضمن نشر فرهنگ انسان‌ساز آل‌الله (ع)، شیوه منحصر به فرد و اعظ در تبیین معارف دینی نیز حفظ شده و به مشتاقان ارائه شود. «حدیث عقل و نفس آدمی در آیین قرآن» در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و ۲۷۹ صفحه منتشر شده است.

# برنامه‌های فرهنگی ادامه دارند

اشاره‌ای نشد و طبیعی است که اظهار نظر کارشناسان در این زمینه می‌تواند مفید باشد. ما نیز آمادگی داریم نظرهای کارشناسان امر را در اختیار مجموعه‌های سیاستگذار و قانون‌گذار قرار دهیم.»

رئیس بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران افزود: «از نظر ما هیچ اتفاق غیر کارشناسی در حوزه معاونت فرهنگی روی نداده است و اتفاقی نبوده که خلق الساعه روی دهد. به این دلیل، تصور می‌کنم اگر وزیر جدید هم بیاید، قرار بر این نخواهد بود که حوزه‌ای دچار رکود شده و برنامه‌ای متوقف شود چون این اتفاق براساس رفتارهای منطقی، محتمل نخواهد بود.»

پرویز با بیان این مطلب که کارشناسی به معنای در نظر گرفتن اظهار نظر چند نفر محدود نیست، بیان داشت: «اگر یک کارشناس با امری مخالف است، نظرات وی نمی‌تواند مبنای کارشناسی بودن اقدامات فرهنگی قرار گیرد؛ بلکه ما براساس مجموعه‌ای از نظرات مثبت و منفی کارشناسان، تصمیمی را اجرایی می‌کنیم. بدیهی است که نظرات کارشناسی باید به دور از حب و بغض شخصی یا منافع فردی و گروهی باشد. همه اهل فرهنگ، نقد و نظر شخصی را از رای کارشناسانه تمیز می‌دهند.»

وی گفت: «در این زمینه باید به بحث تغییر جهت یارانه کاغذ اشاره کنم که در درجه اول، اجرای قانون بود و مابه‌عنوان مجری، تلاش کردیم تا آن را به بهترین شکل اجرا کنیم. این قانون، هم در زمان تصویب خود موافق و مخالفانی داشت و هم در زمان اجرا دچار این مسائل بود اما ما به این نظرات توجه کردیم که اجرای آن، چه مضرات و فوایدی دارد. همه نظرات کارشناسی را بررسی کردیم تا بهترین شکل اجرایی را برای عمل به قانون پیدا کنیم. طبیعی است که همه مسائل دارای نقاط مثبت و منفی باشند. فعالیت کارشناسی یعنی مضرات و فواید آن را بسنجیم و صلاح را تشخیص دهیم.»

معاون فرهنگی وزیر ارشاد، در پایان افزود: «حوزه سیاستگذاری و اجرا از هم جدا و دو مقوله متفاوتند؛ گاهی اوقات این دو امر دچار اختلاط می‌شوند اما نباید فراموش کنیم که دولت نمی‌تواند قانون را اجرا نکند و اگر زمانی اجرای آن معطل مانده، هرگز گفته نشده که قانون اجرا نخواهد شد. این گونه مسائل به عدم نبود جسارت در اجرا یا فراهم نبودن شرایط بازمی‌گردد.»



را پیش رو داریم که برنامه‌ریزی برای برگزاری آن انجام شده که از جمله موارد آن بحث حضور کشورهای صاحب صنعت چاپ در شهر مقدس مشهد است.»

وی با اشاره به فعالیت‌های اصلاحی در بخش ممیزی کتاب تصریح کرد: «درباره ممیزی کتاب و نحوه اجرای کار در این بخش، انتقاداتی وارد بود که در حال اصلاح برخی از نارسایی‌ها هستیم. همکاران ممیزی اداره کتاب، پروژه «بهره‌وری نوین» را برای پاسخگویی به مراجعان به طور مرتب پیگیری می‌کنند.»

به گفته محسن پرویز، مقرر شده تا بنیاد ادبیات داستانی در نمایشگاه‌های استانی حضور داشته باشد و این حضور، به آشنایی بیشتر مردم با این بنیاد بینجامد. همچنین، موسساتی چون خانه کتاب و موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی نیز مانند گذشته با قوت به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

پرویز در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در هیچ حوزه‌ای، توقف کار نخواهیم داشت و در اساس و بن‌مایه فعالیت‌هایی که در آینده انجام می‌شود رکود وجود ندارد؛ بنابراین قاعدتاً تغییر و تحولات دولتی نیز نباید به روند این گونه فعالیت‌ها لطمه بزند.»

وی ادامه داد: «باید به این نکته اشاره کنم که در طول دوران انتخابات به اقدامات مثبت حوزه فرهنگ

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «به دنبال استعفای وزیر ارشاد، که در پی انتشار بحث برکناری ایشان روی داد، در جلسه مدیران معاونت فرهنگی برای همکاران توضیح دادم و نظر آقای وزیر را نیز بیان کردم.»

محسن پرویز به خبرنگار کتاب هفته گفت: «همان‌گونه که در متن استعفای ایشان هم ذکر شده، اقدام ایشان مبنی بر استعفا به شکلی روی داد که هیچ ضربه‌ای حتی به کار هیأت دولت وارد نشود چون همه فعالیت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در هر سطحی، از نظر ما باید ارزشی و با در نظر گرفتن مصالح نظام باشد که این مصالح از هر چیزی بالاتر است.»

وی ادامه داد: «بر این اساس، نظر و توصیه ایشان مبنی بر ادامه فعالیت‌ها و برنامه‌ها بود و همه ما در رده‌ای که قرار داریم، این برنامه‌ها را پیگیری می‌کنیم و در جلسه مدیران فرهنگی نیز همکاران ما توضیح لازم را ارائه کردند تا همه فعالیت‌ها برای سال ۸۸ پیگیری شود و تا زمان تعیین وزیر جدید، ادامه پیدا کند و در نهایت به سرانجام برسد.»

پرویز در ادامه با بیان این مطلب که این برنامه‌ها با قوت ادامه خواهند یافت، افزود: «از نمونه‌های مشخص این فعالیت‌ها، باید به دعوت از شاعران خارجی و برگزاری همایش در این زمینه اشاره کرد که در اداره کل ترویج کتابخوانی پیگیری شده و در مرحله خوبی هم قرار گرفته است. همچنین، برگزاری و برنامه‌ریزی جوایز مختلف ادبی از جمله جایزه کتاب سال، کتاب فصل، گام اول، جلال‌آل‌احمد، نقد ادبی و ... که براساس جدول برنامه‌ریزی شده پیش می‌روند.»

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: «جلسات مشورتی با کارشناسان و نمایندگان تشکلهای فرهنگی برای برگزاری مناسب نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز ادامه یافته و در حال پیگیری است. علاوه بر این، نشست‌های شورای سیاستگذاری، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، حضور در نمایشگاه‌های خارجی و ادامه رایزنی‌ها برای حضور سایر کشورها در نمایشگاه تهران، از دیگر مواردی‌اند که بر اساس برنامه قبلی ادامه پیدا می‌کنند.»

محسن پرویز درباره فعالیت‌های حوزه چاپ نیز اظهار داشت: «در این حوزه، روز ملی صنعت چاپ

### به قلم ضیاءالدین هاجری صورت گرفت

## ترجمه قرآن بدون واژه‌های عربی

برای نخستین بار ترجمه‌ای کاملاً فارسی از قرآن به قلم سیدضیاءالدین هاجری در آینده‌ای نزدیک روانه بازار کتاب می‌شود.

احمد پیرانی مدیر انتشارات به‌آفرین در گفت‌وگو با اعلام این خبر، درباره ویژگی‌های این ترجمه جدید گفت: «تاکنون ترجمه‌ای از قرآن که در آن فقط از واژه‌های فارسی استفاده شده باشد، نداشتیم و این ترجمه که به قلم دکتر هاجری سامان یافته، ترجمه‌ای روان، ساده و قابل فهم برای مخاطبان با هر سطح سواد است.»

پیرانی با یادآوری این که انجام این ترجمه از قرآن مدت چهار سال برده، اظهار داشت: «این کار بیش از ۲۵ بار توسط آقای سیدکاظم حافظیان استاد حوزه کتابداری ویرایش شده است. متن خود قرآن هم قرار است خط عثمان طه باشد که البته خط عثمان طه هم دو نوع است که در این کار قرار است از خط جدید او که زیباتر هم هست استفاده شود.» مدیر انتشارات به‌آفرین درباره سابقه علمی هاجری یادآور شد: «دکتر هاجری رئیس انجمن پالایش و پاسداری از زبان فارسی است و آثاری نظیر «فرهنگ نامه‌ها»، «فرهنگ بیست هزار»، «فرهنگ‌وند‌های زبان فارسی» و «فرهنگ فرانسه به فارسی» را در کارنامه علمی خود دارد.»

پیرانی در پاسخ به این سوال که محدودیت استفاده صرف از واژه‌های غیرعربی گاه موجب می‌شود واژه‌های دشوار و ثقیل فارسی به کار برده شوند و آیا در این ترجمه هم چنین اتفاقی افتاده است؛ گفت: «فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی افتاده باشد چون مترجم سعی کرده حتی الامکان ساده‌ترین و قابل فهم‌ترین واژه‌ها را انتخاب کند و در جایی هم اگر بنا به ضرورت، واژه دشواری به کار برده شده، واژه‌نامه‌ای که در پایان کتاب آمده، تا حدودی این مشکل را مرتفع می‌کند.»

پیرانی در پایان با یادآوری این که این ترجمه مراحل حروفچینی را گذرانده و تا چند ماه دیگر به چاپ خواهد رسید، از احتمال ترجمه نهج البلاغه در آینده توسط هاجری به همین سبک و سیاق خبر داد.

### جشنواره شعر نقطه

## در خوزستان

رئیس حوزه هنری خوزستان گفت: «جشنواره بزرگ شعر نقطه در دو بخش دفاع مقدس و آزاد طرح ریزی و اجرا می‌شود.»

مهدی کیخا با اعلام این خبر به مهر افزود: «در ابتدای ورود به استان خوزستان با شناختی که از ظرفیت و پتانسیل بالای جامعه ادبی این استان داشتم و با هماهنگی با کارشناسان حوزه هنری، کوشیدیم طرحی را ارائه دهیم که در جریان اجرای آن بتوان روحیه نشاط، تحرک و پویایی نخبگان ادبی استان را تقویت کرد.»

وی افزود: «در همین راستا پس از جلسات کارشناسی، به طرح بزرگ جایزه ادبی نقطه رسیدیم که یک جشنواره بسیار بزرگ خواهد بود و در ۱۰ شهر مهم استان به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود.» کیخا اظهار داشت: «نخستین جشنواره جایزه ادبی نقطه در شهر شوش که مدفن دعبل خزایی، شاعر شیعی و اهل بیت (ع) است، برگزار می‌شود و پس از آن شهرهایی چون اندیمشک، دزفول، ایذه، آبادان، خرمشهر، ماهشهر، امیدیه، رامهرمز، بهبهان و اهواز میزبان جایزه ادبی نقطه خواهند بود.»

# نویسنده «تورگنیف خوانی» در میان نامزدان بوکر



حضور در مرحله نهایی داوری جایزه ادبی من بوکر شده‌اند.

از میان این ۱۳ نفر، غیر از کوئتری، برنده آفریقایی نوبل ادبیات که به یمن این جایزه در ایران نیز آثارش ترجمه شده، تنها ویلیام ترور در ایران شناخته شده است. از این نویسنده ایرلندی در دو سال اخیر دو کتاب با نام‌های «تورگنیف خوانی» و «سفر فلیشا» توسط الهه دهنوی به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات مروارید منتشر شده است.

جیمز ناتوی نویسنده، لوکاستا میلر منتقد، مایکل پرودگر ویراستار ادبی ساندی تلگراف، جان مولان

نامزدهای نهایی بخش ادبیات جایزه معتبر «من بوکر» با حضور ۱۳ نویسنده از سراسر جهان معرفی شدند. برنده نهایی این جایزه قرار است ۶ اکتبر (چهاردهم مهرماه) سال جاری میلادی از میان این نویسندگان انتخاب شود.

در میان فهرست اعلام شده از سوی داوران این جایزه، می‌توان به نویسندگان صاحب‌نامی چون جان ماکسول کوئتری نویسنده اهل آفریقای جنوبی و برنده نوبل ادبیات ۲۰۰۳ اشاره کرد.

ماکسول کوئتری امسال با رمان «تابستان» در این دوره از جایزه من بوکر حضور پیدا کرده است. همچنین، در فهرست نامزدهای نهایی بخش ادبیات جایزه من بوکر نام خاتم آنتونیا سوزان دافی که غالباً آثارش با نام‌های اس. بیات امضای کند دیده می‌شود. ویلیام ترور با رمان «عشق و تابستان»، «کلوم توییان» و «سارا واترز» نیز از دیگر نویسندگانی اند که نام آنها در این فهرست سیزده نفره وجود دارد.

«هلویلیس» به قلم جیمز کادامور، «اتاق شیشه‌ای» نوشته سیمون ماور، «عمارت وحشت» اثر هیلاری مانتل، «بیابان» نوشته سامانتا هاروی، «برافراشتن پرچم» به قلم ادم فولد و «چگونه مرد مرده را نقاشی کنم» اثر سارا هال از جمله آثاری اند که موفق به

## کشف تصویری از برناردشاو پس از ۸۰ سال



تصویری از جورج برنارد شاو شاعر، نویسنده و نمایشنامه‌نویس ایرلندی، مربوط به حدود هشت دهه پیش پیدا شد.

این عکس در آرشیو شخصی یک پژوهشگر فیلم‌گرافی و هنگامی که وی مشغول زیر و رو کردن

عکس‌های قدیمی برای حضور در یک گالری عکس بود، یافته شد. ۷۹ سال است که این عکس بدون این که کسی از آن اطلاعی داشته باشد، در جعبه‌ای پنهان مانده است. در پایین آن هم نوشته‌ای از این نویسنده مرقوم شده. شاو این چند سطر را به مناسبت گشایش تالار ویلیام موریس در ویملدون در کشور انگلستان نوشته بود. در این نوشته، شاو به تلاش‌های رادیکال صورت گرفته برای اجرای برنامه‌های نمایشی اش که در آن تالار اجرا می‌شد، پرداخته است. جورج برنارد شاو نمایشنامه‌نویس سبک کمیک و منتقد ادبی ایرلندی تبار در ژوئیه ۱۸۵۶ به دنیا آمد و در نوامبر ۱۹۵۰ درگذشت. از او به عنوان پرقدردترین نمایشنامه‌نویس بریتانیایی پس از شکسپیر و نافذترین رساله‌نویس پس از جان‌تاتان سوئیفت هجو نویس ایرلندی، یاد می‌کنند. برنارد شاو همچنین یکی از برترین نقادان موسیقی و تئاتر نسل خود محسوب می‌شود. او در سال ۱۹۲۵ میلادی به دریافت جایزه ادبی نوبل نائل شد. از آثار او می‌توان به نمایشنامه‌های «سنت ژان»، «کسب و کار خانم وارن»، «سلاح‌ها و انسان‌ها»، «کاندید»، «سزار و کلتوپاترا»، «بشر و فوق بشر» و «ماژور باربارا و پیگمالیون» اشاره کرد.

## پیرمردها خواستار توقف فیلم «هابیت» شدند

وارثان ۸۰ ساله و ۸۴ ساله جی. آر. آر. تالکین، نویسنده بریتانیایی رمان «ارباب حلقه‌ها» با شکایت به دادگاه عالی لس آنجلس خواستار توقف ساخت فیلم «هابیت» براساس رمانی از این نویسنده شدند.

به گزارش لایبری جورنال، تالکین، برای پرداخت یک مالیات ۲۵۰ هزار دلاری در سال ۱۹۶۹ حقوق هابیت و ارباب حلقه‌ها را به انتشارات هارپرکالینز واگذار کرد و همچنین درصدی از سود فیلم‌هایی که با اقتباس از این دو اثر ساخته می‌شود را به اتحادیه هنرمندان واگذار کرد. تالکین در سال ۱۹۷۳ از دنیا رفت.

در طول زمان، حق مؤلف آثار تالکین به کمپانی تایم وارنر که سازنده سه فیلم براساس آثار این نویسنده است، انتقال یافت.

استادان دانشگاه و روزنامه‌نگار و سوپرکینز روزنامه‌نگار و کم‌دین، پنج چهره‌ای‌اند که امسال این جایزه را داوری می‌کنند. جایزه ادبی من بوکر که به نام جایزه بوکر هم شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین جوایز ادبی دنیاست که هر سال به بهترین رمان جدید انگلیسی زبان که نوشته شهروندان کشورهای غیر از انگلستان باشد اعطا می‌شود.

در سال ۲۰۰۵، جایزه دیگری که هر نویسنده زنده‌ای از هر جای دنیا واجد شرایط گرفتن آن است، با نام جایزه بین‌المللی بوکر معرفی شد. داوران این جایزه ابتدا یک فهرست اولیه و سپس یک فهرست نهایی شامل شش عنوان کتاب را معرفی می‌کنند. برای عضویت در فهرست نهایی باید حداقل یکی از داوران از کتاب حمایت کند.

نویسندگانی که کتابشان به فهرست نهایی راه پیدا کرده، یک نسخه جلد چرمی از کتابشان همراه ۲۵۰۰ پوند جایزه نقدی دریافت می‌کنند.

در نهایت، با اجماع داوران، یک اثر به عنوان کتاب برگزیده این جایزه اعلام می‌شود و نویسنده آن به جایزه ۵۰ هزار پوندی دست می‌یابد، اما مطرح شدن او به عنوان برنده جایزه بوکر، احتمالاً بیش از این مبلغ برایش منفعت آور است.

## نامه‌های عاشقانه گوستاو فلور می‌شوند



کشف گنجینه‌ای از نامه‌های گوستاو فلور نویسنده فرانسوی و خالق رمان «مادام بوواری» بخش‌هایی از زندگی او را آشکار کرد. این نامه‌ها که به انگلیسی و به انجمن طرفداران گرتود تانانت نوشته شده، توسط نویسنده و بیوگرافی نویسی به نام دیوید والر که از او برای بررسی دو جعبه از کاغذهای خانوادگی تانانت دعوت شده بود، کشف شد.

به گزارش گاردین، به گفته والر این جعبه‌ها در ۵۰ سال گذشته باز نشده بودند و باز کردن آنها تجربه‌ای شگفت‌انگیز بود. در یکی از این جعبه‌ها، بسته‌ای وجود داشت که روی آن نوشته شده بود: «نامه‌هایی از اشخاص سرشناس: دور نیندازید.»

این جعبه همچنین دربرگیرنده مکاتباتی از اسکار وایلد، هنری جیمز، گلاداستون و ویکتور هوگو نیز بود و در کنار همه آنها ۲۴ نامه از فلور وجود داشت که مشابه آنها تاکنون مشاهده نشده بود.

تانانت که پیش از ازدواج، گرتود کولیه خوانده می‌شد، فلور را در طول یک تعطیلات خانوادگی در سال ۱۸۴۲ و زمانی ملاقات کرد که ۲۲ سال داشت. او در نخستین نوشته‌اش جذابیت و ظرافت روحی فلور را تحسین کرده است. در آن زمان فلور به عنوان یک دانشجوی حقوق از رشته‌اش ناراضی بود و ترجیح می‌داد شعر و رمان‌های رمانتیک بخواند.

بر مبنای نظر دیوید والر این رابطه دوستانه مدتی ادامه داشت. بعدها این دختر رهسپار لندن شد و با چارلز تانانت ازدواج کرد. سال‌ها بعد پس از انتشار رمان مشهور «مادام بوواری» در سال ۱۸۷۵ فلور نسخه‌ای از این رمان را با امضا برای او فرستاد و از خاطرات گذشته یاد کرد.

از میان این نامه‌ها می‌توان دریافت که تانانت در ۵۶ سالگی در سال ۱۸۷۶ دیداری دیگر در پاریس با فلور داشت و او را چنان که روی نیمکتی نشسته است، تجسم می‌کند.

این دو، هر چند دیگر همدیگر را ملاقات نکردند اما مکاتباتشان تا زمان مرگ فلور ادامه یافت. گوستاو فلور در ۵۹ سالگی در سال ۱۸۸۰ درگذشت و خانم تانانت تا سال ۱۸۱۹ زندگی کرد. او بخش‌هایی از مکاتباتش با این چهره‌های سرشناس را در دهه ۹۰ قرن نوزدهم به کمک برادرزاده‌اش در قالب یک مجموعه از مکاتبات منتشر کرد اما بسیاری از مکاتبات دیگر او با نویسندگان و چهره‌های شاخص تاکنون ناخوانده باقی مانده بودند.

دیوید والر قصد دارد در کتاب بیوگرافی خانم تانانت که به زودی منتشر می‌شود این نامه‌ها را منتشر کند.

اکنون فرزندان تالکین، کریستوفر ۸۴ ساله و پرسیلا ۸۰ ساله از این کمپانی به دلیل این که هنوز ۲۲۰ میلیون دلار به خاطر فیلم‌های قبلی به آنها بدهکار است، شکایت کرده‌اند. آنها همچنین خواسته‌اند که حقوق آثار پدرشان دوباره به بنیاد تالکین برگردد. انتشارات هارپرکالینز و بنیاد تالکین که یک انجمن خیریه است نیز از شاکیان این پرونده‌اند.

سازندگان فیلم «هابیت» هم اکنون برای ساخت آن در حال برنامه‌ریزی در زلاندنو هستند و قرار است بان مک کلن، اندی سرکیس و هوگو ویوینگ به ترتیب در نقش‌های گندولف، گولوم و الروند در این فیلم که به کارگردانی گیلرمدل تورو ساخته می‌شود ظاهر شوند. به نوشته سایت بلومبرگ سه فیلم ساخته شده براساس کتاب‌های تالکین تاکنون سه میلیارد دلار در گیشه و سه میلیارد دلار از فروش دی‌وی‌دی سود داشته‌اند.

دادگاه قرار است تصمیم خود را در اکتبر (مهرماه) امسال اعلام کند.

## در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

### افزایش مطالعه در فضا

بخش یادداشت روز خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی از اهالی کتاب و قلم منتشر می‌کند، این هفته یادداشت‌هایی از دکتر منصور رستگار فسایی، استاد دانشگاه آریزونا و دانشگاه شیراز، ژنوس کیانوس، کارشناس ارتقای فرهنگ مطالعه مفید در اداره کل کتابخانه‌های اصفهان، حامد هانف دبیر گروه ادب و هنر ایبنا و امیر کاووس بالازاده نویسنده و مدرس دانشگاه برای انتشار برگزید.

رستگار فسایی در یادداشت خود خاطره‌هایی را از جوانی‌اش و از آشنایی با سید محمد صادق رفیعی نقل کرده است. کیانوس چند نکته مفید برای مطالعه را یادآور شده و راهکارهایی را بر شمرده که اگر بتوان آن را به کل جامعه تعمیم داد به زعم او موجب افزایش مطالعه می‌شود.

حامد هانف، در نقد مجموعه شعری از مریم جعفری آذرمانی، شاعر و برنده جایزه پروین نوشته است. وی آخرین مجموعه شعر این شاعر را نمونه‌ای از تسلط بر تکنیک‌های شعر کلاسیک و متبلور کردن آن با نگاه مدرن دانسته است.

همچنین بالازاده عنوان «نشر فضا در بازار پراشتهاب کتاب» را برای یادداشت خود برگزیده و از چگونگی تشکیل «انتشارات فضا» ناشر کتاب‌های معماری، قلم زده است.

### جدال بزرگان در نقد شعر

گزارش مشروح جلسه‌های نقد کتاب و برنامه‌های مربوط این هفته هم از سوژه‌های گزارشگران ایبنا بوده است. شاید جالب‌ترین آنها، مراسم بزرگداشت محمد حقوقی، شاعر فقید باشد. گزارشی که چنین تیتری بر آن نشست: «جدال بزرگان در نقد حقوقی». خبرنگار ایبنا در گزارشی که از این جلسه منتشر کرده، ادعا کرده است: «نقد شعر فارسی جان گرفت.» وی از حضور ابوالحسن نجفی، احمد سمیعی گیلانی، ضیاء موحسد، مفتون امینی و علی موسوی گرمارودی در این نشست خبر داده و توضیح آورده است که چگونه جلسه بزرگداشت شاعر فقیدی که خود به نقد شعر شهره بود، تبدیل به جلسه‌ای برای نقد شعر امروز فارسی شده و چه‌مجادله‌ای میان منتقدان در گرفته است. عکاسان خبرگزاری کتاب ایران هم این جلسه را با زبان تصویر گزارش کرده‌اند تا مخاطب با دیدن عکس‌های این جلسه، بتواند بیشتر خود را در فضای آن احساس کند.

گزارش سایر جلسه‌های کتابی، از جمله بررسی «سمبولیسم و رمزگرایی در آثار مولوی» نقد و بررسی مجموعه داستان «ما از دوکوهه آمدم اینجا» اثر احمد شاکری و دیگر نشست‌های سرای دائمی اهل قلم، در ایبنا منتشر شده‌اند.

### اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه‌های مختلف در ایران، مهم‌ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست‌های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه‌ترین کتاب‌های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به اطلاع جهان انگلیسی‌زبان رساند.

همچنین، گروه بین‌الملل ایبنا خبرهایی را از کتاب در فراسوی مرزها به دید مخاطبان خود گذاشته است.

## نجف دریابندری به صدر رفت



کتاب‌های ادبیات، فلسفه، دین و هنر از جمله حوزه‌های موضوعی پرفروش در هفته گذشته بودند.

در حوزه ادبیات، کتاب «گفت و گو با نجف دریابندری» اثر مهدی مظفری ساوجی؛ «یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج» به کوشش شراکیم یوشیج؛ «برگ ریزان» اثر آدلاین بین ما با ترجمه الهی مرعشی؛ «هرج و مرج محض» اثر وودی آلن و فرناندو سورنتینو با ترجمه حسین یعقوبی و «مجموعه اشعار قیصر امین پور» از نشر مروارید؛ «قلعه حیوانات» اثر جورج اورول با ترجمه امیر امیرشاهی از نشر جامی؛ «حضرت دوست» اثر کریستین بوبن با ترجمه سیدحبیب گوهری راد از انتشارات رادمهر؛ «دالان بهشت» اثر نازی صفوی از نشر ققنوس؛ «سهم من» اثر پری نوش صنیعی از نشر روزبهان و «همخونه» اثر مریم ریاحی از نشر پرسمان از پرفروش‌های هفته گذشته بودند.

در بخش آثار فلسفی، کتاب «مقدس و نامقدس» اثر میرچا الیاده با ترجمه بهزاد سالکی از انتشارات علمی فرهنگی؛ «ادبیات و فلسفه در گفت و گو با هانس گئورگ گادامر» ترجمه، تقریر و شرح زهرا زواریان و ویرایش بیژن عبدالکریمی از انتشارات نقش و نگار؛ «تورریسم و زندگی روزمره» اثر هنری لوفور با ترجمه امیر هوشنگ افشاری راد از نشر فرهنگ صبا؛ «داستان‌های فلسفی جهان» اثر میشل پیکمال با ترجمه ترانه وفایی از انتشارات او و «نیچه» اثر مارتین هایدگر با ترجمه ایرج قانونی از نشر آگه از آثار پرفروش این بخش بودند.

در حوزه دین نیز کتاب «جلوه دلدار» مجموعه آثار سید یوسف ابراهیمیان آملی ترجمه جامع الاسرار و منبع الانوار علامه سید حیدر آملی از نشر رسانش؛ «تازیانه سلوک» تنظیم و توضیح سید محمد ناصر تقوی از انتشارات قدیانی؛ «طریق عرفان» ترجمه و شرح رساله الولایه علامه محمدحسین طباطبایی با مقدمه و تفریظ آیت‌الله حسن حسن زاده آملی از کتابسرای اشراق و «خواص و مفاهیم اسماء‌الله الحسنى» اثر ملاحیب‌الله شریف کاشانی با ترجمه و شرح محمد رسول دریایی از نشر صائب فروش بالایی در هفته گذشته داشتند. در میان آثار هنری کتاب «آشنایی با فلسفه هنر» اثر دکتر حسن بلخاری قهی از پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی؛ «به خاطر یک فیلم بلند لعتی» اثر داریوش مهرجویی از انتشارات قطره و «جدال با جهل» اثر بهرام بیضایی از نشر ثالث جزو آثار پرفروش بودند.

# نشست‌های تخصصی خانواده در نمایشگاه قرآن



بخش خانواده هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم امسال نشست‌های متنوعی را با موضوع «آسیب‌شناسی مسائل خانواده از منظر قرآن کریم» با حضور کارشناسان این حوزه برگزار می‌کند.

محمدعلی خواجه پیری رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی کشور در گفت‌وگو با کتاب هفته با بیان این مطلب از برگزاری ۱۵ نشست در بخش خانواده نمایشگاه قرآن امسال خبر داد و گفت: «بخش خانواده نمایشگاه قرآن سه سال است که راه‌اندازی شده و با استقبال بسیار خوبی از سوی مردم مواجه شده است چرا که این بحث دقیقاً با زندگی روزمره مردم مرتبط است و تقریباً کسی نیست که با مشکلات این حوزه آشنا نباشد.»

## به همت شهر کتاب انجام می‌شود

# آشتی جوانان با ادبیات کلاسیک

شهر کتاب به منظور ترویج قشر جوان برای ارتباط با ادبیات کلاسیک، مسابقه‌ای را با عنوان حفظ دیباچه سعدی برگزار می‌کند. شیمای زارعی مسئول روابط عمومی شهر کتاب مرکزی، در گفت‌وگو با کتاب هفته ضمن اعلام این خبر، درباره زمان و نحوه برگزاری این مسابقه گفت: «از آنجا که ما در شهر کتاب مدتی است درس گفتارهای سعدی را برگزار می‌کنیم، به همین مناسبت تصمیم گرفتیم برای ترویج قشر جوان به مطالعه ادبیات کلاسیک، مسابقه‌ای در این زمینه ترتیب دهیم به این شکل که شرکت‌کنندگان باید دیباچه گلستان را حفظ کنند و در حضور استادان مختلف آن را از حفظ بخوانند. زمان برگزاری این مسابقه هم مهر ماه امسال خواهد بود.» درست‌خوانی و فهم دیباچه سعدی توسط جوانان از جمله مواردی است که از سوی مسئول روابط عمومی شهر کتاب به عنوان هدف برگزاری این مسابقه اعلام شد. زارعی همچنین درباره چگونگی شکل‌گیری نشست‌های مربوط به ادبیات کلاسیک در شهر کتاب اظهار داشت: «ما در این چند سال هر هفته دو نشست در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه داشته‌ایم که نشست‌های روز سه‌شنبه به نقد و بررسی کتاب‌ها در حوزه ادبیات، فلسفه و زبان‌شناسی اختصاص دارد و نشست‌های روز چهارشنبه هم که از دو سال پیش شروع شده مختص ادبیات کلاسیک است که سال اول درباره مولانا بود، سال دوم درباره فردوسی و امسال هم درباره سعدی

صورت‌پریش و پاسخ‌پیش می‌رود و جالب است که در سال‌های قبل خیلی خانواده‌ها می‌گفتند پس از شرکت در این نشست‌ها گره بسیاری از مشکلاتشان باز شده است و در مجموع در سه سال گذشته استقبال بسیار زیادی از این بخش شده است.»

خواجه پیری همچنین از چاپ کتاب با موضوعات مورد بحث این نشست‌ها پیش از برگزاری نمایشگاه خبر داد و گفت: «موضوعاتی که در این نشست‌ها به بحث گذاشته می‌شوند در قالب کتاب در همان جلسات در اختیار مردم قرار می‌گیرند که البته در دوره‌های قبل ما این کتاب‌ها را به صورت رایگان عرضه می‌کردیم و چون اعتبارمان محدود بود شمارگان این کتاب‌ها هم محدود و کم بود اما امسال قرار است این کتاب‌ها را با ۵۰ درصد تخفیف از قیمت پشت جلد کتاب بفروشیم تا به این ترتیب بتوانیم آن را با شمارگان بیشتری چاپ کنیم و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم.» خواجه پیری همچنین درباره تفاوت کتاب‌های سال گذشته با کتاب‌هایی که امسال برای این بخش عرضه خواهد شد، اظهار داشت: «سال گذشته چهار کتاب ارائه دادیم اما به دلیل مشکلی که سال گذشته در امر توزیع وجود داشت همه مباحث را در قالب یک کتاب آورده‌ایم چون معمولاً همه کسانی که در نشست حضور دارند طالب این کتاب هستند، البته محتوای این کتاب در قالب نیز با قیمت بسیار پایین (شاید قیمت خود لوح فشرده) در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد.» برگزاری مسابقات شفاهی برای کودکان و نوجوانانی که همراه خانواده به این بخش آمده‌اند، گرفتن عکس‌های یادگاری خانواده‌ها در این بخش واهدای جوایز از جمله مواردی بودند که خواجه پیری به عنوان جاذبه‌های این بخش از نمایشگاه قرآن امسال برشمرد.

باسمه تعالی

### نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمند ملت بزرگ ایران و به منظور تکرار دست‌های سال‌های گذشته و بیداری، بصیرت و عدالت، بصیرت و آزادی و با هدف ترویج فرهنگ انقلابی، ترویج و تکرار مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت سبکی نشان شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و بازنمایی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا فریاد کنند. مناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان‌هاست و روش‌های تریبی، آرمان‌های ملی و آزادی، خواص، نظم سبزی و عدالت نفسی، حماسه سازی، ابتکار و سایر تاثیرات تمدنی آن در جهان کنونی، آثار ماندگار و شایسته ای را به گنجینه ای ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

بمشارکت مورد نیاز:

۱. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه برای هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است.
- محدودیتی بر تعداد آثار وجود ندارد.
- سه نسخه تایپ شده از نمایشنامه به همراه لایق آن در محیط ۲۰×۲۰ روی لوح فشرده.
- یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

جوایز مسابقه:

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهند شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به تدوین آثار برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

- سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
- سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
- چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

گاه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست، به‌نشانی تا تاریخ ۱۳۸۸/۳/۳۰
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۱۳۸۸/۳/۳۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

نام نویسنده: \_\_\_\_\_

میراث تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): \_\_\_\_\_ شماره تماس (شماره همراه): \_\_\_\_\_

نشانی دقیق پستی: \_\_\_\_\_

انتخاب: \_\_\_\_\_ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارکت فوق را در صحت و درستی ارائه می‌دهم.

تاریخ و امضاء: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۱۰، طبقه دوم، رولت عبوسی صندوق پستی ۱۳۱۵۰-۲۱۳ شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۱۶۲۵۲-۶۶۱۶۲۱۲

## برنامه‌های این هفته سرای اهل قلم

برنامه‌های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد.

امروز (شنبه) دهم مرداد طبق روال هفته‌های گذشته، در ادامه سلسله نشست‌های مولوی پژوهی، موضوع سمبولیسم و رمزگرایی با حضور دکتر ان شاءالله رحمتی و دکتر پرویز عباسی داکانی برگزار می‌شود. نشست روز یکشنبه (۱۱ مرداد) نیز به موضوع نقد و بررسی کتاب «آخرین روزهای بهار» نوشته حسین فتاحی و با حضور علی اکبر والایی و احمد عربلو و نشست دیگری که در همین روز برگزار می‌شود، به موضوع نقد و بررسی داستان‌های جشنواره روح خدا با حضور جواد جزینی، سارا عرفانی و حسن حبیب‌زاده اختصاص دارد.

در ادامه سلسله نشست‌های حوزه فلسفه نیز روز دوشنبه (۱۲ مرداد) کتاب «انسان مسئله‌گون» اثر گابریل مارسل با حضور مترجم اثر بیتا شمسینی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

نقد و بررسی مجموعه داستان «آزدهاگشان» با حضور عبدالعلی دستغیب، دکتر علی عباسی، احسان عباسلو و یوسف علیخانی برنامه نشست روز سه‌شنبه این سرا خواهد بود.

نشست روز چهارشنبه هم به بحث آزاد با موضوع نقد منتقد اختصاص داده شده است. تمامی نشست‌های این هفته از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در سرای اهل قلم واقع در خیابان انقلاب خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ برگزار می‌شود و شرکت در این برنامه‌ها برای عموم آزاد است.



در روزهای غبار آلود تهران چقدر مطالعه کردیم؟

# تعطیلات بدون بهانه کتاب



اوضاع تجاری کتابفروشی هادر شهری مثل تهران، وضعیت دوگانه‌ای است. آنها که دور از راسته بازار انقلاب فعالیت می‌کنند و بیشتر به عنوان کتابفروشی‌های محلی شناخته می‌شوند، از تاثیر فصل‌ها و روزها تا حد زیادی برکنارند اما امتیاز حضور در بازار اختصاصی کتاب را نیز ندارند، اما آنها که در راسته بازار انقلاب قرار گرفته‌اند، وابستگی شدیدی به دانشگاه‌ها و مراکز علمی دارند، به گونه‌ای که با تعطیلی دانشگاه‌ها، فصل رکود بازار کتاب برای آنها آغاز می‌شود. این گزارش به بررسی فصل رکود و رونق و نیز تعطیلات پیش‌بینی شده یا پیش‌بینی نشده بازار کتاب و تاثیر آن بر میزان خرید و میزان مطالعه کتاب می‌پردازد.

## تعطیلات، محرک خارجی رکود

دو هفته پیش از این، وقتی گرد و غبار مثل یک جمعه پیش‌بینی نشده برای سه روز متوالی آخر هفته که روزهای خرید تلقی می‌شوند، تهران را یکپارچه تعطیل کرد، کتابفروشی‌ها اگر چه کرکره خود را پایین نکشیدند، اما در خلوت پیاده‌روهای خیابان انقلاب حالتی نیمه تعطیل داشتند. در روز دوم تعطیلات ناخواسته که گرد و غبار تمام نیروهایش را برای بستن کتابفروشی‌ها بسیج کرده بود، بالاخره یکی یکی کرکره مغازه‌ها پایین آمد. محمد صحراگرد، از کتابفروشان بازارچه کتاب می‌گوید: «بازار کتاب، بسیار حساس است. کوچک‌ترین اتفاقی می‌تواند به عنوان یک محرک خارجی روی این بازار اثر بگذارد و از آنجا که این بازار خیلی وقت‌ها در نوعی رکود به سر می‌برد، کوچک‌ترین عاملی می‌تواند آن را کاملاً از پای بیندازد.»

صحراگرد، نیمه تعطیل بودن بازار کتاب را تنها به روزهای گردوغبار محدود نمی‌داند و معتقد است که در سال جاری کم‌سو شدن چراغ بازار یک ماه زودتر از همیشه آغاز شد. او می‌گوید: «همیشه در ادبیه‌هاست ماه که زمان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب است، بازار انقلاب نیمه تعطیل می‌شود و معمولاً از اوایل خردادماه دوباره جان می‌گیرد و تا نیمه‌های تیرماه رونق دارد. با پایان یافتن امتحانات دانشگاه‌ها و افزایش گرمای هوا دوباره کتابفروشی‌ها در اغما فرو می‌روند و این اغما سه ماهه تا پاییز طول می‌کشد، اما امسال شرایط خاصی حاکم شد. تا بعد از پایان کار نمایشگاه

کتاب و در فرصت باقیمانده تا انتخابات و پس از آن، اگر چه جمعیت زیادی در خیابان‌های اطراف کتابفروشی‌ها در رفت و آمد یا گفت و گو بودند، اما بازار کتاب تنها با بهت و خستگی آنها را تماشا می‌کرد.»

## تعطیلی بازار کتاب در تهران و رکود در شهرستان‌ها

محمدرضا کافی سروستانی که برای خرید کتاب از شیراز به تهران آمده است، می‌گوید: وضعیت کتابفروشی هادر شهرستان‌ها نیز چنگی به دل نمی‌زند. اولاً چند کتابفروش محدود در شهری مثل شیراز که تازه نسبت به سایر شهرستان‌ها وضعیت بهتری دارد نمی‌توانند نیاز همه مخاطبان کتاب را تأمین کنند. از طرفی کتابخانه‌ها نیز چندان به روز نیستند و بازار کتاب مثل هر بازار دیگری در شیراز و شهرستان‌ها تحت تاثیر بازار تهران است. من در یک ماه گذشته دو بار کتاب سفارش داده‌ام، اما به دستم نرسیده است تا این که مجبور شدم برای خرید کتاب به تهران سفر کنم.» او همچنین به فهرست بلند بالایی اشاره می‌کند که دوستان و همکاران شیرازی‌اش برای خرید کتاب به او سپرده‌اند.

## تعطیلات فقط جاده‌های شمالی

### را شلوغ می‌کند

موضوع تعطیلات و رکود بازار کتاب را با دکتر محمدرضا طالب، جامعه‌شناس، مدرس دانشگاه و پژوهشگر اجتماعی در میان می‌گذاریم. او معتقد است: «جامعه ایرانی، چون اوقات فراغت به معنای واقعی را دارا نیست و اوقات فراغت مقوله‌ای است که یک دهه بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا و در میان کشورهای صنعتی به موضوع فکر و برنامه‌ریزی تبدیل شد بنابراین اگر وقت فراغتی هم در اختیار داشته باشد برای استفاده بهینه از آن طرح و برنامه‌ای بهینه ندارد. کشور ما به داشتن تعطیلات طولانی و بی‌دری معروف است، اما برای استفاده از این تعطیلات همیشه راه‌های تکراری را دوباره تکرار می‌کنیم. شما اگر به تعطیلات دو هفته پیش که خارج از پیش‌بینی تقویمی اتفاق افتاد نگاه کنید، می‌بینید طبق معمول جاده‌های منتهی به شهرهای شمالی به دلیل حجم مسافر مسدود شد. این نشان می‌دهد که ما در حوزه سفر و گردشگری که روحیه جست‌وجوگرانه می‌خواهد نیز حاضر به آزمون مسیرهای دیگر نیستیم

به همین دلیل هم تعطیلات را با سفر به شمال یا نشستن پای تلویزیون سپری می‌کنیم.» از آنجا که موضوع بحث کتابخوانی است، او می‌افزاید: «باید به این نکته اشاره کنم که سرانه مطالعه در کشوری مثل فرانسه بیش از ۴۰ جلد کتاب در سال است. یک شهروند فرانسوی با دغدغه‌های خاص جهان معاصر، چه هنگام فرصت مطالعه ۴۰ جلد کتاب در سال را پیدا می‌کند؟ مشخص است که او از همین فرصت‌های فراغت و تعطیلات، از ترافیک شهری، از نشستن در مترو و در فاصله رسیدن به محل کارش استفاده می‌کند. اما شما می‌بینید که کتابخانه‌های ما و کتابفروشی‌های ما در روزهای تعطیل غالباً تعطیل هستند و اغلب فعالیت خودشان را با ساعت‌های اداری تنظیم می‌کنند. در چنین موقعیتی چطور انتظار داریم مردم وقتی سر کارند، هم‌زمان در کتابخانه یا کتابفروشی هم حضور داشته باشند و اصلاً چرا دائماً از خالی بودن کتابخانه‌ها گلّه می‌کنیم؟»

**بچه‌های منتظر جمعه، کتابخوان نمی‌شوند**  
به اعتقاد دکتر طالب، فضای رسانه‌ای ما وظیفه آموزش و فرهنگ‌سازی برای استفاده بهینه از اوقات فراغت را به عهده نگرفته است. شما در فیلم‌ها و سریال‌های اجتماعی، خانواده‌ای را نمی‌بینید که زمانی را در خانه به کتاب خواندن سپری کنند. این استاد جامعه‌شناس تدارک زیرساخت‌ها را برای نهادینه شدن یک رفتار اجتماعی ضروری می‌داند و می‌گوید: «سیستم آموزشی ما در مدارس بچه‌ها را از کتاب و مطالعه فراری می‌دهد. وقتی دانش‌آموزی یا دانشجویی منتظر رسیدن یک روز تعطیل است تا از کتاب و آموزش فارغ شود، چطور می‌توان انتظار داشت در همان سنین یا در بزرگسالی با پیدا کردن اوقات فراغت سراغ کتاب و کتابخانه برود.» او می‌افزاید: «کتابخوان شدن یک جامعه فرایندی نیست که گمان کنیم با یک دوره کوتاه‌مدت یا اجرای یک طرح ویژه محقق می‌شود. طی قرن‌ها عادت کتابخوانی از جامعه مارکس بر بسته است و مدت‌ها طول می‌کشد تا بتوان عادت‌های خوب یک جامعه را به‌آباز گرداند.»

**خانه، جایی برای کتاب خواندن نیست!**  
روزهای تعطیل، مردم از خانه بیرون می‌آیند و به دامن طبیعت می‌روند یا در خانه می‌مانند و تلویزیون تماشا می‌کنند، بعضی‌ها کتاب می‌خوانند و بعضی‌ها

به کارهای عقب‌افتاده خود می‌پردازند. چیزی که ما را به سوی هر یک از این فعالیت‌ها سوق می‌دهد شرایطی است که هنگام قرار گرفتن در موقعیت انجام آن‌ها متقاعد می‌کند که از فرصت فراغت خود استفاده مطلوب کنیم. این مقدمه کوتاه را در میانه این گزارش آوردیم تا برای شنیدن بخش دیگری از سخنان دکتر طالب آماده شویم. او به نکته جالبی اشاره می‌کند و می‌گوید: «تاکنون دقت کرده‌اید که چیدمان اسباب و اثاثیه در خانه‌های ما چگونه است؟ تلویزیون نقش محوری دارد. همه وسایل باید طوری چیده شوند که بتوان حتی از آشپزخانه هم تلویزیون تماشا کرد. مبل‌ها و راحتی‌ها مقابل تلویزیون قرار می‌گیرند. تنظم نور طوری است که تماشای تلویزیون را با مشکل مواجه نکند، بدیهی است که نشستن در موقعیت تماشای تلویزیون بهترین جای نشستن است چون به تمام اسباب آرامش در آن موقعیت فکر شده است، اما قفسه‌های کتاب‌های مادر خانه کجا قرار دارد؟ کدام قسمت خانه را برای کتاب خواندن خودمان و فرزندان مهیا کرده‌ایم؟ کدام میز و صندلی راحت، نور مناسب و... را تدارک دیده‌ایم؟ بنابراین ما در معماری داخلی خانه خود محلی برای کتاب‌ها نیندیشیده‌ایم پس وقتی در خانه‌ایم، همیشه رویه‌روی تلویزیون نشستیم و این جعبه جادو ما را وامی‌دارد تا تماشایش کنیم، در حالی که این قدرت و وسوسه‌کننده را از کتاب‌ها گرفته‌ایم.»

## گردوغبار روی کتاب‌ها

تعطیلات سه‌روزه گردوغبار تمام‌شده و شاید فرصتی برای غبار تکاندن از کتاب‌های نخوانده از دست رفت. اما باید برای قرار دادن جامعه کتابخوان و کتاب‌نخوان فرصت‌ها را مصادره کرد، فرصت‌هایی که می‌تواند به تقویت زیرساخت‌های فرهنگی کمک کند تا کتاب خواندن مثل تماشای تلویزیون یا هر رفتار دیگری نخست نهاد خانواده را تحت تاثیر قرار دهد و از آنجا به عنوان یک اصل تربیتی نسل به نسل منتقل شود تا عادت کتابخوانی دوباره ما را به خود مشغول کند.

## عناوین پنجاه و پنج دیوان شعر (عرفانی - میهنی - اسلامی - اخلاقی) اثر چاپ شده توسط استاد محمد حسین کسرانی

(کسری) مدیر انجمن ادبی فرهنگی و انتشاراتی کسرانی

۱- گل افشانی	۱۵- ترانه های عشق و ایمان	۲۹- عشق من ایران من	۴۳- پیشوایان راستین
۲- دل شکسته	۱۶- سروده های عشق و شوریدگی	۳۰- تجلیل از مقام زن (دوستت دارم مادر)	۴۴- در آسمان غزل (غزل های عاشقانه)
۳- کاروان آرزو	۱۷- اشکها و لبخندها	۳۱- دل انگیزی های عشق یا (سروده های عاشقانه)	۴۵- پاسداران سخن پارسی تضمین از رودکی تا بهار
۴- سیر زندگی	۱۸- سرفراز بمان ایران من	۳۲- در پرتو اخلاق (پند شیرین)	۴۶- سفینه غزل
۵- آئینه دل	۱۹- عشق هستی	۳۳- همنوا با نوپردازان (سروده های آزاد در شعر کسری)	۴۷- همخوانی با پیشگوسان شعر و ادب
۶- خاطرات تلخ و شیرین	۲۰- سرچشمه عشق	۳۴- هموایی با پیشگامان شعر (گزیده تضمین ها)	۴۸- شعر آزاد
۷- اشکهای شادی و غم	۲۱- عشق و نیایش	۳۵- ترانه های تنهایی و مناظره های برگزیده	۴۹- تضمینی از گلچین غزلیات سعدی
۸- گوهرهای اندیشه	۲۲- شوق هستی	۳۶- شورستانهای ایران در شعر کسری	۵۰- معصومان (ع) در شعر کسری
۹- رؤیای هستی	۲۳- گلبانگ عشق	۳۷- در محراب عشق (پیام های منظوم)	(کسری در آئینه تقدیر و تقریبا ها)
۱۰- عشق و مستی	۲۴- پرواز اندیشه ها (سروده های آزاد)	۳۸- زیر آسمان دین و قرآن (در سایه سار ولایت)	۵۱- گل واژه های نیایش
۱۱- شراره های عشق و امید	۲۵- جلوه های عشق جاویدان	۳۹- میهن در شعر کسری (تکیه گاهی به بلندای تاریخ)	۵۲- جاودان بمان پهنه عشق
۱۲- میهن در آئینه عرفان	۲۶- رمز و راز عشق	۴۰- زن در نقش مادر (زن و مقام او در نقش مادر)	۵۳- راز عشق
۱۳- ایران در پناه قرآن	۲۷- حافظ تضمین	۴۱- در آسمان دوبیتی و رباعی در شعر کسری	۵۴- تقدیر و تدبیر
۱۴- ترانه های وصل و هجران	۲۸- علی (ع) آئینه حق نما	۴۲- دیوان حافظ کسفی	۵۵- گفتگوی دل

تهران - خ جمالیزاده شمالی - نرسیده به بلوار کشاورز - آخر کوچه نیلوفر - انتشارات کسرانی  
۶۶۹۰۲۷۳۵

بازدید برای عموم از نمایشگاه کتاب انتشارات کسرانی  
در ساعات اداری آزاد است.

از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

# گنجینه خاک خورده و دستان بالا رفته

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در دو نشست که طی هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های مولوی پژوهی و ادبیات دفاع مقدس در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

## گنجینه ای خاک خورده!

نشست مولوی پژوهی سرای اهل قلم، این هفته با حضور علی اکبر افراسیاب پور و پرویز عباسی داکانی برگزار شد. علی اکبر افراسیاب پور در این جلسه با بیان این که «عرفان ایرانی گنجینه ای را برای نجات از مشکلات فعلی جهان امروزی دارد، اما متأسفانه این گنجینه در داخل ایران مهجور و غریب و بی مصرف مانده است» اظهار داشت: «متأسفانه در کشور خود ما از عرفان ایرانی چندان استقبال نمی شود و این روزها کتاب های وارداتی در موضوعات ذن و بودیسم، پرطرفدارترین کتاب ها در ایرانند.» وی افزود: «عرفان ایرانی گنجینه ای است که دنیا را نجات می دهد. این گنجینه مهجور مانده و جامعه عواقب آن را متحمل می شود.»

او سپس به مبحث مولوی پژوهی وارد شد. به عقیده این پژوهشگر، مولوی از متن عرفان ایرانی برخاست و مسافت از بلخ تا قونیه، فرصتی برای او بود تا معارف و تجربیات گرانمایی را بیاموزد و تجربه کند. وی درباره دیدگاه های زیبایی شناسانه در عرفان مولانا گفت: «شاید اصلی ترین حرف زیبایی شناسانه در عرفان مولانا باشد. زیبایی قبل از مولانا، نخستین بار در فلسفه هنر و با افلاطون شروع شد. افلاطون معتقد بود که زیبایی در جهان بالاست.»

افراسیاب پور اضافه کرد: «اصلی ترین میناهای زیبایی شناسی، خدا، انسان، طبق نظریه آگزیستانسیالیست ها و طبیعت گراها هستند و این نظریه در مورد مولانا یعنی اعتقاد به عشق مجازی و عشق الهی.» این مولف با بیان اعتقاد عرفان و از جمله مولانا به زیبایی توضیح داد: «طبق اعتقاد عرفا، خورشید چون ذات تابیدن دارد، می تابد و

هر یک از موجودات، جلوه های منحصر به فرد این آفرینش اند، یعنی خلقت الهی در ذات خداست و وقتی انسان از این زیبایی بهره بگیرد، خدایی می شود.»

وی با اشاره به تاریخچه زیبایی شناسی در ایران باستان و اعتقاد به غلبه روشنائی بر تیرگی، اظهار داشت: «اساس زیبایی در ایران باستان بوده و در دین زرتشت به کمال رسیده که نظریه نور و ظلمت در ایران است.» سپس عباسی داکانی طی سخنانی درباره عقاید عرفا در زیبایی شناسی اظهار داشت: «تئوری عرفا در باب زیبایی، از خدا شروع می شود و به خدا می رسد. عطار این را با سیمرغ و چنین اشعاری نشان می دهد؛ «ابتدای کار سیمرغ ای عجب/ در بلاد چین گذشتی نیمه شب/ در میان چین فتاد از وی پری/ زان سبب پر شور شد هر کشوری.»

چرا سیمرغ نیمه شب عبور می کند؟ شاید چون خداوند، نور است و ظهور او، ظهور زیبایی است و این زیبایی با نور نسبت دارد. نویسنده کتاب «سهروردی و غربت غربی» به عقیده این سینا دربارزه زیبایی اشاره کرد و گفت: «این سینما می گوید جمال او مطلق است. چون خدا

مطلق است؛ زیبایی او نیز مطلق است. درک زیبایی لذت می آفریند و معرفت به زیبایی هر چه بیشتر شود، لذت زیبایی شناختی بیشتر می شود و این لذت در خداوند بی نهایت است.» داکانی در ادامه به طرح موضوع زیبایی در عرفان از دیدگاه دیگری پرداخت و افزود: «مساله دیگری که از منظر روانشناختی عرفا درباره زیبایی شناختی مطرح می شود، این است که زیبایی با پنهان شدن جور در نمی آید و زیبایی با ظهور و آشکار شدن پیوند دارد.»

## دستان نویسنده منصف بالا رفت!

نشست نقد و بررسی کتاب «ما از دوکوهه آمدیم، اینجا غریبیم» فرصتی برای بیان نظرات قابل تامل در حوزه ادبیات جنگ و پایداری بود. در این نشست احمد شاکری و عباس پیروزان، منتقدان و داستان نویسان و مجید پور ولی کشتری، نویسنده اثر، سخنرانی کردند. نویسنده این

کتاب در پایان جلسه، تمامی انتقادات را با شجاعتی مثال زدنی پذیرفت. احمد شاکری در ابتدای این نشست گفت: «این مجموعه داستان فقط یک گام با ادبیات سیاه و ضد جنگ فاصله دارد، زیرا ارزش های معنوی را منحصر به دوران جنگ تحمیلی و فضای بعد از جنگ را فرورفته در گرداب می داند. در حقیقت این مجموعه داستان رویکردی موضوعی در حوزه ادبیات دفاع مقدس دارد و بسیاری از شخصیت های داستان ها بر اساس نقش زنان در جنگ تحمیلی نوشته شده اند.» وی ادامه داد: «در داستان «ما از دوکوهه آمدیم، اینجا غریبیم» شخصیت زن، نقطه مقابل کسانی است که به ارزش های آن دوران پشت کرده اند و این نشان می دهد که شخصیت اصلی تابع ارزش هاست. تلفیق شدید او با مضامین دوران جنگ تحمیلی، سوالاتی پیش می آورد.

مثل اینها که چرا یک فرد با جبهه احساس همذات پنداری و آرامش می کند؟ آیا محمل ایجاد ارزش ها و اعتقادات، نهاد جبهه های دوران جنگ بود؟» احمد شاکری خاطر نشان کرد: «بن مایه اصلی در ادبیات سیاه و ضد جنگ، در نزدیکی

به شعارزدگی برخی از مفاهیم داستانی است. اغراق در احساسات شخصی نسبت به جنگ و بی اعتمادی و بی اهمیتی نسبت به مردم جامعه کنونی در داستان «ما از دوکوهه آمدیم، اینجا غریبیم» موج می زند.» نویسنده کتاب «انجمن مخفی» گفت: «بسیاری از داستان های دفاع مقدس از زاویه اول شخص (راوی) خلق می شوند، زیرا این نوع نگارش واقع نمایی داستان را بیشتر می کند و در این حالت راوی و شخصیت اصلی یکی می شوند. در این حالت، شعارزدگی یا سیاه نمایی از جنگ در زبان راوی یا نویسنده مشخص نیست.»

شاکری، شعارزدگی و ضدیت در ادبیات جنگ را ساخته ذهن نویسنده دانست و افزود: «نویسنده با این زاویه دید، خودش را پشت شخصیت اصلی داستان پنهان می کند و با این حرکت می تواند ترسیم درستی از واقعیت



را روایت کند.» وی با بیان این که مولف (راوی) کتاب «ما از دوکوهه آمدیم، اینجا غریبیم» وظایف و نقش کسانی را که در جنگ حضور داشتند، درست تحلیل نکرده است، گفت: «در این مجموعه داستان به پدیده جنگ، ملموس و محسوس نگریسته شده و بیشتر برای القای حقایق داستان ملاک های حسی بر ملاک های عقلی غلبه کرده اند و این شیوه صحیحی برای تحلیل ارزش ها و اهداف جنگ تحمیلی نیست.»

شاکری افزود: «این مجموعه داستان فقط یک گام با ادبیات سیاه و ضد جنگ فاصله دارد. زیرا سعی در نشان دادن ادبیات ماورای جنگ و بعد از آن دارد بنابراین ارزش های معنوی را منحصر به دوران جنگ تحمیلی و فضای بعد از جنگ را فرورفته در گرداب می داند.»

عباس پیروزان، یکی دیگر از منتقدان در ادامه نشست نقد و بررسی کتاب «ما از دوکوهه آمدیم، اینجا غریبیم» اظهار داشت: «نویسنده در روشن کردن حقایق داستانی با ضعف روبه روست و این منطق داستان را زیر سوال برده است. آثاری از این دست، برای نسل های آینده اند و بنابراین نباید مفاهیم با تعاریف نادرست، برای مخاطب بیان شوند.»

وی خاطر نشان کرد: «ایده های فکری نویسنده برای خلق داستان های این مجموعه قابل تحسین اند، اما خطاهایی چون نبود ویراستاری دقیق و انطباق با واقعیت های باورناپذیر، به متن داستان صدمه می زند.» در پایان این نشست، مجید پورولی کشتری، نویسنده این مجموعه داستان، با قبول تمام انتقادات و پیشنهاد های منتقدان، اظهار داشت: «با توجه به این که اثر در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسید، نوع قلم و باورهای ذهنی من نسبت به پدیده جنگ تحمیلی متعصبانه بوده است.»

وی ادامه داد: «استفاده از نمادها و فرضیات ذهنی من، شالوده داستان های این مجموعه را در ذهن مخاطب، غیر منطقی جلوه می دهد.»

این داستان نویس گفت: «قصه دارم داستان های این مجموعه را با توجه به جلسات نقد و بررسی برگزار شده، باز نویسی کنم.»

## نگاهی به کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی

# دسترسی آسان به منابع دیجیتال

آتوسا یزدانی

محمد هادی زاهدی، رئیس سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، می گوید: «بر طرف کردن خلأ های قانونی در حوزه مجازی باعث به ثمر نشستن ظرفیت های بالای کتابخانه های دیجیتالی کشور می شود. همچنین اهمیت ضرورت تدوین و اصلاح قوانین حق مالکیت معنوی در عرصه کتابخانه های دیجیتالی مطرح است. اما متأسفانه به دلیل نبودن قوانین حق مالکیت معنوی ناشران، ظرفیت های بزرگی در این حوزه مغفول مانده است.» وی با مقایسه کتابخانه های سنتی و دیجیتالی می افزاید: «کتابخانه های سنتی و دیجیتالی به عنوان دو نهاد اجتماعی، فرهنگی مکمل یکدیگرند و هیچ یک نمی توانند به عنوان جایگزین جای یکدیگر را بگیرند. همچنین ویژگی کتابخانه دیجیتال دسترسی آسان، روزآمد سازی، گستره وسیع و فراگیر، امکان چند رسانه ای شدن و استفاده چند نفر از یک منبع است.»

رئیس سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ایجاد هم افزایی، تبادل تجربیات و دستاوردهای موفق در عرصه کتابخانه های دیجیتال را ضروری می داند و می گوید: «کتابخانه های دیجیتال کاستی هایی را به دنبال دارند که قطع ارتباط عاطفی کتابخوان با کتابخانه یکی از مهم ترین مشکلات کتابخانه های دیجیتالی است، ولی می تواند در جلوگیری از اتلاف وقت مراجعه کنندگان تأثیر بسزایی داشته باشد.»

شد که این سیاه از بخش ها و اداره های مختلف سازمان استخراج شد و در دسترس قرار گرفت. مرحله اجرایی (فاز سوم) این پروژه در آذرماه سال ۱۳۸۶ آغاز شد. در این مرحله منابع موجود در سازمان که مقرر شده بود دیجیتالی شوند، بر اساس اولویت بندی مصوب و در کمیت کتابخانه دیجیتال سازمان درج شد و سپس نسخه دیجیتالی از منابع انتخابی تهیه و پس از تبدیل به فرمت مورد نظر، به پایگاه اطلاعات کتاب شناسی مولتی مدیای سیمرغ وارد شد.

پایگاه مولتی مدیای نسخه های خطی و پایگاه کتاب های فارسی در منابع کتابخانه موجود است و محققان پژوهشگران می توانند از طریق مراجعه به قسمت جست و جو در منابع کتابخانه در صفحه اول وب سایت سازمان به منابع مورد نظر نظر دست پیدا کنند.

نمایندگان مراکز، موسسات علمی، آموزشی و کتابخانه های بزرگ کشور مانند مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تیبان و شرکت پارس آذرخش، اعضای نشست های تخصصی کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی را تشکیل می دهند.

کتابخانه دیجیتال، مجموعه ای از اطلاعات و خدمات به هم پیوسته ای است که در آن اطلاعات به صورت دیجیتال ذخیره می شوند و از طریق شبکه اینترنت قابل دسترسی اند.

در حالی که اکثر افراد کتابخوان از کتابخانه های سنتی بیشتر استقبال می کنند - شاید به این دلیل که می توانند کتاب مورد نظر خود را در دست بگیرند و با ورق زدن صفحات آن لذت بیشتری از خواندن کتاب ببرند - اما کتابخانه های دیجیتال نسبت به کتابخانه های سنتی مزیت بیشتری دارند، زیرا نیاز به مراجعه حضوری استفاده کننده نیست و در واقع کتابخانه نزد کاربر می آید. همچنین در این کتابخانه ها استفاده از رایانه برای جست و جوی اطلاعات امکان پذیر است.

اشتراک اطلاعات، امکان روز آمد سازی اطلاعات، قابل دسترس بودن اطلاعات در هر زمان، کم بودن هزینه آن و آرازان بودن ذخیره سازی اطلاعات، از جمله برتری های کتابخانه های دیجیتال نسبت به کتابخانه های سنتی به حساب می آید به همین دلیل در های کتابخانه دیجیتال همیشه به روی مخاطبان باز است.

کتابخانه دیجیتالی سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی نیز یکی از کتابخانه هایی است که برای نخستین بار طرح ایجاد آن در سال ۱۳۸۰ توسط مشاور علمی سازمان مطرح شد و با انجام مطالعات و نگارش طرح مطالعاتی (فاز اول) به طور رسمی از فروردین سال ۱۳۸۳ با بهره گیری از ۳۵ منبع خارجی و شش منبع داخلی آغاز به کار کرد و این طرح آزمایشی دی سال ۱۳۸۳ به پایان رسید. پس از آن طرح آزمایشی، فاز دوم کتابخانه دیجیتالی با استاندارد هایی در امر دیجیتالی سازی هر یک از منابع و همراه با سیاهه ای از منابع دیجیتالی تهیه

زاهدی یاد آور می شود که ارتباط کتابخوان با کتاب و کتابخانه در کتابخانه های سنتی باعث برکات متعددی نظیر ایجاد انرژی مضاعف و هم افزایی می شود، ولی مشکلات خاص خود را نیز داراست.

**دیجیتال سازی کتاب های خطی و چاپ سنگی**  
محمد نعیم آبادی، رئیس اداره فناوری اطلاعات، درباره کتابخانه دیجیتالی آستان قدس رضوی می گوید: «تاکون در کتابخانه دیجیتالی آستان قدس رضوی هزاران نسخه کتاب خطی، چاپ سنگی، چاپی، سند، عکس و نوار کاست دیجیتال سازی شده اند.»

وی می افزاید: «مراحل اجرایی این پروژه شامل مراحل مطالعاتی، نظری، اجرایی آزمایشی و مرحله عملی پروژه کتابخانه دیجیتال است و تاکنون هیچ یک از نرم افزار های کتابخانه دیجیتالی موجود در کشور برای کتابخانه دیجیتالی سازمان مناسب تشخیص داده نشده اند.»

**تاریخچه کتابخانه آستان قدس رضوی**  
تاریخ کتابخانه آستان قدس رضوی با فراز و فرود های گوناگون تاریخی در خراسان و مشهد مقدس پیوند خورده است. نخستین بارقه پیدایش این جلوه قدسی، شش قرن پیش در اثر خیر خواهی و ایمان راستین و اوقاف و اهدا کنندگان با اخلاق و بی نام و نشان پدید آمد. سپس عواملی نظیر روی آوردن طلاب علوم دینی مقیم شهر مشهد مقدس، زائران فاضل و دوراندیش و بذل عنایت خادمان و شیفتگان بارگاه امام رضا (ع) موجبات رونق آن را فراهم آورد. کتابخانه مرکزی و تخصصی آستان قدس رضوی با هدف نگهداری از نسخه های خطی و چاپی تاریخی، نفایس، روزنامه ها، پایان نامه ها، کتاب های قدیمی و لاتین در سال ۱۳۳۰ خورشیدی بنا شد. این کتابخانه به دلیل انتساب با ثامن الائمه (ع) پیوندی دیرینه با مذهب دارد.



گزارشی درباره وضعیت کتاب های رشته ورزشی بوکس

# نویسنده و کتاب در گوشه رینگ

او برخلاف نظر برخی افراد که بوکس را رشته ای خشن می دانند، معتقد است بوکس فقط سه حرکت هجومی دارد، در حالی که دارای ۱۴ تاکتیک دفاعی است و این نشان دهنده سلامت فرهنگی این رشته است. مساعیدیان درباره وضعیت کتاب و کتابخوانی و همچنین نقش آن در پیشرفت ورزش بوکس می گوید: «کتاب در کشور مظلوم است و به ویژه ورزشکاران، فرهنگ کتابخوانی در بین آنها سرمایه گذاری کرد تا ورزشکاران بتوانند با مطالعه و کسب فرهنگ صحیح ورزش، از تکنولوژی روز دنیا نیز به درستی استفاده کنند.»

## ترجمه ای دیگر در راه است!

هنگامی که در بازار کم رونق کتاب های بوکس، از انتشار کتابی جدید خبر داده می شود، تا حد زیادی می تواند علاقه مندان به این رشته ورزشی را شاد کند. «تمرینات و بدنسازی بوکس» که اثری از یک نویسنده خارجی است، به زودی از سوی نشر علم و حرکت روانه بازار کتاب خواهد شد.

روبن شاهوردیان مدیر مسوول نشر علم و حرکت علاوه بر بیان خبر انتشار زودهنگام این کتاب، درباره وضعیت بوکس و کتاب های این حوزه می گوید: «بوکس از روز اول مورد بی مهری قرار داشته و فدراسیون بوکس هم هرگز از انتشار کتاب های این حوزه حمایت نکرده است.»



برای پیشرفت بوکس ایجاد کرد.

مساعیدیان، وجود سیاست های دوگانه در قبال ورزش بوکس را عامل اصلی پیشرفت نکردن این رشته و نرسیدن آن به جایگاه واقعی اش می داند و می گوید: «این رشته بسیار مدال آور است و جوانان ایرانی نیز ظرفیت بالایی برای موفقیت در آن دارند، اما سرمایه گذاری مالی و علمی در بوکس انجام نمی شود.»

آستین همت را بالا زد و کتاب «تاریخچه بوکس ایران» (جلد اول - ۱۳۵۷ - ۱۳۲۴) را به رشته تحریر در آورد که اخیراً از سوی نشر بامداد کتاب منتشر شده است. داستان نگارش این کتاب به روزگاری تقریباً دور بازمی گردد، هنگامی که مساعیدیان در نقش یک نویسنده و منتقد رشته ورزشی بوکس در روزنامه کیهان ورزشی قلم می زد.

خودش در این باره می گوید: «مدت ها در کیهان ورزشی از بوکس می نوشتم. از همان جوانی هم که به ورزش بوکس روی آورده بودم، دوست داشتم مطالب و اخبار مربوط به آن را جمع آوری کنم. آرام آرام، هم در حوزه خبرنگاری و هم در حوزه قهرمانی ورزش بوکس پیشرفت کردم. حتی قهرمان ایران و سر مربی تیم ملی هم شدم. در آن زمان آرشیو مطالب و اخبار من نیز آرشیو جامعی شد. یکی دو کتاب هم در زمینه بوکس خواندم. از آنجا که فدراسیون هرگز در زمینه انتشار کتاب از من حمایت نمی کرد، تصمیم گرفتم بعد از حدود ۱۵ سال از پایان جمع آوری مطالب و اخبار، کتاب را منتشر کنم، بنابراین با نشر بامداد کتاب وارد مذاکره شدم.»

مساعیدیان معتقد است که کتاب می تواند رسانه خوبی برای تبلیغ، علمی کردن و جذب افراد به این رشته ورزشی باشد. او همچنین می گوید: «سیاست های نامشخص تلویزیون تاکنون باعث شده است که بوکس در صداوسیما جایگاه مناسبی نداشته باشد، لذا کتاب می تواند رسانه خوبی برای بوکس به حساب بیاید، البته من به تبلیغ درباره این رشته ورزشی چندان اعتقاد ندارم چون آنچه امروزه بوکس به آن نیازمند است، آموزش اصولی و صحیح است، اصولی که به ما یاد می دهد بوکس هرگز بزن بزن و یک ورزش خشن نیست که لازم باشد تا حدود زیادی از طرف رسانه ملی تحریم شود. در حقیقت، بوکس یک ورزش زیباست که اگر حتی جنبه خشن آن را هم در نظر بگیریم، باید بگوییم یک ورزش بزن، نخور است!»

او می گوید: «المبیک بوکس شروع و با بوکس تمام می شود، در حالی که مسابقات تک حذقی است. اکنون در بیش از ۹۰ درصد کشورها بوکس رواج دارد. آیا این آمار نشان دهنده توجه بیشتر به ورزش بوکس از سوی نویسندگان و مترجمان، ناشران و مسوولان ورزش بوکس نیست؟»

نویسنده کتاب «تاریخچه بوکس ایران» این گونه ادامه می دهد: «متأسفانه این رشته ورزشی از وجود کتاب های جامع و مناسب محروم است، در حالی که با انتشار کتاب و گسترش فرهنگ کتابخوانی، می توان فضای مناسبی

تمامی رشته های ورزشی برای پیشرفت در حوزه های مختلف، نیازمند استفاده از ابزاری نیرومند به نام رسانه اند؛ از روزنامه ها، هفته نامه ها و مجلات گرفته تا شبکه های مختلف تلویزیونی و ماهواره ای. این رسانه ها در معرفی، بسط و گسترش، تبلیغ، آموزش و جذب مخاطب و حامی مالی رشته های ورزشی نقشی مهم ایفا می کنند اما آنچه محمل علمی یک رشته ورزشی به حساب می آید، رسانه مکتوب یا کتاب است.

یار مهربان در حوزه ورزش، منتقل کننده مطالب گوناگون است، از معرفی های ساده تا مباحث عمیق علمی در بین رشته های گوناگون ورزشی، رشته بوکس یا مشتزنی دست کم در کشور ما، وضعیت خاصی دارد؛ وضعیتی که باعث شده بوکس و اهالی آن از نظر حضور در رسانه به ویژه رسانه ملی (تلویزیون) به نوعی در محدودیتی آشکار قرار بگیرند. در چنین شرایطی علاقه مندان به رشته ورزشی بوکس که عده آنان هم زیاد است، به سمت رسانه های مکتوب روی می آورند. متأسفانه به جز در مواردی کم شمار -مطبوعات ورزشی تاکنون نتوانسته اند به اصطلاح جان کلام را درباره ورزش بوکس ادا کنند، بنابراین کتاب از روزگاران قدیم تاکنون، بهترین محمل رسانه ای برای این رشته ورزشی به حساب آمده است. اما به راستی، کمیت و کیفیت کتاب های حوزه بوکس در کشورمان چگونه است؟ آیا این منابع جوابگوی نیازهای گسترده اهالی بوکس اند؟

## افسوس روز افزون

بوکس اگرچه ورزشی بومی یا ملی در کشور ما به حساب نمی آید، اما علاقه مندان بسیاری را به خود جذب کرده است. تاکنون قهرمانان زیادی نیز در عرصه بوکس قاره آسیا از کشورمان، چهره شده اند و مدال ها و جام های گوناگونی را برای ایران به ارمغان آورده اند، اما در حوزه کتاب های بوکس جای صداغسوس باقی است چراکه متأسفانه، کتاب های تالیف یا ترجمه شده این حوزه بسیار کم شمارند و مهم تر این که اغلب این کتاب های کم شمار، ترجمه آثار خارجی اند؛ گویی ورزش بوکس ایران هرگز قلم به دستی نداشته یا این که هیچ اهل قلمی وارد عرصه بوکس نشده است. شاید هم هرگز مسوولان این رشته ورزشی به این نتیجه نرسیده اند که بوکس هم مثل سایر رشته های ورزشی بی نیاز کتاب و بوکسوران بی نیاز از کتابخوانی و مطالعه نیستند!

نگاهی گذرا به تعدادی از کتاب های منتشر شده در حوزه بوکس، مبین این موضوع است.

قریب به اتفاق کتاب های حوزه بوکس با عنوان «آموزش بوکس» منتشر شده اند که تقریباً همگی آنها ترجمه آثار خارجی اند؛ نظیر «آموزش بوکس» اثر دابلیو اچ یانگ با ترجمه کوروش مجتبی و صادقی (نشر دانش)، «آموزش بوکس» اثر هربرت ژوئن برگ با ترجمه محمد رضا ماباشر (نشر بوستان)، «آموزش بوکس» اثر آلن لاجیکا و دوگ ورنر با ترجمه محمد همت خواه (نشر عصر کتاب) و «آموزش بوکس با مربی چینی». اگر کتاب «راهنمای پزشکی در بوکس و کنترل دوپینگ» اثر مسعود حاجی رسولی (نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر) نبود، این شبهه به وجود می آمد که گویی بوکس به مباحثی علمی نظیر تغذیه، درمان، استفاده از مکمل ها و روان شناسی ورزشی نیاز ندارد.

## سر مربی دست به قلم شد

در چنین وضعیتی که درباره کتاب های حوزه بوکس بیان شد، تالیف و انتشار کتابی به قلم یک ایرانی بارقه ای از امید را در دل زنده می کند. محمود مساعیدیان، سر مربی سابق تیم ملی بوکس ایران،

باسمه تعالی

مؤسسه خانه کتاب

نشست‌های تخصصی

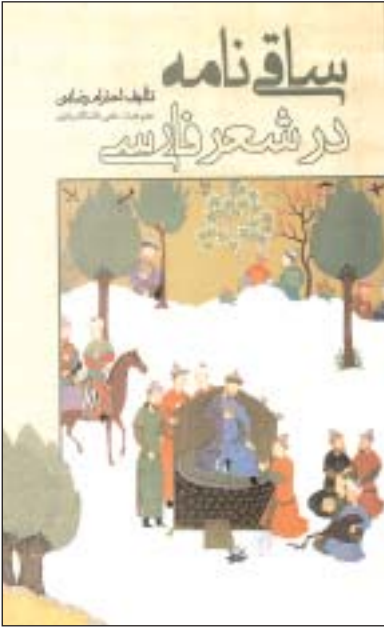
**ششمین دوره جشنواره نقد کتاب همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب**

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد جشنواره نقد کتاب را همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات دعوت می کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۸ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵      تلفن فکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

[www.naghdeketab.ir](http://www.naghdeketab.ir)

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-



نگاهی به کتاب «ساقی نامه در شعر فارسی»

# دومین پژوهش مستقل درباره ساقی نامه های فارسی

نباید با خمیره اشتباهش گرفت. از مرگ و گذار تند و تیز ایام، از کوتاهی عمر و گاه از مضامینی مشخصا عرفانی می گوید. تنها خمیره نیست. ساقی خطاب می شود و شاعر می نالد. گاه هم می شنکد؛ ولی عموماً می نالد. یک مثنوی است در بحر متفارب (بارکن فعلولن؛ همان وزن مشهور شاهنامه فردوسی و بوستان سعدی). این نکته ورزی های فلسفی را در پیوند با دستگاه مهور اجرا کنید و بنالید. البته شاد بنالید؛ چون مهور اصولاً دستگاه شادی است. ساقی نامه این است.

«ساقی نامه در شعر فارسی» کتابی است به قلم احترام رضایی که از سوی انتشارات امیر کبیر به چاپ رسیده. احمد گلچین معانی، از اعظم استادان زبان و ادب فارسی، همچنان که بر گردن دیگر پژوهندگان ساقی نامه های فارسی منتی بزرگ دارد، بر مولف این کتاب نیز حقی دارد. از معروف ترین کارهای او در این زمینه، چاپ انتقادی «تذکره میخانه» اثر ملا عبدالنبی فخر الزمّانی قزوینی (اثری از اوایل قرن یازدهم هجری قمری) است و دیگر، تالیف کتاب «تذکره پیمانه در ذکر ساقی نامه ها و احوال و آثار ساقی نامه سرایان». بسیاری از ساقی نامه سرایان مشهور چون رضی الدین آرتیمانی در نتیجه همین کارهای گلچین معانی، دوباره احیا و معرفی شدند. کسانی که تا امروز در پی کتابی جمع و جور درباره ساقی نامه، معرفی ساقی نامه سرایان مشهور و نمونه هایی از ساقی نامه های فارسی بوده باشند، می دانند که چنین کتابی، جدا از تذکره پیمانه گلچین معانی، اصولاً وجود خارجی ندارد. آنچه هست، عموماً یا مقدمه هایی (گاه بسیار مختصر) است که مصححان در آغاز دیوان شاعرانی نوشته اند که در دیوانشان نمونه یا نمونه هایی از ساقی نامه به چشم می خورد یا کتاب های دیگری که چند ساقی نامه مشهور را، گاه با جهت گیری مشخص مضمونی، گرد آورده اند، مثلاً کتاب «پنج ساقی نامه عرفانی» با مقدمه و انتخاب غلامحسین رضائزاد. در این بین، کارهایی چون تذکره پیمانه گلچین معانی یا رساله استادانه جناب مسعود فرزاد با عنوان «چگونگی کشف ساقی نامه حافظ»، حکم کیمیا دارد. حالا شاید مشخص تر شود که ارزش کتاب «ساقی نامه در شعر فارسی» اثر احترام رضایی در چیست. این کتاب، در حالی که تذکره پیمانه سال هاست تجدید چاپ نشده (آخرین چاپ این کتاب در سال ۶۸ مربوط به انتشارات سنایی است) و رساله استاد مسعود فرزاد هم اصولاً یک بحث تاریخی است، ارزشی دوچندان پیدا کرده.

جا دارد تعریف یا توصیف ساقی نامه را از استاد گلچین معانی، به نقل از احترام رضایی در متن کتاب، این جا داشته باشیم. گلچین می نویسد: «ساقی نامه و معنی نامه که اجزای یک منظومه مستقل را تشکیل می دهد، ابیاتی است خطابی در بحر متفارب مثنی مقصور یا محذوف که در آن، شاعر با خواستن باده از ساقی و تکلیف سرودن و نواختن کردن به معنی، مکنونات خاطر خود را درباره دنیای فانی و بی اعتباری مقام و منصب ظاهری و کجروی چرخ و ناهنجاری

روزگار و نگوئی بخت و بی وفایی و جفای اغیار و دورویی اینای زمان و صفای اهل درد و مذمت زاهدان ریایی و مانند اینها، ظاهر و آشکار می سازد و ضمن بیان این مطالب، کلمات حکمت انگیز و نکات عبرت انگیز نیز بر آن می افزاید.» (نقل احترام رضایی از صفحه نخست مقدمه گلچین معانی در تذکره پیمانه).

## چند نکته ویرایشی

ولی چاره ای نیست جز این که در این میان، پیش از نگاهی به بخش بندی و فصل بندی کتاب، نگاهی داشته باشم به برخی مشکلات ویرایشی کتاب در جمله بندی ها. در آغاز فصل دوم آمده است: «بسیاری ساقی نامه را یکی از تبعات و مولود خمیره فارسی محسوب می کنند و ریشه خمیریات فارسی را نیز در خمیریات عرب می دانند. برای بررسی این نظریه و رسیدن به نتیجه ای صحیح در این مورد در این فصل ابتدا به تعریف خمر و خمیره پرداخته شده و بعد از نگاهی به خمیره در شعر عرب، سیر خمیریات فارسی، مضمون خمیره های فارسی به طرح یک پرسش «یا خمیریات فارسی زاده خمیریات عربند یا نه؟» پرداخته شده است و در آخر نگاهی گذرا نیز به خمیره در ادبیات غرب شده است: «...». در این قطع کوتاه، متاسفانه چندین اشکال ویرایشی به چشم می خورد که با توجه به سطح علمی و تخصصی کتاب حاضر، بیشتر توی چشم می زند. مشخص است که از عبارات «بعد از نگاهی به خمیره در شعر عرب»، جمله با فعلی نابجا دنبال شده که ارتباطی با نحو پیشین جمله و معنای آن ندارد. این بزرگترین مشکل است. همچنین تکرار «شده است» در دو فعل «پرداخته شده است» و «نگاهی شده است» مصداق بدسلیقگی

نخستینش می اندازد. نمونه دیگر در این جمله از صفحه ۳۱ است: «رودکی در توصیف می و میگساری اشعار فراوانی دارد که از آن میان قصیده «مادر می» مشهور ترین آنها می باشد.» شخصاً به کاربردن فعل «می باشد» را به جای «است» هیچ خوش ندارم و آن را نیز مصداق بدسلیقگی می دانم ولی چون به لحاظ دستوری و معنایی غلط نیست، از آن بگذریم. مسأله چیز دیگری است: در این جمله بهتر است یا «آنها» حذف شود یا «از آن میان» و کاربرد هر دوی اینها با هم مصداق حشو است. وجود این موارد نثر کتاب را از پاکیزگی آرمانی دور می کند و به مخاطب اجازه نمی دهد که این نثر را نمونه دوری از حشو و زوائد بداند. انتظار از کتابی تا این اندازه مقید و کارآمد، بیش از اینهاست.

## نقد رضایی بر نظرات دهخدا و گلچین معانی

احترام رضایی در کتابش می نویسد علامه دهخدا دو شرط را برای ساقی نامه ذکر می کند (که هر دو فرمی اند): بحر متفارب و قالب مثنوی. رضایی تأکید می کند که با این حال ساقی نامه هایی هستند که در دیگر قالب ها چون ترجیع بند و ترکیب بند و حتی رباعی و نیز در دیگر بحر ها سروده شده اند. رضایی تصریح می کند که چون گلچین معانی و محمد معین نیز بحر متفارب و مثنوی را لازمه ساقی نامه بودن یک شعر دانسته اند، «تعریف این سه استاد جامع و مانع نخواهد بود.» او سپس تعریف خود از ساقی نامه را ارائه می دهد که تفاوت اساسی آن با تعریف گلچین معانی، در این است که به جای حکم کردن درباره ضرورت قالب مثنوی و بحر متفارب، آورده شده است ساقی نامه بیشتر در این قالب و بحر است - و نه همیشه.

## ساقی نامه چیست؟

«ساقی نامه یکی از انواع شعر غنایی است که معمولاً به قالب مثنوی و به بحر متفارب است. در ساقی نامه، شاعر ساقی و مغنی را مخاطب قرار می دهد و از آنان می خواهد که باده ای در کار کنند و سرودی ساز دهند و سپس از گذر سریع عمر و ناپایداری دنیا و جفای روزگار، سخن می راند و خواننده را به اغتمام فرصت و دریافتن دم.»

سیروس شمیسا. انواع ادبی؛ صفحه ۲۴۳ و ۲۴۴  
«نوعی مثنوی در بحر متفارب است که در آن شاعر خطاب به ساقی کند و مطالبی مبنی بر یاد مرگ و بی ثباتی جهان و پند و اندرز و ترغیب او به ساقی گری آورد.»  
محمد معین، فرهنگ معین، ذیل مدخل ساقی نامه

است - اگرچه غلط نیست. در این موارد مطلوب تر و بهتر آن است که به منظور حفظ ریتم و نیز پرهیز از حشو، بخشی از فعل نخست را حذف لفظی می کنند، که این بخش در این قطعه، همین «شده است» است. یعنی فارغ از این که فعل «پرداخته شده است» در جای نادرستی استفاده شده، تکرار «شده است» هم این بند را از ریخت می اندازد. در نهایت این که جا داشت از علایم نگارشی چون ویرگول و نقطه ویرگول به شکلی موثر تر استفاده می شد تا این بخش بلند، راحت تر خوانده شود. تأکید بر این موارد از آنجاست که نمونه چنین مشکلاتی که در کتاب بارها دیده می شود، به سطح تخصصی کتاب ضربه می زند و رنج زیاد مولف در تدوین آن را نیز از اعتبار

همچنین احترام رضایی اشاره دارد که توجه به شراب و خمیره سرایی مختص ایرانیان نبوده و نزد اعراب و در اروپا هم سابقه بسیار دارد؛ ولی تأکید می کند که نباید خمیره فارسی را زاده خمیره عربی دانست؛ اگرچه تأثیرپذیری شاعرانی چون منوچهری از خمیریات عربی قطعی است.

## مضامین ساقی نامه ها

از فصل سوم کتاب مربوط به مضامین ساقی نامه هاست. تمثیل و حکایت، مدح، ستایش خداوند، توصیف و تعریف پدیده های طبیعی، بیان مضامین اجتماعی و سیاسی از مضامین عمومی و توصیف ساقی، می، جام، مغنی و مطرب، نکوهش زمانه و اهل آن و سوگند و مناجات از مضامین خاص

ساقی نامه هاست.

نویسنده در پایان این فصل این پرسش را مطرح می کند که آیا ساقی نامه ریشه در خمیریات فارسی دارد؟ به گمان او اگرچه اصطلاحات شراب خواری ویژه خمیره ها در ساقی نامه ها نیز تکرار شده، ولی از آنجا که ساقی نامه سرایان عموماً از این اصطلاحات معنایی عرفانی را در نظر داشته اند، شاید بهتر باشد که ریشه ساقی نامه ها را در شعر عرفانی بدانیم و نه خمیره. احترام رضایی در توضیح این نظر به مواردی از تمایز های میان ساقی نامه و خمیره اشاره می کند. مثلاً از نظر قالب، خمیره عموماً در قالب قصیده است و ساقی نامه در قالب مثنوی؛ یا از نظر معنایی، می در خمیره شراب انگوری است و در ساقی نامه، غلبه عشق. بحث احترام رضایی با اشاره به نظرات و آرای علامه دهخدا، محمد ترابی و غلامرضا زرین چیان، پیش رفته و به گمان من تا حد زیادی مخاطب را قانع می کند.

## نخستین ساقی نامه سرا

فصل چهارم، «نگاهی به ساقی نامه» سیر تاریخی ساقی نامه ها را بررسی می کند. در این فصل، ابتدا به نقل نظر محمد جعفر محبوب (که با تأیید احمد گلچین معانی نیز همراه است)، پرداخته شده که بنا به آن فخرالدین اسعد گرگانی (شاعر ویس و رامین) نخستین ساقی نامه سر است. رضایی این نظر را نقد می کند. به نظر او شاعرانی چون غزوانی لوکری، ابوشکور بلخی و فرخی سیستانی، پیش از گرگانی، خمیره دارند. شاید آنچه نویسنده را به بیان این نظر واداشته، نظرات دکتر محمد ترابی باشد که او در ادامه بحثش به آنها اشاره می کند. این دلایل، چهارگانه اند و دلیل چهارم این است: از آنجا که تنها دو بیت از آن ساقی نامه برجای مانده، نمی توان مطمئن بود که اثر فخرالدین اسعد است. چون اگرچه ما آن را ندیده ایم ولی دلیلی ندارد که دیگر شاعران قرن پنج و شش هجری هم آن را ندیده باشند و در صورت مشاهده قطعا به آن اشاره ای می کردند ضمن آن که عموم این شاعران به فضل تقدم نظامی گنجوی در سرودن ساقی نامه اذعان کرده اند. البته رضایی نظرات محمد ترابی را نقد می کند و پاسخ می دهد. بحث احترام رضایی مفصل است و در نهایت به این نتیجه می رسد که اولین ساقی نامه وابسته، در مثنوی لیلی و مجنون نظامی و اولین ساقی نامه مستقل در مثنوی اسکندرنامه آمده است. بنابراین فضل تقدم در سرایش ساقی نامه با نظامی است...

کتاب تفصیلی بسیار بیشتر دارد و این صفحه مجال کمتر دارد. پس بهتر است خود کتاب را دید و خواند. به جرأت می توان گفت این کتاب ارزشمند، پس از تذکره پیمانه، دومین اثر پژوهشی مستقل (در قالب کتاب) درباره ساقی نامه های فارسی است. «ساقی نامه در شعر فارسی» نوشته احترام رضایی، در ۲۷۰ صفحه به شمارگان تنها ۵۰۰ نسخه و با بهای ۶۵ هزار ریال در سال جاری (۸۸) از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شده است.





نویسندگان نو قلم برای انتشار نخستین آثار خود با مشکلات زیادی دست به گریبان بوده و هستند. مشکلاتی که گاه آنها را از ادامه کار به کلی دلسرد می کند و عطای شهرت را به لقایش می بخشد! اما به تازگی با اقبال که برخی ناشران به انتشار آثار خوب این نویسندگان نشان داده اند، فضای نسبتاً امیدوارکننده ای به وجود آمده است. گفت و گوهایی زیر به مناسبت ۱۲ مرداد؛ «روز جوان» صورت گرفته و تلاش می کند گوشه هایی از مشکلات انتشار آثار نو قلمان را به تصویر بکشد.

# نو قلمم، کتاب اولم آرزوست!

فیروز زنوزی جلالی، عضو هیات مدیره انجمن قلم ایران

## کمبود ناشران منصف

شوق نو قلمان به داشتن اثر، منجر به انتشار آثار قوام نیافته شده است. فیروز زنوزی جلالی عضو هیات مدیره انجمن قلم ایران، طی دو سه سال اخیر جوایز زیادی در حوزه کتاب از آن خود کرده است. با او که در داستان نویسی سابقه تدریس نیز دارد، درباره مشکلات نو قلمان برای انتشار نخستین اثرشان گفت و گو کرده ایم. او معتقد است که پیدا کردن ناشران منصف، این روزها برای نو قلمان سخت است.



از طرف دیگر، برخی ناشران هم از ترس این که مشتری از دستشان ببرد، آثار نو قلمان را بدون کارشناسی منتشر می کنند. متأسفانه از این دست آثار زیاد منتشر می شوند. در جشنواره های ادبی که داور آنها بوده ام، بارها با این مساله مواجه شده ام که از میان ۴۰۰ یا ۵۰۰ اثر، بیش از پنج اثر درخور توجه به چشم نمی خورند.

**به نظر شما جایزه های ادبی چه اثری روی کار نو قلمان می گذارد؟**

حرکت معقولی که با اهدای جایزه گام اول به نویسندگان توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده، گام مثبتی در جهت رشد آثار نو قلمان است. نویسندگان شهرستانی که پیش از این گمان می کردند به خاطر دوری از مرکز، کسی کار آنها را نمی بیند، در این جایزه و نظایر آن تشویق می شوند.

از طرف دیگر، انجمن قلم نیز حرکتی برای انتشار آثار صد نو قلم آغاز کرده است که طی آن، کار آنها را کارشناسی می کند و پس از چاپ به آنها حق التالیف هم می دهد.

**چنین حرکت هایی چه کمکی به رشد داستان نویسی نو قلمان می کند؟**  
این حرکات صد درصد اثر گذارند. اثر منتشر شده این نویسندگان به شناسنامه کاری آنها بدل می شود و از سوی جامعه ادبی رسماً به عنوان نویسنده شناخته می شوند و اگر داوران جایزه های ادبی به کار آنها اعتنا کنند، به ادامه کار تشویق می شوند. هر نویسنده پیشکسوتی، روزگاری نو قلم بوده است و با تشویق و شناخته شدن، به نویسنده خوبی تبدیل شده است.

**به نظر شما نویسندگان نو قلم برای انتشار نخستین اثر خود با چه مشکلاتی روبه رویند؟**

اولین مشکل آنها پیدا کردن یک ناشر خوب و منصف است که کار آنها را به صورت کارشناسی بررسی کند و مشکلات آن را بگوید. از طرف دیگر، نویسندگان جوان شوق بسیاری برای انتشار نخستین اثر خود دارند. در چند سالی که داستان نویسی تدریس می کنم، این شوق را زیاد دیده ام که متأسفانه در مواردی، منجر به انتشار آثار قوام نیافته ای از این نویسندگان می شود که در کارنامه ادبی آنها نقطه مثبتی به حساب نخواهد آمد.

**منظورتان از ناشران منصف چیست؟**  
متأسفانه برخی ناشران به این نو قلمان که شوق انتشار نخستین اثر خود را دارند، به چشم کسانی نگاه می کنند که می توان از آنها پول گرفت و اثرشان را منتشر کرد! بارها دیده شده است که نویسندگان جوان اولین اثر خود را با هزینه شخصی منتشر کرده اند و به دلیل ضعف هایی که در پخش کتاب وجود دارد، ناشر تمام نسخه های کتاب را به خود آنها داده و در نهایت کتاب روی دستشان مانده است.

مریم حسینیان، عضو انجمن ادبیات داستانی خراسان

## اهمیت سرنوشت بعد از انتشار

مریم حسینیان، کارشناس ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد است و دو کتاب «حتی امروز هم دیر است» (۱۳۷۹) و «مار یا انگشت» (۱۳۸۳) را در کارنامه خود دارد. اما نخستین رمان خود را به تازگی به نشر افق سپرده است.

**به عنوان یک نویسنده نو قلم، مشکلات هم نسلان خود را در انتشار اولین آثارشان چگونه ارزیابی می کنید؟**

مشکل داستان نویسان ما فقط به پیدا کردن ناشر و به ثمر رسیدن داستان منحصّر نمی شود. تجربه نشان داده است که نویسندگان زیادی در این سال ها

با کتاب های اول و دوم خود درخشیده اند. پس گمان نمی کنم از نظر داشتن نو قلمانی که آثار قوی دارند، با مشکلی مواجه باشیم. اما آنچه که متأسفانه این روزها تبدیل به فرهنگ شده، این است که نو قلمان باید پیش از انتشار اولین اثر، خود را به عنوان نویسنده به ناشران و جامعه ادبی بشناسانند. نویسندگان ناچارند با وبلاگ نویسی و حضور در جامعه ادبی، صدای خود را به جامعه ادبی برسانند و ناشران را مطمئن کنند که حرفی برای گفتن دارند!

در این شرایط، بسیار انگشت شمارند نویسندگانی که تنها با ارسال اثر خود برای یک ناشر، توانسته باشند توجه او را جلب کنند. مساله مهم دیگر برای نویسندگان نو قلم این است که پیش از انتشار مجموعه ای مستقل از داستان های خود، اگر در جشنواره های ادبی برنده یا نامزد جایزه نشده باشند، کمتر می توانند جای پای محکمی پیدا کنند.

یوسف علیخانی، برنده جایزه جلال آل احمد

## عرق ریزان روح به بار می نشیند



یوسف علیخانی را بیشتر با مجموعه داستان های «قدم به خیر مادر بزرگ من بود» و «اژدها کشان» می شناسیم. وقتی از او سوال می کنم نویسندگان نو قلم چه مشکلاتی برای چاپ نخستین کتابشان دارند؟ این حرف را به کلی نقض می کند! گفت و گوی تلفنی ما را که در فاصله بین دو نیمه یک مسابقه والیبال ساحلی انجام شد! بخوانید.

**به نظر شما در حال حاضر نو قلمان برای انتشار اولین کتابشان چه مشکلاتی دارند؟**

چیزی که شما به آن مشکل می گوید در مقایسه با وضعیت نو قلمان هم نسل من اصلاً مشکل به حساب نمی آید! به این دلیل که چند ناشر جدی ادبیات، رقابتی را در انتشار آثار نویسندگان نو ظهور آغاز کرده اند. از طرف دیگر حضور اینترنت و وبلاگ های «خودسر دبیر» باعث شده که نو قلمان امکان به چشم آمدن را داشته باشند. در حالی که زمانی که من و هم نسلانم به داستان نویسی روی آورده بودیم، چنین امکاناتی وجود نداشت.

**منظورتان این است که در حال حاضر نو قلمان مشکل جدی ای برای انتشار آثارشان ندارند؟**

البته هستند نویسندگانی که بسیار هم خوب می نویسند اما دیده نمی شوند. اما توجه داشته باشید که این مشکل کمتر درباره مرکز نشینان وجود دارد. در سفرهایی که به ۱۰ شهرستان مختلف برای ملاقات با قصه نویسان داشته ام، آدم هایی را دیده ام که با وجود استعداد فراوان، هیچ حمایتی نمی شوند و اگر هم وبلاگی دارند، خوانندگان محدودی دارد و کمکی به دیده شدن کار آنها نمی کند.

**یعنی مرکز نشینان مشکلی در این زمینه ندارند؟**

بچه های تهران این خوش شانسی را دارند که ناشران جدی ادبیات، برای انتشار آثار خوب آنها رقابت می کنند. از طرف دیگر به خاطر نزدیک بودن به محافل ادبی پایتخت، این امکان را در اختیار دارند که به ناشران خوب معرفی شوند. اما یک نویسنده جوان شهرستانی آیا این امکان را دارد که با نویسندگان مشهور آشنا شود یا شاگردی آنها را بکند یا از دفتر این ناشر به دفتر آن ناشر برود و کار خود را معرفی کند؟ به خاطر این مسائل است که می گویم این مشکل، مشکل شهرستانی هاست.

**صرف این که چند ناشر آثار نو قلمان را منتشر می کنند، می توانیم بگوییم که مشکلی ندارند؟**

این مصداق هایی که من می گویم، کلی نیستند. ممکن است شاهکار نویسانی هم وجود داشته باشند که هیچ کس آنها را نشناسد و کارشان هم چاپ نشود. اما من در همین جا اعلام می کنم که اگر کسی گمان می کند کار خوبی دارد و اصول داستان نویسی در آن رعایت شده است، خود او را به یکی از هفت یا هشت ناشری که به طور جدی پیگیر انتشار آثار نو قلمان هستند، معرفی می کنم. به شرط این که معیارهای قصه بودن در آثار آنها رعایت شده باشد. مشکل برخی جوانان ما این است که پیش از این که عرق ریزان روح داشته باشند، با نوشتن یک مجموعه داستان فکر می کنند شاهکار خلق کرده اند! در حالی که تکنیک های داستان نویسی در ابتدا باید درونی شود و بعد در نوشتن به کار آید. مشکل دیگر نویسندگان جوان ما این است که ادبیات کهن و مدرن را به طور سیستماتیک نخوانده اند و آثار خود را بارها باز نویسی نکرده اند. می گویند همینگوی «پیر مرد» دریا را چهل بار باز نویسی کرده است. کدام یک از ما چنین جسارتی درباره کارهایمان داریم؟ وقتی خودمان به کار خود اهمیت نمی دهیم، چه انتظاری از ناشران داریم که راه را برای ما هموار کنند؟

**یعنی اگر خودشان برای معرفی آثار خود تلاش نکنند، جامعه ادبی و نشر کاری برای آنها نمی کند؟**

در وضعیت موجود آفتی که با آن دست به گریبانیم، این است که همه چیز به خود نویسنده برمی گردد، نه اثر او. اگر نویسنده ای پیش از انتشار کتابش، توانایی معرفی آن را به ناشران و جامعه ادبی داشته باشد، به نتیجه می رسد و گرنه قربانی می شود. از طرف دیگر همه می دانیم که اگر اثر تا شش ماه پس از انتشار در جامعه ادبی دیده نشود، قربانی شده است. شناخت نویسنده به واسطه اثر او ضروری است. اگر مطمئن باشیم که پس از انتشار یک اثر، مرحله معرفی کتاب به صورت یک سیکل فنی اتفاق می افتد، مسائل حاشیه ای روی کار



نویسندگان اثر کمتری می گذارد و می توانند به فکر نوشتن کارهای قوی تر باشند. اما متأسفانه در شرایط فعلی، رقابت های پیش از انتشار بر تلاش نویسندگان برای خلق آثار قوی تر می چربد و تبدیل به آفت می شود.

**خود شما در انتشار آثارتان چه مشکلاتی داشتید؟**

کتاب اول من در سال ۷۹ توسط یک ناشر خصوصی در تهران منتشر شد و چون پخش مناسبی نداشت، دیده نشد. دومین کتاب من هم در سال ۸۳ توسط جهاد دانشگاهی منتشر شد. پس از آن دریافتم که تولید گمنام، نامیدی می آورد. بنابراین به این نتیجه رسیدم که باید نگاهم را عوض کنم. در این سال ها روی تکنیک ها و شیوه داستان نویسی ام کار و سعی کردم گزیده کار باشم. در حال حاضر اولین رمان خود را به نشر افق داده ام که در مراحل اداری انتشار است. به هر حال فکر می کنم سرنوشت بعد از انتشار یک کتاب از تعداد تالیفات یک نویسنده مهم تر است.



سایر محمدی

«قرآنیات» عنوان کتابی نوشته علیرضا ذکاوتی قراگزلو است که اخیراً از سوی انتشارات سخن چاپ و منتشر شده. همزمان کتاب دیگری از این محقق و استاد دانشگاه توسط همین موسسه انتشاراتی با عنوان «قصه‌های عامیانه ایرانی» به بازار آمده که به نقد و بررسی داستان‌های عامیانه فارسی و قصه‌های سنتی ایرانی می‌پردازد. علیرضا ذکاوتی قراگزلو که متولد ۱۳۲۲ همدان است، مطالعات گسترده‌ای در رشته ادبیات فارسی و عربی دارد و در دانشگاه آزاد اسلامی همدان تدریس می‌کند. وی همچنین ۲۹ عنوان کتاب منتشر شده اعم از تالیف و ترجمه در کارنامه‌اش دارد. ذکاوتی در زمینه فرهنگ ایران بعد از اسلام تخصص دارد و نخستین کتاب خود را که سال ۱۳۵۲ نوشته بود و در سال ۵۹ تحت عنوان «تشیع و تصوف» از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر کرد. وی تاکنون دو بار جایزه کتاب سال را از آن خود کرده است؛ نخستین بار در سال ۶۳ با کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» و دومین بار سال ۸۵ با کتاب «نظام اسلامی مسلمانان در صدر اسلام». این محقق و پژوهشگر حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی اکنون کتاب «بازشناسی و نقد تصوف» را در دست تالیف دارد.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو:

# قصه‌های عامیانه هنوز تعریف جامعی ندارند

خب این موارد، همه مواد تاریخ اجتماعی است که از مطالعه یک قصه عامیانه می‌توان آنها را کشف کرد. داستان سمک همچنان که دکتر خانلری اشاره کرده است بر اساس یک اصل کهن -عصر ساسانی یا پیش از آن- ساخته و پرداخته شده و این تحریر که در دست ماست مربوط به قرن ششم هجری و پر است از مواد تاریخ اجتماعی و مردم‌شناسی و اطلاعات دقیق از رسوم و آداب و آنچه به فرهنگ معنوی و مادی مردم ایران مربوط می‌شود. من این مباحث را طی مقاله‌ای در این کتاب آورده‌ام.

استخراج این مواد تاریخی به خودی خود واجب هیچ ارزشی نیست، مگر این‌که مورخان از آن در تاریخ‌نگاری استفاده کنند و زوایای تاریک یک دوران را روشن کنند. درست است؟

من هم همین را می‌گویم، شما می‌رسید از این مواد تاریخ اجتماعی که از قصه‌های عامیانه استخراج شده، چقدر در تاریخ‌نگاری استفاده کرده‌اند؟ در جواب باید بگویم شما اگر به تاریخ اجتماعی ایران تالیف مرتضی راوندی مراجعه کنید، می‌بینید در تالیف آثارش از همین قصه‌های عامیانه تا اندازه‌ای استفاده کرده است. به اعتقاد من ابتدا باید در این زمینه کارهای کمی صورت بگیرد، تا یک کار کیفی روی آنها انجام شود. اگر «سبک‌شناسی» مرحوم بهار را در نظر بگیرید، اذعان دارید که چنین اثری در عرض یک شب نوشته نشده است، بلکه برای تالیف چنین اثری سال‌ها جست‌وجو در متون کهن و بحث‌های بسیار زیادی در زمینه تصحیح انتقادی آثار لازم است. کارهای فروزانفر، آثار قزوینی، آثار عباس‌اقبال، ادوارد براون و آثاری از این دست که تصحیح انتقادی شده‌اند... جمع این آثار به همراه کارهایی که خود بهار انجام داده است، حاصلش کتاب «سبک‌شناسی» شده است. این آثار به صورت فرد فرد تصحیح انتقادی و بررسی شده تا سرانجام کتابی مثل سبک‌شناسی شکل گرفته است.

مثلاً یک پژوهشگر روی «حسین کرد شبستری» مطالعه و تحقیق می‌کند تا ببیند چه مواد تاریخ اجتماعی از آن می‌تواند استخراج کند. دیگری می‌آید روی «ابومسلم نامه» مطالعه و تحقیق می‌کند، تا سرانجام سال‌ها بعد یک نفر محقق بیاید این مواد خام و متفرقه را ترکیب کند و پیروانند تا بلکه به کشف جدیدی برسند. ما اکنون در این زمینه به نوعی در آغاز راه قرار داریم.

آیا غیر از دکتر خانلری، محققان دیگری هم بودند که از دل قصه‌های عامیانه مواد تاریخ اجتماعی را استخراج کرده یا به بررسی سیر تحول زبان فارسی پرداخته باشند؟

دکتر جعفر شعار «قصه حمزه» را تصحیح و منتشر کرده است که هم به سیر تحول زبان و نثر فارسی پرداخته هم مواد تاریخ اجتماعی آن را در آورده است. یا محمدجعفر محجوب «امیراسلان» را تصحیح و چاپ کرده است. در آثاری که توسط صاحب نظران و اهل تحقیق چاپ شده‌اند ارزش‌های تاریخی و اجتماعی و ارزش‌های زبان‌شناختی آنها هم مشخص شده‌اند؛ مثلاً دکتر ذبیح‌الله صفا «داراب نامه» را چاپ کرده بودید دکتر اسماعیلی در همین ایام «ابومسلم نامه»



شما اشاره کردید که داستان‌های عامیانه را امروز می‌توان از سه جهت نگاه کرد. یکی از منظر سرگرمی، یکی از زاویه بررسی سیر تحول نثر فارسی و بعدی هم گردآوری مواد تاریخ اجتماعی. به نظر شما اغلب خوانندگان قصه‌های عامیانه جزو کدام دسته‌اند؟ محققان اهل نظر از هر سه جهت این آثار را مطالعه می‌کنند. شاید بیشتر به خاطر مواد تاریخ اجتماعی، زبان و نثر است که سراغ این آثار می‌روند. اما بخش زیادی از مخاطبان صرفاً برای سرگرمی این آثار را می‌خوانند تا از آن لذت ببرند.

به نظر شما چند نفر تاکنون با مطالعه قصه‌های عامیانه فارسی، به بررسی سیر تحول زبان و نثر فارسی پرداخته‌اند؟ آیا تاکنون چنین بررسی‌هایی صورت گرفته است؟

حتماً چنین بررسی‌هایی صورت گرفته است. آن دسته از آثاری که به صورت علمی و فنی تصحیح و چاپ شده‌اند، مانند «سمک عیار» که دکتر پرویز ناتل خانلری آن را تصحیح و منتشر کرده است و در ادامه ایشان کتابی نوشته‌اند تحت عنوان «شهر سمک» که در این اثر هم موارد تاریخ اجتماعی را از قصه سمک عیار استخراج کرده‌اند. به عنوان نمونه شکل و شیوه عروسی در آن روزگار چگونه بوده، مراسم مرگ و تولد، خوردن، پوشیدن، حمام کردن، ورزش و... همه این مسائل را از دل پنج جلد قصه سمک عیار بیرون کشیده است.

**قرآن پژوهی در این سال‌ها اصلاً با سال‌های قبل از انقلاب قابل قیاس نیست؛ البته قبل از انقلاب هم متون تفسیری بسیار مهمی مخصوصاً در حوزه زبان فارسی چاپ شده‌اند**

قرآن پژوهان و علاقه‌مندان، مراجعه به تفسیرهای مختلف را آسان می‌کند و هم مطالعه این تفسیرها و مقایسه آنها را آسان می‌کند.

تنها در یک ماه گذشته در حوزه قرآن پژوهی آثاری مانند «زیبایی‌شناسی واژگان قرآن»، «قرآنیات» و «هیر و گلیف در قرآن» یا تفسیری نوین از حروف مقطعه، چاپ و منتشر شده است. ماه گذشته هم «کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم» و «سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن» به بازار آمد. جالب این‌که همه این آثار توسط یک ناشر چاپ شده‌اند.

همین که این آثار در حوزه علوم قرآنی نوشته و منتشر می‌شوند، نشان از رشد و گسترش مطالعات در حوزه قرآن پژوهی دارد. فقط کتاب‌شناسی و کتاب‌های مربوط به قرآن و مقالات این بخش، به تنهایی یک کتاب کلامی است.

اگر موافق باشید بپردازیم به کتاب «قصه‌های عامیانه ایرانی» که به تازگی منتشر کرده‌اید. مطالب و نقد و بررسی‌هایی که در زمینه قصه‌های عامیانه ایرانی در این کتاب گرد آورده‌اید مربوط به چه دوره‌ای از فعالیت‌های قلمی شماست؟

اگر یک تورق اجمالی در این کتاب داشته باشید، متوجه می‌شوید که مطالب این کتاب هم در طول بیست و پنج -شش سال اخیر نوشته شده و در نشریات مختلف چاپ شده‌اند، از کیهان فرهنگی گرفته تا نشریه نشر دانش. البته برخی از مطالب و مقالات هم تازه است و در هیچ نشریه‌ای به چاپ نرسیده است. من روی قصه‌های عامیانه فارسی در گذشته زیاد کار کرده‌ام. «اسکندرنامه» را تصحیح و منتشر کردم. «فوائد السلوک» را تصحیح و منتشر کردم که این هم یک اثر ادبی است، ولی قصه‌هایش، قصه‌های عامیانه است، البته من این اثر را تحت عنوان «آیینه رهروی» بازنویسی کردم. «قصه‌های میرزا بر خوردار فرایی» را توسط مرکز نشر دانشگاهی چاپ و منتشر کردم. علاوه بر قصه‌های عامیانه روی تعبیرات، ضرب‌المثل‌ها و واژه‌های قصه‌های عامیانه هم کار کردم. سه - چهار مقاله هم در این زمینه در کتاب آمده است.

این روزها مشغول کار روی چه کتابی هستید؟ یا چه کتابی در دست چاپ دارید؟

کتابی به نام «بازشناسی و نقد تصوف» را در دست تالیف دارم که بسیار مفصل است و مطالب آن هم در نوع خودش تازه به شمار می‌آید.

مطالب این اثر مربوط به چه مواردی می‌شود؟

مربوط به نقد تصوف است. تاکنون هر چه نقد راجع به تصوف نوشته و منتشر شده، از دیدگاه مذهبی بوده است، اما نقدی که راجع به آن بحث می‌کنم از دیدگاه خود صوفیان است؛ یعنی نقد صوفیان بر صوفیه که در واقع نقد درونی تصوف است.

کدام صوفیان و از کدام منظر صوفیه را نقد می‌کنند؟

تقریباً اغلب صوفیان بزرگ در عین صوفی بودن منتقد صوفیه‌اند. ان‌شاءالله این کتاب چاپ و منتشر می‌شود و می‌بینید که صوفیان چگونه و از چه زاویه‌ای به نقد صوفیه پرداخته‌اند. البته کسانی که به نقد تصوف برخاسته‌اند، بسیار زیادند. اما نقدی که صوفیان بر تصوف دارند، از جنس دیگری است. مثلاً بسیاری از علمای شیعه نقدهای جانانه‌ای به تصوف نوشته‌اند. البته من در این کتاب به این موارد هم اشاره کرده‌ام و نظریات آنها را آورده‌ام، ولی نقد تصوف از دید خود صوفیه، مسئله بسیار تازه‌ای است.

اخیراً کتابی به قلم شما تحت عنوان «قرآنیات» منتشر شده که نشان‌دهنده فعالیت شما در حوزه قرآن پژوهی است.

از اوایل نوجوانی‌ام با قرآن، حوزه و علوم قرآنی سروکار داشتم و علاقه‌مند به فعالیت در این زمینه بودم البته قبلاً هم کتابی به نام «شان نزول آیات قرآنی» منتشر کردم که از آن تاریخ تا امروز حدود پنج - شش سال می‌گذرد. این کتاب در واقع ترجمه «اسباب النزول» واحدی است که من حدود ۲۵ سال پیش آن را ترجمه کرده بودم. در سال ۶۱ من «اسباب النزول» را ترجمه کردم، اما سال ۸۱ توسط نشر نی چاپ و منتشر شد.

«قرآنیات» هم مشتمل بر مقالاتی است که طی این ۲۵ سال در نشریات مختلف چاپ شده است. نشریاتی مانند بینات، نشر دانش، کتاب ماه دین و آیین پژوهش قبلاً این مقالات را چاپ کرده بودند.

در این سال‌ها در حوزه قرآن پژوهی آثار بسیار خوب و قابل تاملی منتشر شده و می‌شود. این مساله چه نکات مثبتی را پیش روی ما می‌گذارد؟

دقیقاً همین‌طور است. اصلاً با سال‌های قبل از انقلاب قابل قیاس نیست؛ البته قبل از انقلاب هم متون تفسیری بسیار مهمی مخصوصاً در حوزه زبان فارسی چاپ شده است. سلسله‌ای از ترجمه‌های کهن قرآن و تفسیرهای معتبری مانند تفسیر قرآن فارس، تفسیر ابویکر عتیق نیشابوری و تفسیر طبری چاپ شده بود، ولی بعد از انقلاب تحقیق در زمینه علوم قرآنی و همین‌طور انتشار تفسیر رونق بسیاری پیدا کرد. اگر بخواهم نمونه‌ای ذکر کنم باید از «جامع التفسیر نور» نام ببرم که کتابی مهم محسوب می‌شود.

«جامع التفسیر نور» در قالب یک CD حدود ۱۴۰۰ دوره تفسیر قرآن را در خودش جای داده است. کار کوچکی نیست ۱۴۰۰ دوره تفسیر در قالب یک سی‌دی. وقتی در اختیار جامعه قرار می‌گیرد هم برای

و «حاتم‌نامه» را تصحیح و منتشر کرده است. این استادان هنگام چاپ این آثار تا اندازه‌ای به مواد تاریخ اجتماعی این آثار هم اشاره کرده‌اند.

**تاکنون چه حجمی از قصه‌های عامیانه فارسی تصحیح و چاپ شده است و چه حجمی از این آثار به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ایران و جهان خاک می‌خورد؟**

در این رشته هنوز آثاری که به صورت فنی یعنی تحقیقی - انتقادی چاپ شده باشد، بسیار محدود است؛ یعنی حجم زیادی از قصه‌های عامیانه هنوز چاپ انتقادی و علمی نشده است ولی همین مقدار هم که تصحیح انتقادی شده و به بازار آمده جزو آثار درخور است.

**به نظر شما قصه‌های سنتی ایرانی با داستان‌های عامیانه فارسی چه تفاوت‌هایی دارند و مولفه‌های این تفاوت چیست؟**

قصه عامیانه تعریف مشخص و معینی ندارد. شما تمام کتاب‌های تئوریک ادبی را که نگاه کنید، یک تعریف معین نتوانسته‌اند از قصه عامیانه به دست دهند. به این معنا که تعریف ریاضی‌گونه باشد به طوری که جامع افراد باشد و مانع اغیار.

فرض کنید کلبه و دمنه، ساختار قصه‌اش عامیانه است، اما اثرش ادبی است. یا مثلاً شاهنامه، قصه‌هایش قصه‌های عامیانه است. منظوم بخش افسانه‌ای شاهنامه است، یعنی تا ابتدای دوران ساسانیان. ولی زبان شاهنامه زبانی ادبی است. در مجموع نمی‌توان خیلی فرق فارغ میان این دو مورد قائل شد. قصه‌های سنتی به اعتباری در مقابل قصه‌های مدرن قرار می‌گیرد. قصه‌های عامیانه اما به اعتباری در مقابل قصه‌های ادبی قرار می‌گیرد. در همین کتابی که تحت عنوان «قصه‌های عامیانه ایرانی» منتشر کردم، مثلاً «فوائد السلوک» دارای نثری ادبی، بلکه حتی نثر فنی است، ولی قصه‌هایش، قصه‌های عامیانه است.

**تحقیقات در زمینه قصه‌های عامیانه از چه زمانی آغاز شده است؟**

بررسی و تحقیق در زمینه ادبیات عامیانه در ایران در دوران جدید از صادق هدایت شروع می‌شود. به دنبال او مرحوم محمدجعفر محجوب در این زمینه خیلی کار کرده است. دو - سه سال قبل هم مجموعه از مقالاتش درباره قصه‌های عامیانه در کتابی تحت عنوان «ادبیات عامیانه ایران» توسط نشر چشمه منتشر شد. این مقالات در آن دوران در مجلاتی مانند سخن، راهنمای کتاب و... چاپ می‌شد. ما در دوران نوجوانی این مقالات را در همان نشریات می‌خواندیم. محجوب در این زمینه پیشکسوت است. خیلی هم کار کرد. آن زمان درباره زبان عامیانه هم مرحوم دهخدا اندکی کار کرده بود.

**شما به دو مورد داستان شبه عامیانه اشاره کرده‌اید که به قلم دو مورخ نوشته شده‌اند. این آثار کدامند؟ و کدام مورخان آنها را نوشته‌اند؟**

محمد هاشم آصف ملقب به رستم الحکما نویسنده

توانا و مورخ باریک‌بین یادداشت‌های پدرش - امیرحسن خوش حکایت - و مشاهدات خودش را از وقایع یک قرن ایران، از اواسط شاه سلطان حسین تا اوایل فتحعلی شاه، با شجاعت بی نظیری در «رستم‌التواریخ» آورده که ضمن جذابیت و گیرایی، سرشار از اطلاعات دست اول اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در هیچ کتاب دیگری نمی‌توان یافت و به نحوی فلسفه تاریخ دوره انتقال ایران را در آستانه عصر جدید بیان می‌کند و گوشه چشمی هم به ممالک اطراف ایران دارد و با مقدمات تجاوز و استعمار غرب هم آشناست.

رستم الحکماء یا پدرش امیرحسن خوش حکایت، قصه‌ای خیالی هم به روال اسکندرنامه و رموز حمزه ساخته و پرداخته که در آغاز رستم‌التواریخ آورده است که می‌توان آن را به معنای واقعی هجویه داستان‌های نقلی قدیم انگاشت. مایه واقعی این نقل شگفت‌انگیز ظهور ماجراجویان و فرصت‌طلبانی است از مردم عادی که طی صد سال مذکور در این منطقه وسیع برای کسب قدرت دست‌وپایی می‌زدند و بعضاً با نیروهای استعماری نیز ارتباط پیدا کرده‌اند. در هر حال در پایان کار بازیگران، صحنه را برای متجاوزان حيله‌گر خارجی باز کردند. در هند به کلی تسلیم کمپانی هند شرقی شدند و در ایران مناطق وسیعی را تسلیم روس و انگلیس کردند. داستان شبه عامیانه دیگر زادخان عیار است که در عالم آرای نادری آمده است.

عالم آرای نادری یک کتاب تاریخ است ولی یک قصه عامیانه را در آن گنجانده‌اند. این داستان‌ها را من شبه عامیانه ارزیابی کرده‌ام؛ چون قصه عامیانه نویسنده‌اش قاعدتاً نباید مشخص باشد. اما این دو قصه هر دو نویسنده‌اش معلوم است و دو تن از مورخان آنها را نوشته‌اند.

**چرا اغلب قصه‌های عامیانه فارسی ما مربوط به دوره صفویه یا قاجاریه‌اند؟**

علتش این است که از دوره صفویه به بعد زندگی شهری و طبقات اجتماعی شهری وارد تاریخ می‌شود. شما پیش از صفویه می‌بینید، یک دسته ایلیاتی بر یک گروه شهرنشین غلبه می‌کنند و بر آنها حکمرانی می‌کنند و حکومت تشکیل می‌دهند. تمام سلسله‌های پادشاهی ما این‌طور بودند. ولی از دوره صفویه به بعد طبقات اجتماعی و اقشار شهرنشین نقش خودشان را پیدا می‌کنند، هم در تشکیل حکومت و هم در پیدایش ادبیات.

**ما چقدر از دوره صفویه به بعد کتاب‌های مذهبی به زبان فارسی داریم؟ چقدر بناهای مذهبی داریم؟ این خیلی مهم است.**

چرا مرحوم مجلسی این همه کتاب به زبان فارسی نوشته است؟ به خاطر این که طبقات عامه و طبقات متوسط شهری علاقه به شنیدن قصه پیدا کرده بودند، علاقه به مطالعه و سواد پیدا کرده بودند. به شنیدن مسائل دینی تمایل زیادی پیدا کردند. علاقه به شنیدن

شعر پیدا کردند. شعرا در این دوران به قهوه‌خانه‌ها می‌رفتند تا اشعارشان را برای همان اقشار متوسط جامعه بخوانند. به اروپا هم که نگاه کنید، شعر و داستان از چه زمانی رونق می‌گیرد؟ از زمانی که شهرنشینی پیدا می‌شود و شهرها رونق می‌یابند. مناسبات زندگی شهری سبب به وجود آمدن نوعی از ادبیات می‌شود. روابط و مناسبات زندگی شهری غیر از مناسبات زندگی در دوره فئودالیت است. در ایران هم از دوران صفویه به بعد اقشار اجتماع و اصناف نقش واقعی خودشان را در مناسبات زندگی تازه پیدا کردند که به تغییر فرهنگ منجر شد. در نتیجه ادبیات تازه که همان شعر و قصه باشد وارد زندگی مردم شد و در نهایت فرهنگ این گروه از مردم با قصه درآمیخت. تا همین اواخر مردم جامعه ما به قهوه‌خانه‌ها می‌رفتند تا قصه گوش کنند. مرشدها قهوه‌خانه‌ها را با نقلی رونق داده بودند. من خودم در آن دوران شاهد قصه‌گویی و نقلی، فراوان در قهوه‌خانه‌ها بودم.

**آیا قصه‌های عامیانه دوره صفویه در مقایسه با قصه‌های عامیانه دوره قاجاریه به لحاظ سبک‌شناسی قابل تفکیک‌اند؟**

اگر این دو دسته از قصه‌های عامیانه را به دقت مورد توجه قرار دهیم، قطعاً به لحاظ سبک‌شناسی از هم متمایزند. اصلاً زبان قصه‌های صفوی با زبان قصه‌های قاجاری با هم فرق دارند. جالب این است که تحریر اول «اسکندرنامه عامیانه» - منظوم تحریر قدیم نیست که آقای افشار چاپ کردند - تغییراتی کرده است. داستان اسکندرنامه هر بار که رونویسی شده، در هر دوره‌ای که نسخه برداری شده، از دوره زندگی، تا دوره قاجاریه و این اواخر هر بار تغییراتی در متن اعمال شده است. در دوره ناصری که نسخه‌های خطی تبدیل به چاپ سنگی شده‌اند، کلمه تلگراف وارد متن شده است. کلمات قند و چای در آن هست. این اصطلاحات که وارد متن شده، این تحول و تمایز را نشان می‌دهد. یعنی اگر یک زبان‌شناس متن قدیم اسکندرنامه را با متن دوره‌های بعد مقابله و مقایسه کند، به لحاظ زبان‌شناسی با هم تفاوت‌هایی دارند.

متن جدیدتر نشان می‌دهد که بر حسب ضرورت زندگی لغات جدیدی پیدا شده که به متن قصه هم راه یافته است. مثلاً کلمات فرنگی هم وارد متن جدیدتر شده است، کلماتی مانند کاپیتان و چه و چه، در همین متن دوره قاجاریه کلمه ینگه دنیا را هم می‌بینید.

**شما در این کتاب به مبحثی اشاره کردید که سرگذشت‌نامه‌های صوفیان را به قصه‌های عامیانه ربط می‌دهد. در این زمینه می‌توانید بیشتر توضیح بدهید؟**

این بحث بسیار تازه‌ای است. انعکاس زندگی صوفیان در قصه‌های عامیانه یا انعکاس قصه‌های عامیانه در زندگی‌نامه‌های صوفیان، هر دو مورد را داریم و هر دو مورد هم قابل بررسی است. می‌دانید که کتاب‌های صوفیان پر از کرامات است. ولی بعضی‌هایش جنبه قصه عامیانه دارد. آنهایی که من در

کتابم ذکر کردم یک قصه عامیانه است که قهرمانش مثلاً مرید حسن بصری است یا شیخ فریدالدین عطار است. مثلاً قصه حافظ که روایت می‌کنند رفته در چاه مرتضی علی و در آنجا خواب نما شد و شعر گفت در بین عامه این گونه مطرح می‌شد که حافظ خمیرگیر بود و... این یک قصه عامیانه است که برای زندگی شاعر عارفی مثل شاگرد حافظ ساخته‌اند یا قصه‌هایی که مربوط به شمس تبریزی می‌شود. غیر از آن قصه‌هایی که صورت تاریخی دارد و از منابع موثق نقل شده است و قصه‌های دیگری هم برای شمس تبریزی درست کرده‌اند که قصه عامیانه است. البته تمام قصه‌های زندگی صوفیه، قصه عامیانه نیست. در تمام قصه‌های عامیانه صوفیه نقش ندارند. در برخی قصه‌های عامیانه صوفیه‌های شناخته شده نقش دارند. البته من در کتاب خودم نمونه‌های بسیار خوبی از این مباحث به دست داده‌ام که حدود چهل صفحه است. **در گذشته ادبیات عامیانه و ادبیات کلاسیک ما توسط مستشرقان گردآوری و حفظ شده و به ما معرفی شده است. ژوکوفسکی حدود صد سال پیش ترانه‌های عامیانه فارسی را گردآوری کرده بود و مثلاً نیکلسون مثنوی معنوی را از کتابخانه‌های ترکیه به ایران آورد. چرا؟**

تحقیقاتی که امروز روی قصه‌های عامیانه صورت می‌گیرد، بر اساس تئوری‌های جدید نقد ادبی است، بر اساس سبک جدید و علمی است. یعنی اگر به صد سال پیش از این برگردیم فرض کنید باطی الارض به صد سال پیش منتقل بشویم. مثلاً وارد دوران مشروطه بشویم، ما وقتی در آن مقطع قصه اسکندرنامه را می‌خوانیم، با دید و نگرش امروز قطعاً نمی‌خوانیم. بر اساس نظریه نقد ادبی که امروز رایج است با آن متن روبه‌رو نمی‌شویم. من که امروز این همه مقاله و نقد و بررسی‌های تحلیلی پیرامون قصه‌های عامیانه نوشته‌ام، کلی رمان اروپایی خواندم، کلی مسائل تاریخی اجتماعی ایران و اروپارامی دانم، کلی مطالعات غیر قصه‌ای دارم. من با این دید این قصه‌های عامیانه را نقد و بررسی کردم. آن موقع اگر کسی قصه‌های عامیانه را می‌خواند با این دید که امروز ما داریم به قصه‌ها نگاه نمی‌کرد یا فکر می‌کرد این قصه‌ها راست است، پس به دید تاریخ به این قصه‌ها نگاه می‌کرد یا فکر می‌کرد دروغ است به همین دلیل به عنوان یک سرگرمی به آن نگاه می‌کرد. این که ما امروز قصه‌های عامیانه را با دید گردآوری مواد تاریخ اجتماعی نگاه می‌کنیم، یک دید غربی است. یک دید پس از رنسانس است که بر اساس تئوری‌های جدید نقد ادبی پیدا شده است. اما دیدها از پنجاه سال پیش به این سو، به یک دید پس از رنسانس تغییر پیدا کرد. رنسانس حدود پانصد سال پیش در غرب اتفاق افتاده است ولی برای ما از ۱۵۰ سال پیش به این سو معنا پیدا کرد و در فرهنگ و ادبیات ما تاثیر گذاشت. پس این دید، یک دید مدرن است و طبیعی است که در گذشته صاحب‌نظران ما با این دید به ادبیات عامیانه فارسی نگاه نمی‌کردند.

به اعتقاد من چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است. تا زمانی که خودمان نویسندگان خوبی داریم، چرا باید فقط آثار ترجمه را چاپ کنیم؟ البته این حرف به این معنی نیست که مجموعه داستان‌های ایرانی از نویسندگان جدید فروش خوبی دارد، اما در درازمدت به رشد ادبیات کشورمان می‌انجامد.

**بازار مجموعه داستان‌های نویسندگان نو قلم چه مشکلاتی دارد؟** بخشی هابه‌راحتی این کتاب‌ها رانمی‌برند. از طرف دیگر کتابفروشان هم به این دلیل که این کتاب‌ها عطف قطوری ندارد و در قفسه‌ها به چشم نمی‌آید، از پذیرفتن آنها خودداری می‌کنند. البته مجموعه داستان‌ها، مخاطب جدی هم کم دارد و بیشتر مخاطبان به خواندن رمان علاقه‌مندند. این مساله نیازمند توجه است و تنها زمانی می‌توان به رشد تعداد مخاطبان داستان کوتاه امیدوار شد که این داستان‌ها به کتاب‌های درسی راه پیدا کنند و به آرامی درباره آنها فرهنگ‌سازی صورت گیرد.

**فکر می‌کنید علاقه‌مندی برخی ناشران به انتشار آثار نو قلم در درازمدت چه اثراتی بر تغییر جو موجود دارد؟** صدرصد جو را تغییر می‌دهد. این مساله به نفع داستان کوتاه، نویسندگان و مخاطبان است و به شناخته شدن نو قلم‌دان در ایران و جهان کمک می‌کند. وقتی داستان‌نویسان جوان تشویق شوند و ببینند که از موضع بالا با آنها برخورد نشده، حتماً اتفاقات خوشایندی خواهد افتاد که به نفع جامعه ادبی است.



زرد و تکراری تمایل دارند، کمتر شده است. ناشران حرفه‌ای هم فکر می‌کنند وقتی در کشور خود تعداد زیادی نویسنده جوان و با استعداد داریم، چرا باید به انتشار آثار ترجمه روی بیاورند. عامل دیگر این است که نسل جوان ما به گواه جوایز ادبی، خوب کار کرده‌اند و آثار خوبی ارائه داده‌اند. آثار این نویسندگان در جامعه ادبی دیده شده و ماندگار شده‌اند و بنابراین اعتماد ناشران را جلب کرده‌اند. از سوی دیگر، ناشران ما کم‌کم دارند به این نتیجه می‌رسند که باید قانون کپی‌رایت را بپذیرند. بنابراین ناشران مطرح ادبی فکر می‌کنند اگر این اتفاق بیفتد، به نویسندگان خوبی نیاز خواهند داشت تا بتوانند رایت‌کنشان را با ناشران خارجی مبادله کنند.

ادامه از صفحه ۹

**اعظم کیان افراز، مدیر مسوول نشر افراز:**

## نویسندگان مشهور هم روزی نو قلم بوده‌اند

نشر افراز یکی از ناشرانی است که به انتشار آثار نو قلم‌ان اقبال نشان داده است. با اعظم کیان افراز مدیر این انتشارات درباره وضعیت انتشار آثار نو قلم‌ان حرف زده‌ایم.

**به عنوان ناشری که به چاپ آثار نویسندگان نو قلم مبادرت می‌کند، فکر می‌کنید نو قلم‌ان در انتشار آثار خود با چه مشکلاتی روبه‌رویند؟** به هر حال معضل اصلی نویسندگان نو قلم این است که در جامعه ادبی شناخته شده نیستند. طبیعی است که ناشران هم ترجیح می‌دهند آثار نویسندگان شناخته شده‌تر را منتشر کنند. البته بعضی ناشران، مانند نشر افراز، به سرمایه‌گذاری روی انتشار آثار نویسندگان جدید و ادامه دادن راه با آنها تمایل دارند. چون فکر می‌کنند جوان‌ترها حرف‌های تازه‌ای برای گفتن دارند و به هر حال نویسندگان مشهور امروز نیز، روزی نو قلم بوده‌اند. از طرف دیگر، نویسندگان نو قلم در نوشتن هم معضلات و ضعف‌هایی دارند و باید بیشتر تجربه کنند. **چرا میان برخی ناشران جدی ادبیات، نوعی رقابت برای انتشار آثار**

بررسی سازوکارهای ارائه آثار دینی در حوزه کودک و نوجوان

# باید‌هایی شیرین و نباید‌هایی دلپذیر



پس باید به گفته کارشناسان و پژوهشگران دینی و کسانی که سره را از ناسره جدا می‌کنند، اعتماد کنند و در نوشته‌های خود، روایات درست را به کار ببرند.» نویسنده کتاب «در مدرسه حکیم ناصر خسرو» در پاسخ به این پرسش که بهتر نیست به جای پرداختن به زندگی امام زمان (عج) از منجی گفته شود که در همه ادیان به آن اشاره شده است می‌گوید: «اگرچه در همه ادیان به نجات دهنده‌ای که جهان را از بی‌عدالتی و ستم می‌رهاند، اشاره شده است و نویسندگان با هر دین و مذهبی می‌توانند از این منجی سخن بگویند اما ما مسلمان و شیعه ایم و جدای از پرداختن به این مشترکات می‌توانیم از امامی سخن بگوییم که نامش مهدی (عج) است و آمدنش وعده داده شده است.»

## در جست‌وجوی معنا

تصویرگران به گونه‌ای متفاوت به روایت یک واقعه تاریخی می‌پردازند یا از یک شخصیت برجسته دینی سخن می‌گویند؛ روایتی که به کلمه محدود نمی‌شود و از فرم و رنگ بهره می‌برد، اما چگونه می‌توان به تصویر کردن معنایی پرداخت که ما به ازای عینی ندارد؟

فاطمه رادپور، تصویرگر کودک و نوجوان، تصویرگری کتاب‌های دینی را متفاوت با دیگر کتاب‌ها می‌داند و می‌گوید: «برای تصویر کردن مفاهیم مذهبی باید نمادهایی را انتخاب کنیم که معنویت را نشان می‌دهند و معنویت ما به ازای عینی ندارد. از این رو در تصویر کردن آن، هم باید کودکان را به خوبی بشناسیم و هم به باورهای مخاطب خود آسیب نرسانیم.»

او شناخت مخاطب را یکی از راه‌های تصویر کردن مفاهیم معنوی می‌داند و معتقد است: «تصویرگران باید بدانند برای چه گروه سنی‌ای تصویرگری می‌کنند و آن رده سنی از چه شعور و چه سطح دانش تصویری برخوردار است و آیا می‌تواند مفاهیم هر تصویر را دریابد!»

رادپور، هدف از تصویر کردن پیامبر (ص) یا امامان (ع) را نشان دادن خصوصیات معنوی ایشان به مخاطب می‌داند و می‌گوید: «هدف از تصویر کردن این بزرگواران این نیست که چهره آنان چگونه بوده یا در چه خانه‌ای زندگی می‌کرده‌اند، بلکه هدف نشان دادن ویژگی‌های معنوی این بزرگواران است، اگرچه تصویرگری که به دنبال نشان دادن دوره‌های مختلف تاریخی است باید آن روزگاران را بشناسد و به مستندات تاریخی پایبند باشد.»

تصویرگر کتاب «در کلاس بهار» می‌گوید: «اگرچه حد و حدودی برای کارهای مذهبی تعیین نشده اما نمی‌توان چهره پیامبر (ص) و امامان را آنگونه که دلخواه هر تصویرگر است، ترسیم کرد. این کار موجب محدود کردن ذهن مخاطب می‌شود، چرا که وقتی برای بچه‌ها از شخصیت‌های دینی سخن می‌گوییم، خواه ناخواه ذهن آنها با یک انسان مقدس ارتباط می‌گیرد و تصویری از این شخص بزرگوار در خاطرشان نقش می‌بندد. به همین دلیل بهتر است تصویرگران از تصویر کردن چهره بزرگان دین دوری کنند و به تخیل کودکان مجال پرواز بدهند.»

رادپور، دوری از انتزاع را یکی از ویژگی‌های تصویرگری دینی می‌داند و معتقد است: «تصویرگران در تصویر کردن شخصیت‌های دینی، به جای رفتن به سوی انتزاع به سادگی محض می‌رسند و به داستان اهمیت بیشتری می‌دهند زیرا در تصویر کردن این بزرگواران باید به مستندات تاریخی کاملاً وفادار بود.»

جعفر ابراهیمی (شاهد)، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان با اشاره به ضرورت پرداختن به دین و شخصیت‌های دینی می‌گوید: «بچه‌ها باید با تعالیم دینی آشنا باشند و به درک درستی از جهان هستی دست پیدا کنند. همچنین باید شخصیت‌های بزرگ مذهبی را بشناسند تا با عالی‌ترین نمونه‌های یک انسان کامل آشنا شوند. به همین دلیل بهتر است نویسندگان در قالب داستان‌های زیبا و جذاب به معرفی این بزرگان به عنوان بهترین الگوهای دینی بپردازند.»

نویسنده کتاب «آن مرد بازی می‌کند» اغراق را آفت داستان‌های دینی می‌داند و معتقد است: «وقتی پیامبر، وحی را تنها عامل تفاوت خود با دیگران می‌داند چرا نویسندگان باید در به تصویر کشیدن چهره و شخصیت بزرگان دین، آنقدر اغراق کنند و این بزرگواران را انسان‌هایی فراقلمی تصویر کنند، در صورتی که با پرهیز از زیاده‌روی می‌توانند چهره حقیقی پیامبر و امامان (ع) را تصویر و به خواننده معرفی کنند و از این طریق، الگویی از یک انسان کامل ترسیم شده، فراروی او قرار دهند.» ابراهیمی بر این باور است: «کسانی که برای کودکان از شخصیت‌های دینی می‌نویسند، باید علاوه بر شناخت شخصیت‌ها، ذهن و زبان کودکان و نیاز و خواسته آنها را هم بشناسند و هماهنگ با دنیای کودکان و دلخواه آنان بنویسند، اگرچه آنچه ادبیات کودک نامیده می‌شود، مجموعه کتاب‌های غیر درسی‌اند و کتاب‌هایی که در قالب داستانی نوشته شده را نیز دربرمی‌گیرد.»

او در پاسخ به این پرسش که بهتر نیست نویسندگان به حواشی یک اتفاق بپردازند یا به جای توجه به شخصیت اصلی و محوری، به شرح و تفسیر درباره شخصیت‌های فرعی روی آورند، می‌گوید: «اگر کتاب «ظهر روز دهم» از قیصر امین پور یا «روز واقعه»

دینی می‌نویسند، باید علاوه بر شناخت شخصیت‌ها، ذهن و زبان کودکان و نیاز و خواسته آنها را هم بشناسند و هماهنگ با دنیای کودکان و دلخواه آنان بنویسند، اگرچه آنچه ادبیات کودک نامیده می‌شود، مجموعه کتاب‌های غیر درسی‌اند و کتاب‌هایی که در قالب داستانی نوشته شده را نیز دربرمی‌گیرد.»

او در پاسخ به این پرسش که بهتر نیست نویسندگان به حواشی یک اتفاق بپردازند یا به جای توجه به شخصیت اصلی و محوری، به شرح و تفسیر درباره شخصیت‌های فرعی روی آورند، می‌گوید: «اگر کتاب «ظهر روز دهم» از قیصر امین پور یا «روز واقعه» قرار دهد.»

او می‌افزاید: «مشکل دیگری هم که وجود دارد، این است که بسیار شنیده‌ایم وقتی امام زمان (عج) ظهور کند، جوی خون به راه می‌افتد و چه و چه و چه ... در حالی که ایشان مظهر مهر و دوستی‌اند نه خشم و نفرت. حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند تا جهانی را که سرشار از بدی و ناراستی است از ورطه زوال رهایی بخشد اما برخی نویسندگان از آنجا که شناخت درستی از دین و شخصیت‌های دینی ندارند و حدیث جعلی را از غیر جعلی تشخیص نمی‌دهند آنچه می‌شنوند را باور می‌کنند و درباره آن می‌نویسند.

جعفر ابراهیمی (شاهد)، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان با اشاره به ضرورت پرداختن به دین و شخصیت‌های دینی می‌گوید: «بچه‌ها باید با تعالیم دینی آشنا باشند و به درک درستی از جهان هستی دست پیدا کنند. همچنین باید شخصیت‌های بزرگ مذهبی را بشناسند تا با عالی‌ترین نمونه‌های یک انسان کامل آشنا شوند. به همین دلیل بهتر است نویسندگان در قالب داستان‌های زیبا و جذاب به معرفی این بزرگان به عنوان بهترین الگوهای دینی بپردازند.»

نویسنده کتاب «آن مرد بازی می‌کند» اغراق را آفت داستان‌های دینی می‌داند و معتقد است: «وقتی پیامبر، وحی را تنها عامل تفاوت خود با دیگران می‌داند چرا نویسندگان باید در به تصویر کشیدن چهره و شخصیت بزرگان دین، آنقدر اغراق کنند و این بزرگواران را انسان‌هایی فراقلمی تصویر کنند، در صورتی که با پرهیز از زیاده‌روی می‌توانند چهره حقیقی پیامبر و امامان (ع) را تصویر و به خواننده معرفی کنند و از این طریق، الگویی از یک انسان کامل ترسیم شده، فراروی او قرار دهند.» ابراهیمی بر این باور است: «کسانی که برای کودکان از شخصیت‌های دینی می‌نویسند، باید علاوه بر شناخت شخصیت‌ها، ذهن و زبان کودکان و نیاز و خواسته آنها را هم بشناسند و هماهنگ با دنیای کودکان و دلخواه آنان بنویسند، اگرچه آنچه ادبیات کودک نامیده می‌شود، مجموعه کتاب‌های غیر درسی‌اند و کتاب‌هایی که در قالب داستانی نوشته شده را نیز دربرمی‌گیرد.»

او در پاسخ به این پرسش که بهتر نیست نویسندگان به حواشی یک اتفاق بپردازند یا به جای توجه به شخصیت اصلی و محوری، به شرح و تفسیر درباره شخصیت‌های فرعی روی آورند، می‌گوید: «اگر کتاب «ظهر روز دهم» از قیصر امین پور یا «روز واقعه»

دینی می‌نویسند، باید علاوه بر شناخت شخصیت‌ها، ذهن و زبان کودکان و نیاز و خواسته آنها را هم بشناسند و هماهنگ با دنیای کودکان و دلخواه آنان بنویسند، اگرچه آنچه ادبیات کودک نامیده می‌شود، مجموعه کتاب‌های غیر درسی‌اند و کتاب‌هایی که در قالب داستانی نوشته شده را نیز دربرمی‌گیرد.»

او در پاسخ به این پرسش که بهتر نیست نویسندگان به حواشی یک اتفاق بپردازند یا به جای توجه به شخصیت اصلی و محوری، به شرح و تفسیر درباره شخصیت‌های فرعی روی آورند، می‌گوید: «اگر کتاب «ظهر روز دهم» از قیصر امین پور یا «روز واقعه»

نویسنده داستان‌های تاریخی کارچندان ساده‌ای نیست چرا که نویسندگان این حوزه، هم باید به اصل تاریخ وفادار بمانند و هم اصول ابتدایی و اساسی داستان‌نویسی را رعایت کنند. این نوشتن زمانی دشوارتر می‌شود که نویسندگان بخواهند درباره زندگی پیامبران و امامان (ع) بنویسند. حال اگر در پی این باشند که کودکان را مخاطب قرار دهند و آنها را با زندگی این بزرگواران آشنا کنند، کار به مراتب دشوارتر خواهد بود، زیرا فانتزی، اصل اساسی نوشتن برای بچه‌هاست در حالی که شاعران و نویسندگان کودک نمی‌توانند راه بر تخیل خود بکشایند و تنها در پی نوشتن داستانی خیال‌انگیز و جذاب برای کودکان درباره مفاهیم و شخصیت‌های دینی باشند، همچنان که نمی‌توانند به حواشی و شخصیت‌های فرعی بپردازند، زیرا کودکان آشنایی چندانی با این گونه‌هاشیه‌ها ندارند و نویسندگان در درجه نخست باید آنان را با نمایی کلی از زندگی پیامبران و امامان (ع) آشنا کنند.

امان‌اشتن، زمانی حساس‌تر می‌شود که نویسندگان کودک و نوجوان بخواهند از موعودی بنویسند که روزی خواهد آمد و دنیا را پر از صلح و آرامش خواهد کرد؛ موعودی که در همه ادیان به آمدنش اشاره شده...

حسین فتاحی، نویسنده کودک و نوجوان، معتقد است: «نوشتن درباره شخصیت‌های تاریخی، به ویژه کسانی که نزد مردم از قداست و ویژه‌ای برخوردارند، کار بسیار دشواری است، چون نویسنده، هم باید از یک طرح داستانی پیروی کند و هم به موارد تاریخی وفادار بماند و این امر او را ناچار می‌کند که تخیل را کنار بگذارد و به مستندات تاریخی دست یابد.»

وی با اشاره به این که نویسندگان درباره اشخاص بزرگی چون پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و دیگر امامان نمی‌توانند از تخیل خود بهره ببرند و حرفی را که مستند و حقیقی نیست، به این بزرگواران نسبت دهند، می‌گوید: «تمام این موارد، راه را بر تخیل نویسندگان می‌بندد و باعث می‌شود آنان به جای پرداختن به عناصر داستانی، به مستندات پناه ببرند، در صورتی که داستان از چند اصل مشخص پیروی می‌کند و باید طرح و تعلیق داشته باشد تا خواننده را کنجکاو و مشتاق به مطالعه کند.»

فتاحی معتقد است: «کودکان تعلیق را درک نمی‌کنند، از سوی دیگر، در داستان کوتاه، مجال برای گره‌افکنی و گره‌گشایی نیست. حتی نمی‌توان شخصیت‌های فرعی را به دنبای داستان کوتاه فراخواند، در حالی که نویسندگان در پرداختن به شخصیت‌های فرعی، از آزادی عمل بیشتری برخوردارند و راحت‌تر می‌توانند به این افراد بپردازند.»

او بر این باور است که هنگام پرداختن به نجات دهنده‌ای که آمدنش وعده داده شده بهتر است به گونه‌ای رفتار شود که همه ادیان و مکاتب آن را دریابند چرا که اعتقاد به منجی آخرالزمان، تنها به مسلمانان تعلق ندارد بلکه همه پیروان ادیان توحیدی به وجود فردی ایمان دارند که وقتی دنیا پر از ستم و بی‌عدالتی شود، ظهور کرده و جهان را از عدل و نیکی پر می‌کند.

## شناخت دین و آشنایی با کودک

نوشتن درباره شخصیت‌های دینی، کار بسیار دشواری است. حال وقتی مخاطب یک متن، کودکان هستند، این دشواری چند برابر می‌شود چون شاعران و نویسندگان، هم باید با دین و شخصیت‌های دینی آشنا باشند و هم ذهن و زبان کودکان را بشناسند.



زهره نیلی

آن گونه که سید علی محمد رفیعی در مقاله خود با عنوان «پشتوانه‌های علمی برای تصویرگری دینی» می‌نویسد: «به اثری دینی گفته می‌شود که محتوای آن، دست کم به یکی از موضوع‌ها یا مقوله‌های دینی بپردازد، نگاهی از بیرون به یکی از موضوع‌ها یا مقوله‌های دینی بیندازد، با الهام از یک موضوع، مقوله، آموزه، پیام یا هدف دینی پدید آمده باشد و درباره یکی از آثار، جوامع، نهادها یا فرهنگ‌های دینی باشد...» او یکی از نیازهای ضروری پژوهش در تصویرگری کتاب‌های دینی را تعیین شکل چهره، دست‌ها، استخوان بندی، حالت مو و اندام انبیا یا ابراهیمی و نسل ابراهیم از جمله پیامبر اسلام (ص)، شخصیت‌های معصوم شیعه و برخی عالمان و بزرگان که از نسل پیامبر (ص) و ائمه معصوم‌اند می‌داند و می‌گوید: «می‌دانیم که نقاشان و پیکره‌سازان بزرگ، برای این که مثلا چهره و اندام فردوسی یا حافظ را به تجسم درآورند در نژاد او تحقیق می‌کنند و با گردآوری برخی مشترکات، تصویری از وی می‌سازند... متأسفانه در طی تاریخ، تصویرگران و پیکره‌سازان مذهبی نسبت به این پژوهش علمی قبل از خلق اثر بی توجه یا کم توجه بوده‌اند.» رفیعی در این مقاله که در شماره ۷۲ کتاب ماه کودک و نوجوان نیز منتشر شده، آورده است: «برای پرهیز از حساسیت‌های مومنان، نیازی به گذاردن روبند برای انبیا یا ائمه، یا سفید کردن چهره آنها نیست. این کار از یک سو گونه‌ای بدآموزی و ارائه اطلاعات نادرست به ویژه به مخاطب کودک و نوجوان است. از دیگر سو اگر تصویرگری چهره انبیا و اولیا را با ملاحظات خاص خود صورت بپذیرد، به این معنی که بیننده از مشاهده چهره آنها الوهیت، روحانیت، زیبایی و آراستگی برون و درون، خردمندی، فرزندی، ژرف‌نگری، اطمینان، سرزندگی، امید و دیگر فضایل فکری معنوی و مادی را دریابد نه تنها از دیدن آن برافروخته نمی‌شود بلکه تحسین خود را نثار تصویرگری می‌کند که توانسته است چنین نمادی از دانایی و والایی بیافریند.» اما تصویرگری شخصیت‌های دینی و رویدادهای مذهبی ما را بر آن داشت تا به گفت‌وگو با تصویرگران کودک بنشینیم و چند و چون این شاخه از هنر را از زبان آنان بشنویم.

## درباره تصویرگری دینی برای کودک و نوجوان

# ضرورت ارتباط دوسویه نویسنده و تصویرگر

گرفته نشده و لازم است که تصویرگران به نقد و بررسی آثار ارائه شده بپردازند و کارهای موفق را در برابر دید علاقه‌مندان بگذارند. چراکه آنچه در تصویر کردن داستان‌های مذهبی اهمیت دارد، اثر خلق شده است و تأثیری که بر مخاطب می‌گذارد.

### حلاوتی نور در نوجویی

حمیدرضا بیدقی، هنرمندی است که مجموعه «پیامبران» نوشته حسین فتاحی را تصویرگری کرده است. «شیری به رنگ آبی»، «خروس مغرور»، «پهلوان»، «به اطراف نگاه کن»، «بزرگ‌ترین جای دنیا»، «چهل سرباز» و... از دیگر آثار او است. حمیدرضا بیدقی، داشتن نگاه تازه را یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در زمینه تصویرگری می‌داند و می‌گوید: «تصویرگران باید نگاه تازه‌ای به داستان‌های عاشرها یا رویدادهای مذهبی دیگر داشته باشند و به کودکان مجال دهند تا تخیل خود را به کار انداخته و راه خود را پیدا کنند. برای مثال می‌توان کودکی را تصویر کرد که از درون خیمه بیرون را نگاه می‌کند و در نگاهش هزاران پرسش نهفته است.»

**آیا می‌توان در تصویر کردن چهره پیامبر (ص) و امامان نیز این نوآوری را به کار برد؟**

هم می‌توان در تصویر کردن چهره پیامبر (ص) و امامان به فرم‌ها و رنگ‌های جذاب توجه کرد و هم می‌توان، دوره‌های تاریخی را در نظر گرفت برای مثال در زمان حضرت نوح، به احتمال زیاد، لباس‌ها بدون دوخت و معماری آن زمان و ساخت بناها متفاوت با زمان پیامبر اسلام (ص) بوده است و تصویرگران می‌توانند به مستندات تاریخی توجه کنند و تفاوت و ویژگی‌های دوره‌های تاریخی حیات هر یک از این بزرگواران بایکدیگر را در نظر بگیرند. البته در هیچ یک از این دو حالت نباید ارتباط تصویر با مخاطب و پیام آن را نادیده گرفت.

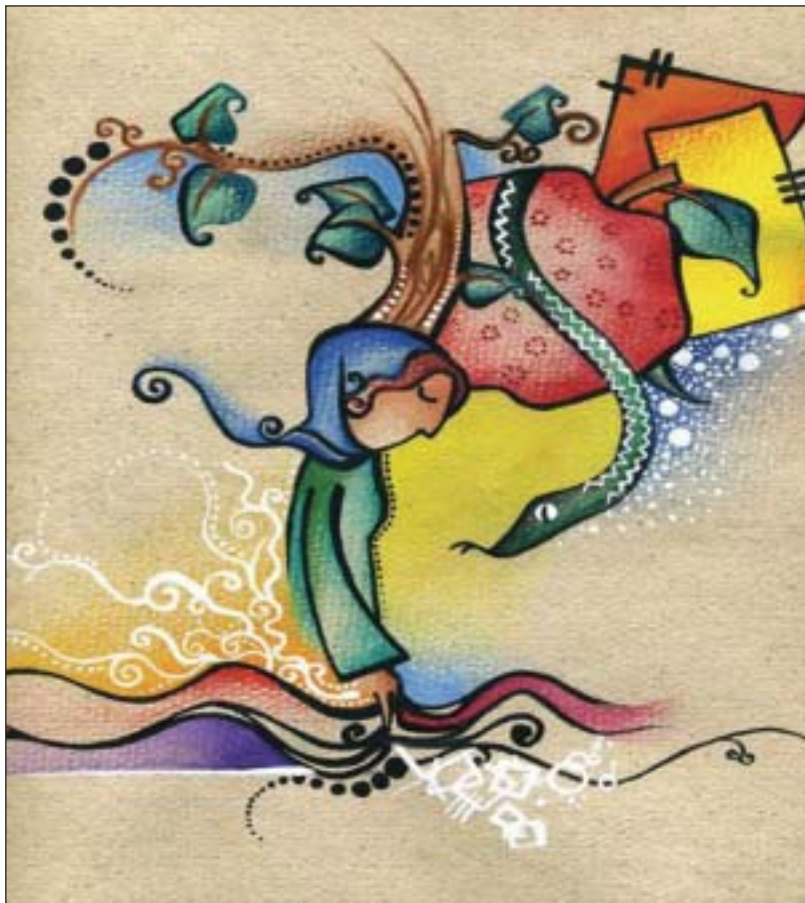
**و یک تصویر خوب، چگونه تصویری است؟**

تصویر خوب آن است که بیشترین، بهترین و عمیق‌ترین پیام را با بیشترین تأثیر و در کوتاه‌ترین زمان به مخاطب برساند. به عبارتی تصویر باید بتواند با مخاطب خود ارتباط برقرار کند و این نکته‌ای است که در تصویرگری امروز، کمتر به چشم می‌خورد.

**پس ارتباط با مخاطب، هدف تصویرگری دینی است. بله. ما باید با مخاطب خود ارتباط برقرار کنیم تا بتوانیم آموزه‌های دینی را به او انتقال دهیم.**

**چگونه می‌توان به شناخت مخاطب دست پیدا کرد، وقتی مخاطب شناسی، مقوله‌ای کاملاً نسبی است؟**

سن، باور، اطلاعات دینی و موقعیت جغرافیایی و فرهنگی از عواملی اند که ما را در شناخت مخاطب یاری می‌دهند. البته اطلاعات فردی که در روستا و در خانواده‌ای بی‌سواد به دنیا می‌آید با کسی که در محیطی فرهنگی متولد می‌شود و در شهر می‌کند متفاوت است در این میان آنچه ما از شناخت مخاطب در نظر داریم اطلاعاتی کلی‌ای دایره‌گسترده‌تری از خوانندگان است. البته رسیدن به این شناخت، لازمه پژوهش در این زمینه است.



کتاب‌ها متفاوت است. ما برای تصویر کردن مفاهیم مذهبی باید نمادها و نشانه‌هایی را انتخاب کنیم که معنویت را نشان می‌دهند و معنویت چیزی نیست که مابه‌ازای تصویری داشته باشد. پس ما باید در تصویرگری مفاهیم معنوی به گونه‌ای رفتار کنیم که هم کودکان را با آن آشنا کنیم و هم به مقدسات و باورهای دینی مخاطبان خود آسیبی وارد نکنیم و لازمه این کار، شناخت مخاطب و سطح آگاهی او است.

**تصویرگران برای تصویر کردن چهره بزرگان دین تا چه اندازه باید به مستندات تاریخی توجه کنند؟**

گاهی به دنبال تصویر کردن زندگی این بزرگواران در دوره تاریخی خاصی هستیم، برای مثال می‌خواهیم زندگی پیامبر (ص) را تصویر کنیم، پس باید بدانیم ایشان در چه دوره‌ای زندگی می‌کرده‌اند، چگونه لباس می‌پوشیده‌اند، آداب غذا خوردنشان چگونه بوده است و... به عبارتی باید به جزئیات آن دوره تاریخی آشنا باشیم اما هدف از تصویر کردن داستان‌های مذهبی این نیست که چهره پیامبر چگونه بوده یا خانه‌ای که در آن زندگی می‌کرده، چه رنگ و چه شکلی داشته است بلکه منظور نشان دادن ویژگی‌های معنوی ایشان است. **آیا تاکنون حد و مرزی برای کارهای مذهبی در نظر گرفته شده است؟**

هنوز هیچ خط و مرزی برای این گونه کارها در نظر

به‌زیاده‌گویی روی آورد. به عبارتی باید ارتباطی دوسویه میان نویسنده و تصویرگر از یک سو و متن و مخاطب از سوی دیگر وجود داشته باشد.

### ضرورت شناخت مخاطب

حمیدرضا اکرم، متولد ۱۳۵۶ است که داستان‌هایی مانند «قهرمان فقه خل و چل»، «چشمه لاجر مردنی»، «داستان دو پنج»، «روبان قرمز به دور کره زمین» و... را تصویرگری کرده است. اکرم همچنین تصویرگر کتاب‌های درسی از جمله فارسی چهارم دبستان بوده است. او شناخت مخاطب را ضرورتی می‌داند که باید به آن توجه کرد و می‌گوید: «تصویرگر باید مخاطب خود را بشناسد و بداند برای چه گروه‌سنی‌ای تصویرگری می‌کند و آن رده سنی از چه شعور و سواد بصری برخوردار است و تا چه اندازه مفاهیم موجود در هر تصویر را درمی‌یابد. برای مثال بچه‌های پنج تا هفت سال، خوبی، بدی، ترس، زشتی و زیبایی را درک می‌کنند و از رنگ‌های شاد لذت می‌برند مثلاً رنگ‌های سیاه، زرشکی تند و سبز لجنی را نمی‌پسندند؛ پس می‌توان با استفاده از این رنگ‌ها مفاهیمی را به آنها منتقل کرد.» **آیا معتقد به تصویرگری مفهومی در ارتباط با شخصیت‌های بزرگ دینی هستید؟**

به باور من تصویرگری کتاب‌های دینی با دیگر

### ناممکنی تصویر کردن چهره‌های دینی

علیرضا گل‌دوزیان متولد ۱۳۵۷ و از جمله تصویرگرانی است که تاکنون توانسته جایزه‌های بین‌المللی بسیاری را به خود اختصاص دهد که از این میان می‌توان به قلم طلایی بلگراد برای کتاب «جوراب سوراخ»، جایزه بزرگ براتیسلاوا برای این کتاب و «مداد سیاه، مداد قرمز» و طراحی کاتالوگ بولونیا که معتبرترین جشنواره تصویرگری کتاب کودک در دنیا است اشاره کرد. او درباره تصویرگری چهره پیامبر (ص) و امامان می‌گوید: «این بزرگواران در ذهن افراد بشر به عنوان یک‌بی‌نهایت بی‌پایان شناخته شده‌اند و به این دلیل تصویر کردن چهره آنان، کار ناممکنی است.»

**به نظر شما چرا بسیاری از نقاشان و تصویرگران از هاله نورانی به جای تصویر کردن چهره این بزرگواران استفاده می‌کنند؟**

معمولاً نقاشان و تصویرگران از این روش به جای تصویر کردن چهره پیامبر (ص) و دیگران استفاده می‌کنند. از ویژگی‌های مثبت این کار، جدا کردن فرد معصوم از دیگر افراد است بدون آن که به معصومیت و تقدسش خدشه‌ای وارد شود، هر چند که کودکان دوست دارند چهره افراد را ببینند و با تصویر پیامبر (ص) و امامان (ع) ارتباط برقرار کنند و این نوع تصویرگری، اجازه چنین کاری را به آنها نمی‌دهد.

**چه روشی را می‌توان به عنوان روش جایگزین به کار برد؟**

باید تدریجی اندیشید و نشانه‌های دیگری را جایگزین کرد. برای مثال می‌توان با شناخت خصوصیات منحصر به فرد هر یک از این بزرگواران، به نوعی تصویرگری مفهومی دست پیدا کرد.

**کودکان تا چه اندازه با تصویرگری مفهومی ارتباط برقرار می‌کنند؟**

این تصویرگری بیشتر به گروه سنی نوجوان و جوان تعلق دارد. به طور کلی در تصویرگری به ویژه تصویرگری مذهبی نمی‌توان مخاطب را نادیده گرفت؛ اگرچه امروز در تمام دنیا، همچنین در ایران، بچه‌ها به فضاهای ملموس فکر می‌کنند و این مسأله تصویرگران را به دوری از انتزاع وامی‌دارد؛ اما تصاویر مفهومی را کودکان در نمی‌یابند و برای تصویر کردن چهره معصومین (ع) یا وقایعی چون عاشورا باید به روش‌های دیگری به جز تصویرگری تخیلی و انتزاعی اندیشیده شود.

**پس ساده‌گویی یکی از روش‌های تصویرگری شخصیت‌ها و رخداد‌های دینی است.**

تصویرگر آن چیزی را تصویر می‌کند که نویسنده در قالب داستان مطرح کرده است و این نویسندگان حوزه کودک و نوجوان هستند که باید مخاطبان خود را به خوبی بشناسند و به نوشتن داستان‌هایی هماهنگ با حال و هوای آنان بپردازند.

**تصویر مکمل متن است نه چیزی جدای از آن؟**

بله. همان‌گونه که داستان‌نویس باید به تصویرگر فکر کند، تصویرگر هم باید به متن داستان توجه کند و به عنوان مثال واقعه بزرگی چون عاشورا را با توجه به متن و درک و فهم مخاطب به تصویر بکشد بدون آن که



درنگی در منابع و کتاب‌های تاریخ مشروطه ایران

# هفت خوان مستدنگاری مشروطه

سال را دربرمی‌گیرد. جلد سوم خاطرات عین السلطنه به رویدادهای مشروطیت اختصاص دارد که ارتباط نویسنده با دربار، اطلاعات او را در جایگاهی برتر نسبت به منابع مشابه قرار می‌دهد. بی‌گمان نمی‌توان به بررسی حوادث مشروطیت پرداخت و از کتاب چهار جلدی «حیات یحیی» نام نبرد. نویسنده آن، میرزا یحیی دولت‌آبادی از رهبران تجددخواه انقلاب بود و در بسیاری از رویدادهایی که به تکوین مشروطیت انجامید، نقش داشت. کتاب او با حوادث پیش از انقلاب مشروطیت آغاز می‌شود و تا رخداد های جنگ جهانی اول و تاثیر آن بر حوادث ایران و انقراض سلسله قاجاریه ادامه می‌یابد.

«روزنامه خاطرات شرف الدوله» نوشته میرزا ابراهیم خان شرف الدوله کلانتری، نماینده آذربایجان در مجلس اول برای آشنایی با طرز فکر و مواضع نمایندگان مجلس مشروطه نیز از منابع قابل یادآوری به شمار می‌رود که در سال ۱۳۷۷ به کوشش یحیی ذکا چاپ شده است.

«تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز» تالیف حاجی محمدباقر ویجویه‌ای را نیز می‌توان در شمار کتاب‌های خاطرات رجال مشروطیت یاد کرد. این کتاب به حوادث جنگ تبریز، شرح پایداری و مبارزات مشروطه خواهان علیه استبداد در فاصله میان ۲۳ جمادی الاول تا اول ذیحجه سال ۱۳۲۶ هجری قمری می‌پردازد. توصیف دقیق نویسنده از آن رویداد، خاطراتش را کم‌نظیر ساخته است. علی‌کاتبی این کتاب را در سال ۱۳۵۵ چاپ کرده است.

«خاطرات و خطرات» منبر السلطنه هدایت نیز از منابع معتبر و مشهور دوره مشروطیت است، اما اهمیت آن بیشتر به حوادث پس از مشروطه دوم بازمی‌گردد. نثر کوتاه و تلگرافی نویسنده، او را از پرداختن دامنه‌دارتر به رویدادها باز داشته است با این‌همه نمی‌توان به تاریخ مشروطیت ایران پرداخت و از کنار چنین مرجع گرانبهایی گذشت.

البته باید به کتاب‌های «خاطرات احتشام السلطنه» به کوشش محمد مهدی موسوی - ۱۳۶۷، «خاطرات من» نوشته اعظم قدسی - ۱۳۴۹، «روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران» احمد تفرشی حسینی به کوشش ایرج افشار - ۱۳۵۱ و «خاطرات صدرالاشرف» به قلم محسن صدر - ۱۳۶۴ نیز اشاره کرد.

**اسناد و رسائل تاریخ مشروطه ایران**

گروه سوم منابع مشروطیت را باید اسناد و رسائل آن دوره دانست. در این میان کتاب «رسائل مشروطیت»، ۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت» به کوشش غلامحسین زرگری نژاد - ۱۳۷۴ از اهمیت افزون تری برخوردار است و مجموعه‌ای به شمار می‌آید که تصویری روشن از بعضی گرایش‌های عصر مشروطیت را نشان می‌دهد. «اوراق تازه یاب مشروطیت» ایرج افشار - ۱۳۵۹ که مربوط به حوادث سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ هجری قمری است از دیگر کتاب‌های مرجع به شمار می‌رود. «اسناد سیاسی دوران قاجار» به قلم ابراهیمی صفایی - ۱۳۴۴ و «خاطرات و اسناد ظهیر الدوله» به کوشش ایرج افشار - ۱۳۵۱ و همچنین



مشروطه خواه، تشکیل اردوی بختیاری و حرکت آنان به سوی پایتخت می‌پردازد و کتاب دوم به شکل گیری اردوی شمال و فتح تهران و زوال استبداد صغیر محمد علی شاه اختصاص دارد.

«تاریخ هجده ساله آذربایجان» احمد کسروی نیز در واقع دنباله کتاب پیشین اوست.

کتاب «فراز و فرود مشروطه» به قلم سید مصطفی تقوی از جمله آخرین آثاری است که در روزگار ما درباره مشروطه نوشته شده است. ویژگی این اثر توجه همزمان به مسائل تاریخی و فکری است. با خواندن این کتاب می‌توانیم تاریخ وقوع مشروطه را از ابتدا تا انتها دنبال کنیم و همچنین تحلیل فکری منصفانه و معتدله‌ای از آن در اختیار داشته باشیم. مولف در مقدمه شرحی درباره چگونگی امکان درست شناختن مشروطه بر اساس نگاه غایت‌گرایانه و هدف‌محورانه ارائه کرده و به نقد دیدگاه‌های رایج از جمله نگاه احمد کسروی که تنها در قالب ارزش‌های پذیرفته خود تلاش می‌کند، می‌پردازد. یک امتیاز مهم کتاب این است که تحولات مشروطه را از ابتدا تا کودتای ۱۲۹۹ دنبال کرده و تلاش کرده تا پیوند این حوادث را با یکدیگر حفظ کند.

تکاپوی رهایی پس از رهایی: بحران مدیریت و کارآمدی، مجلس و دربار، همگرایی و واگرایی، سازش‌ستیزی: ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع ملی، از سقوط مجلس تا سقوط شاه، محک تجربه: خالی شدن میدان و آزمون مدیران، طرح ناموفق: قرارداد ۱۹۱۹ و از چاله به چاه: کودتای ۱۲۹۹ از جمله بخش‌های مختلف این کتاب به شمار می‌آیند.

**خاطرات و روزنوشت‌های مشروطه**

شمار دیگری از کتاب‌های مرجع انقلاب مشروطیت به خاطرات رجال آن روزگار اختصاص دارد. ویژگی عمده این دست‌کتاب‌ها در آن است که نویسندگانشان خود درگیر رویدادها بوده‌اند و برخی از آنان حضور تاثیرگذاری در حوادث داشته‌اند. به عنوان مثال «روزنامه خاطرات قهرمان میرزا عین السلطنه» که به تازگی در ده جلد و به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور منتشر شده است، روزنگاری مولف از حوادث ایران است. این خاطرات از اواخر دوره ناصرالدین شاه آغاز می‌شود و تا مهرماه ۱۳۲۴ خورشیدی به مدت ۶۵

قمری می‌پردازد. گرچه اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و تلگراف‌های سیاسی فراوانی که مولف نقل می‌کند، بر سندیّت و اعتبار مرجع بودن آن می‌افزاید. «واقعات اتفاقیه در روزگار» را دکتر منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان در سال ۱۳۶۲ منتشر کرده‌اند.

کتاب مجد الاسلام کرمانی به نام «تاریخ انحطاط مجلس» نیز جایگاه برجسته‌ای در میان ماخذ این دوره دارد. این کتاب آمیخته‌ای از گزارش و پژوهش نویسنده درباره رویدادهای مشروطیت و شکل‌گیری کودتای محمد علی شاه قاجار است. مجد الاسلام از جمله افرادی بود که در برخی از رویدادها نقش داشت و به همین سبب نام و آوازه‌ای یافت. کتاب او نخستین بار با مقدمه و یادداشت‌های محمود خلیل پور در سال ۱۳۵۱ و از سوی دانشگاه اصفهان منتشر شد.

«تاریخ مشروطه ایران» احمد کسروی نیز به شرح و تحلیل حوادث مشروطیت پرداخته است. البته، گرایش‌های فکری و تمایلات مسلکی او در تفسیر رویدادها و دل‌بستگی به برخی از گروه‌های درگیر انقلاب مشروطیت و کوبیدن مخالفان، اثر او را از جانبداری‌های یکسویه بر کنار نداشته است. در اینجا باید به رویداد مهم فتح تهران توسط نیروهای مشروطیت هم اشاره کرد. برای درک این رویداد، دو کتاب مرجع از اهمیت بیشتری برخوردارند: نخست «تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری» تالیف نورالله دانشور علوی (مجد السلطان) و دیگری «فتح تهران و اردوی برق» به قلم علی دیوسالار (سالار فاتح). کتاب نخست به تصرف اصفهان به دست مجاهدین

**گاه ملاحظات شخصی**

**غرض ورزی‌های سیاسی**

**تمایلات حزبی و...**

**نویسندگان و پژوهشگران**

**مشروطیت را دچار برداشت‌های نادرست و کم و کاستی‌های فراوان کرده است**

شمار منابع و مآخذی که درباره انقلاب مشروطیت ایران نوشته شده‌اند (شامل پژوهش‌ها، خاطرات، اسناد، تک‌نگاری‌ها، تحقیقات ادبی و...) آنچنان گسترده است که حتی بررسی عنوان مهم آن نیز کار دشواری به نظر می‌رسد. کتابشناسی مختصری که حافظ فرمانفرمایان در سالیان پیش فراهم کرده بود (۱۳۴۵) یا آنچه علی پوراصغر به نام «کتابشناسی انقلاب مشروطیت» (مرکز نشر دانشگاهی - ۱۳۷۳) منتشر کرد، تنها گوشه‌ای از انبوه کتاب‌ها و مقالاتی است که پیش‌روی محققان آن دوره از تاریخ ایران قرار دارد. با این‌همه هنوز تحقیق و تحلیلی جامع و فراگیر که همه جوانب سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطیت را دربرگیرد، صورت نگرفته است. گاه ملاحظات شخصی، غرض ورزی‌های سیاسی، تمایلات حزبی و... نویسندگان و پژوهشگران مشروطیت را دچار برداشت‌های نادرست و کم و کاستی‌های فراوان کرده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، تعداد فراوانی از اسناد مشروطیت و حوادث پس از آن به شیوه‌ای مناسب طبقه‌بندی شده و در دسترس پژوهندگان قرار گرفته است، به ویژه انتشار خاطرات افرادی که خود در حوادث مشروطیت دست داشته‌اند، دسترس‌ی علاقه‌مندان به منابع پایه‌ای برای مطالعه وقایع دوران مشروطیت را میسر ساخته است اما این نیز گفتمانی است که متاسفانه عده‌ای از رجال نقش‌آفرین آن دوره از بازگویی بی‌پرده خاطرات خود سرباز زده‌اند یا آنچه که نوشته‌اند، دربردارنده همه حقایق نیست. برای نمونه می‌توان به کتاب «خاطرات احتشام السلطنه» اشاره کرد که می‌توانست بسیار پربارتر و حاوی مطالب ارزنده تری باشد.

روشن است که در اینجا برشمردن همه منابع مهم آن دوره امکان‌پذیر نیست، اما سعی شده تا حدی که میسر است، منابع مشروطیت ایران را در هفت بخش کوتاه دسته‌بندی شود. این بخش‌ها شامل منابع اصلی، خاطرات، اسناد و رسائل، شرح حال رجال، روزنامه‌ها و جراید، پژوهش‌های دهه‌های گذشته و پژوهش‌های جدید است.

**منابع اصلی تاریخ مشروطه ایران**

در میان منابع اصلی «تاریخ بیداری ایرانیان» ناظم الاسلام کرمانی، یکی از شناخته‌شده‌ترین مآخذ مشروطیت محسوب می‌شود. در واقع این کتاب منبعی اصلی و پایه‌ای برای فهم رویدادهایی است که به چگونگی شکل‌گیری اعتراضات، خیزش مردم و مطالبات آنان، حرکت علما و در نهایت صدور فرمان مشروطیت و حوادث پس از آن منجر شدند. «تاریخ بیداری ایرانیان» به واسطه اعتبار نویسنده و ارتباط او با رهبران مشروطیت - به ویژه پیوستگی او با سید محمد طباطبایی (یکی از دو رهبر پیشرو انقلاب) - از ارزش و اهمیت فراوانی برخوردار است.

«واقعات اتفاقیه در روزگار» نوشته محمد مهدی شریف کاشانی نیز از منابع موثق برای مطالعه در تاریخ مشروطه به شمار می‌رود. این کتاب سه جلدی به اوضاع ایران از زمان شکل‌گیری انقلاب تا حوادث پس از فتح تهران در سال ۱۳۲۷ هجری قمری و تاجگذاری احمد شاه در سال ۱۳۳۳ هجری

## کشف حقیقت از روایات متعارض

چیستا پاک سرشت: واقعیت این است که مشروطیت یکی از حساس ترین وقایع تاریخی ایران زمین به حساب می آید. بی بردن به چگونگی وقوع قیام مشروطه، پدید آورندگان آن و اهداف حاصله از چنین نهضتی، به یقین از درجه اهمیت بالایی برخوردار است و بجاست که تاریخ نگاران برای تالیف کتاب هایی مستند به انجام پژوهش هایی عمیق و روشنگرانه دست بزنند.

سید مصطفی تقوی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران و نویسنده کتاب «فراز و فرود نهضت مشروطه» بر لزوم مستند نگاری تاریخ مشروطه تاکید دارد و نهضت مشروطه را یکی از حوادث مهم ایران می داند. او می گوید: «این مسأله برای مطالعه پیچیده و حائز اهمیت است چرا که نقطه عطف تاریخ ایران به شمار می آید. همچنین تاثیر گذاری آن در دهه های پیشین حائز اهمیت بوده، اما متأسفانه انتقال این پدیده به نسل های آینده با دشواری روبه رو بوده است.»

وی می افزاید: «مردم هر جامعه ای، شناختی از رخداد های مهم گذشته خود دارند، در واقع این رویدادها نقش و تاثیر مستقیمی در جهت گیری های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی افراد یک جامعه دارند. بنابراین اگر یک جامعه از تاریخ خود درک آشفته و غیردقیقی داشته باشد که با واقعیت های آن سازگار نباشد، پاسخ های تاریخی به اشفتگی افراد آن جامعه می انجامد.»

وی که کتاب «امنیت در دوره رضاشاه» را در دست نگارش دارد، خاطرنشان می کند: «رخداد مهم و سرنوشت ساز مشروطیت یکی از تحولات تاریخی ایران است که شناخت درست آن می تواند بسیار تاثیر گذار باشد. علاوه بر این، پژوهشگران تاریخ معاصر ایران که به کاوش در تحولات نهضت مشروطه می پردازند، باید به رخداد مشروطه در تحولات آن روز جامعه، ویژگی ها و آمادگی های علمی آن توجه کنند و آن را بایسته کار پژوهشی خود بدانند.»

این پژوهشگر تاریخ معاصر ایران می افزاید: «یک محقق تاریخ مشروطه باید از ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران آن روز شناخت علمی داشته باشد و با موقعیت ژئوپولیتیک ایران، استراتژی ها و تاکتیک های استعمار در قبال کشور ایران آشنا باشد و جریان های فکری و سیاسی کشور را به خوبی بشناسد.»



وی تاکید می کند: «محقق تاریخ مشروطه باید خود را در آن مقطع تاریخی قرار دهد و در آن فضای تاریخی تنفس کند تا قادر باشد نهضت مشروطه را که در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در ایران رخ داد به سوی واقع بینی و جامع نگری پیش ببرد.»

دکتر محمد حسن رجبی استاد دانشگاه و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران نیز در این باره می گوید: «پژوهشگرانی که در تاریخ مشروطه کار کرده اند، با انبوه منابع و مراجع - که گاه با هم متعارضند - روبه رو می شوند. در این کاوش ها برخی از پرده ها همچنان ناپیدا می مانند و کشف حقیقت از روایات متعارض، کار سترگی به شمار می آید.»

وی در ادامه سخنانش می افزاید: «برخی از کتاب ها به نحو احسن روایت منصفانه و واقع بینانه ای از میان انبوه منابع دست اول، دوم و روزنامه ها استخراج می کنند و می توانند برای تاریخ پژوهان و تاریخ نگاران مورد توجه باشند، ولی برخی دیگر از کتاب ها در زمینه تاریخ مشروطه محققان و پژوهشگران را دچار سردرگمی و آشفتگی می کنند.»

وی به دلایل ناکامی مشروطه اشاره می کند و می گوید: «فقدان رهبری واحد و متمرکز، ضعف مدیریت ایران، فقدان برنامه برای ساماندهی امور، رفع بحران اقتصادی، کوتاه کردن دست بیگانگان از مداخله در امور کشور، آشتی ناپذیری و ستیزه جویی با محمد علی شاه و مسأله ترور او و در نهایت، هجوم به باور ها و ارزش ها باعث شد مشروطه ناکام بماند.»

رجبی در ادامه سخنانش خاطرنشان می کند: «بهرتر است در کتاب های تاریخی مشروطه به بحث های نظری درباره مشروطه پرداخته شود، زیرا این مسأله می تواند بسیاری از ناپیدا های جنبش مشروطه را با نگاه بازکاوانه مطرح کند به همین دلیل بحث های نظری نیاز تاریخ پژوهان و تاریخ نگاران دوره مشروطه به حساب می آیند.»

اخیر انجام گرفت، دامنه منابع آن دوره را وسیع تر ساخته است. توجه برخی از محققان نیز منحصر به تحلیل و تفسیر مطبوعات مشروطیت بوده است. از دو کتاب «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران» ادوارد براون (ترجمه محمد عباسی - ۱۳۲۷) و «تاریخ جراید و مجلات ایران» محمد صدر هاشمی (۱۳۶۳ - چاپ دوم) که بگذریم، باید به کتاب تحقیقی عبدالرحیم ذاکر حسین «مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت» (۱۳۷۵) اشاره کرد که نوشته ای جامع و تحلیلی است.

### پژوهش های پیشین تاریخ مشروطه

پژوهش ها و بررسی هایی که در دهه های گذشته درباره انقلاب مشروطیت انجام شده است، بخش دیگری از منابع تحقیقی را شامل می شود. در اینجا به ویژه باید به «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» نوشته مهدی ملک زاده اشاره کرد که بر پایه مشاهدات و آگاهی های نویسنده و خاطرات گروهی از مردان آن روزگار و همچنین به کمک اسناد و مدارک کتبی در شش مجلد به نگارش درآمده است.

کتاب «انقلاب ایران» تالیف ادوارد براون (ترجمه احمد پژوه - ۱۳۳۸) نیز جزو نخستین پژوهش های مهم درباره انقلاب مشروطیت است. «گیلان در جنبش مشروطیت» نوشته ابراهیم فخرایی (۱۳۵۱)، «سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطه ایران» تالیف فرهنگ مهر (۱۳۴۸) و «انقلاب مشروطیت ایران» تالیف ایوانف (ترجمه آذر تیریزی - ۱۳۵۷) نیز برای شناخت تاریخ آن دوره از منابع معتبر به شمار می روند.

### پژوهش های جدید تاریخ مشروطه

پژوهش های جدید را می توان به چند دسته بخش بندی کرد؛ کتاب هایی که به دخالت بیگانگان در رویداد های مشروطیت پرداخته اند که در این خصوص دو کتاب رسول جعفریان به نام های «دخالت انگلیس در واقعه مشروطه» (۱۳۶۵) و «بست نشینی مشروطه خواهان در سفارت انگلیس» (۱۳۷۸) ارزش تحقیقی بایسته ای دارند. «نقد جریان مشروطه خواهی» نیز از موضوعاتی است که در سالیان اخیر نگاه تاریخ نگاران را جلب کرده است. در این زمینه عنوان های «انقلاب مشروطه در بوته نقد» علیرضا کریمی (۱۳۸۳)، «بحران مشروطیت ایران» حسین آبدیان (۱۳۸۳) و «فراز و فرود مشروطه» سید مصطفی تقوی (۱۳۸۴) اهمیت بیشتری دارند.

رهبری علما و روحانیون نیز موضوع پژوهشی است که از دید محققان مشروطیت پنهان نمانده است. برای نمونه می توان کتاب های «اسناد روحانیت و مجلس: تاریخ مشروطیت به روایت اسناد کتابخانه مجلس» منصوره اتحادیه (۱۳۷۵)، «تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق» عبدالهادی حائری (۱۳۸۱) و «علما و انقلاب مشروطیت ایران» لطف الله آجدانی (۱۳۸۳) را برشمرد.

علل ناکامی مشروطیت را نیز می توان در کتاب «مشروطه ناکام» مهدی رهبر (۱۳۸۷) جست و جو کرد. تاریخ روابط خارجی و همچنین سیاست خارجی ایران در آن دوره، موضوع پژوهش دکتر علی اکبر ولایتی در کتاب «تاریخ روابط خارجی ایران در دوره اول مشروطه» (۱۳۷۵) بوده است. درباره احزاب آن روزگار هم تحقیق خانم دکتر منصوره اتحادیه در کتاب «پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره یکم و دوم مجلس شورای ملی)» (۱۳۸۱) از اهمیت بسزایی برخوردار است. انجمن ها هم بی گمان نقش مهم و تاثیر گذاری در حوادث مشروطیت داشته اند. بررسی مشروطیت بدون نگاه به عملکرد آن انجمن ها، کامل نخواهد بود. در میان تحقیقات اندک شماری که در این خصوص انجام شده است، کتاب فاطمه شیرالی «انجمن های تهرانی در عصر مشروطیت (۱۳۸۴) چشمگیر و قابل توجه است.

«خاطرات و اسناد مستشار الدوله» (۱۳۶۰) نیز از شمار کتاب هایی است که نه تنها شامل خاطرات نویسندگان آن است، بلکه مشتمل بر اسناد، مکتوبات و رسائلی است که برای شناخت مشروطیت اعتبار فراوان دارند.

کتاب «رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات و روزنامه شیخ فضل الله نوری» به قلم محمد ترکمان - ۱۳۶۲ و نیز «لوائح آقا شیخ فضل الله نوری» به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی - ۱۳۶۲ برای شناخت اندیشه ها و فعالیت های این مرجع روحانی درخور یادآوری است.

افزون بر آن در سال های اخیر اهتمام بسیاری برای چاپ اسناد و مدارک مشروطیت وجود داشته است. برای نمونه می توان به کتاب های «مرامنامه ها و نظام نامه های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی» منصوره اتحادیه - ۱۳۶۱، «نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۷۰) و «اسناد روحانیت و مجلس: تاریخ مشروطیت به روایت اسناد کتابخانه مجلس» منصوره تدین پور - ۱۳۷۵ اشاره کرد.

«گزارش های محرمانه سفارتخانه های خارجی» را هم باید در شمار کتاب های اسناد دانست. در این رده دو کتاب از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردارند. نخست «کتاب آبی، گزارش محرمانه وزارت خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران» به کوشش احمد بشیری و دیگری «کتاب نارنجی: گزارش های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری» (۱۳۶۲) که هر دو شامل گزارش های مفصل و پنهانی دو وزارتخانه ای است که در رویداد های مشروطیت نقش عمده ای داشته اند. این دو کتاب نیاز های پژوهشی محققان را تا حدی برآورده می کنند اما بهره گیری از آنها باید آگاهانه و با سنجش با اسناد و کتاب های دیگر باشد.

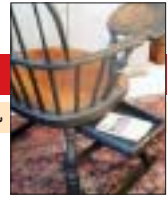
### شرح حال رجال و مردان سیاسی

شمار دیگری از کتاب های مرتبط با مشروطیت، آنهایی هستند که به شرح حال و زندگانی رجال مشروطیت پرداخته اند که شاید مهم ترین آنها «شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری» تالیف مهدی بامداد باشد. این کتاب همان گونه که از نام آن پیداست، تنها درباره رجال مشروطیت نیست و یک دوره سه قرنی را شامل می شود. «رجال عصر مشروطیت» نوشته سید ابوالحسن علوی به قلم حبیب یغمایی - ۱۳۶۳ نیز به سبب دقت و امانت نویسنده و اطلاعات ارزنده ای که عرضه می کند، مفید و با ارزش است. کتاب های «زندگی ملک المتکلمین» تالیف مهدی ملک (۱۳۲۵)، «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» تالیف مهدی مجتهدی (۱۳۲۷) و «دو مبارز مشروطه، ستارخان و شیخ محمد خیابانی» نوشته رحیم رئیس نیا و عبدالحسین ناهید (۱۳۵۵) نیز یادکردنی اند.

در سالیان اخیر بخش قابل توجهی از این دست کتاب ها به کندوکاو و پژوهش درباره اندیشه ها و اقدامات شیخ فضل الله نوری پایه گذار تفکر مشروطه مشروعه، اختصاص داشته است. شمار این گونه تحقیقات البته فراوان است، اما دو عنوان زیر اهمیت بیشتری دارند: «شیخ فضل الله نوری و مشروطیت (رویارویی دو اندیشه)» مهدی انصاری (۱۳۷۶) و «اندیشه سبز، زندگی سرخ (زمان و زندگی شیخ فضل الله نوری)» علی ابوالحسنی (۱۳۸۰).

### جراید و روزنامه های دوره مشروطه

انتشار دوره کامل برخی از نشریات عصر مشروطیت نیز محققان را برای بررسی جامع تر آن دوره تاریخی یاری کرده است. دوره روزنامه «صوراسرافیل» به کوشش منصوره اتحادیه، روزنامه «روح القدس» با مقدمه محمد گلبن و دوره کامل بسیاری از مطبوعات آن عصر توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی که در چند سال



سجاد صاحبان زند

نهضت مشروطه را می توان یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران دانست. در این واقعه که آن را بستر بسیاری از تحولات دیگر تاریخ معاصر ایران می دانند برای نخستین بار نظام پارلمانی وارد حیات سیاسی ما شد و مردم حق آن را یافتند که نمایندگان خود را برای هدایت کشور انتخاب کنند، هر چند که این امر در سال های بعد و تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بدل به امری فرمایشی شد. آیت الله سید عبدالله بهبهانی را می توان یکی از رهبران تاثیرگذار مشروطه دانست. اگرچه برخی به دلیل بعضی از رفتارهای سیاسی اش او را نکوهیده اند. در ادامه مطلب، گفت و گو با شهریار بهبهانی؛ مؤلف کتاب «زندگی سیاسی - اجتماعی سید عبدالله بهبهانی» خواهد آمد، با این توضیح که وی از نوادگان این شخصیت تاریخی است. این توضیح نیز ضروری به نظر می رسد که این هفته، سالگرد مشروطه نیز هست.

مؤلف کتاب «زندگی سیاسی - اجتماعی سید عبدالله بهبهانی»:

# هدفم، روایتی بی غرض است

استبداد محمد علی شاهی آغاز شده بود میرزای آشتیانی در شهری ترور شد اما از سوی دیگر برخی مطالب بود که با آن که به آنها علاقه ای نداشتم آورده ام، چرا که حس می کنم می بایست به عنوان یک نویسنده بی طرف باشم؛ از جمله مطلبی که با عنوان «مسأله زمین های طرشت» در کتاب آورده ام. دلم نمی خواست این مبحث در کتاب باشد، اما از آنجایی که این مسأله با آیت الله بهبهانی در ارتباط بود، مجبور شدم آن را در کتاب مورد توجه قرار دهم.

چرا نمی خواستید؟

مطالبی طولانی در مورد مسأله ای کوچک عنوان شده بود، اما من تلاش کردم تا زوایای مطلب را روشن کنم. نمی خواستم مسأله به صورت سانسور نویسنده مطرح شود که همانم آن شخصیت تاریخی است. اما این ضرورت من را واداشت که بخش هایی شبیه به این را در کتاب بیاورم. مسائلی دیگر نیز بود که دلم می خواست در کتاب بیشتر مورد توجه قرار گیرد، از جمله مسأله شیخ فضل الله نوری. اما به نظرم رسید که پرداختن به این سوژه خود کتابی دیگر است و نمی توانستم با افزودن چند صفحه، شخصیت شیخ را به طور عمیق بررسی کنم.

قصد دارید کتابی در مورد شیخ فضل الله نوری بنویسید که از دیگر شخصیت های تاثیرگذار نهضت مشروطه بود؟

البته کتاب های خوبی در این مورد منتشر شده اما بیشتر این آثار از نگاه واحدی به مسأله پرداخته اند و در نتیجه طبیعی است که می توان از دریچه ای دیگر به این ماجرا نگاه کرد. اما من قصد ندارم کتابی در این باره کتابی منتشر کنم. در پروژه ای که اکنون در دست دارم، قصدم بر آن است که گمنام های انقلاب مشروطه را مورد توجه قرار دهم.

یعنی کتاب دیگری درباره مشروطیت در دست نگارش دارید؟

بله. کتابی است راجع به شخصیت های کمتر مطرح شده انقلاب مشروطه، در مورد آنانی که در این بخش شرکت داشته اند، حتی به اندازه چند دقیقه تاثیرگذار اما کمتر نامی از آنها برده می شود و در حال نگارش تک نگاری روی این شخصیت ها هستم. منابع شما این بار نیز بر آثار منتشر شده معطوف است؟

بله و البته اسنادی که در جست و جوهایم به آنها دسترسی داشته باشم.

به عنوان آخرین سوال، مشکلات شما برای تالیف «زندگی سیاسی - اجتماعی سید عبدالله بهبهانی» چه بود؟

مسأله همنامی و خویشاوندی در طول نگارش اثر همواره بر دوام سنگینی می کرد، اما این فشار علاوه بر آن که گاهی آزاردهنده می شد، خیلی سودمند هم بود. کسانی که این کتاب را خوانده اند، چندان بر همنامی توجه نداشته اند و آن را مهم ندانسته اند. متن کتاب به گونه ای ذهن آنها را پیش می برد که دیگر به این همنامی توجهی نمی کنند. این نکته که در حین نگارش کتاب، دست و پایم را بسته بود، سبب شد تا من امانتداری را بیشتر رعایت کنم و در نهایت به متنی منصفانه بیندیشم که به گمانم نتیجه این دشواری خوب بود.



این کتاب، این فرصت را به من داد که تقریباً از همه منابع موجود دست کم تا زمان انتشار این کتاب استفاده کنم یعنی افزایش آثار مرتبط با مشروطه سبب شد از منابع بیشتری استفاده کنم. بعد از انتشار این کتاب نیز منابع قابل توجهی در زمینه تاریخ مشروطه منتشر نشد.

و این که چطور شد شروع به نگارش کتاب کردید؟ تقریباً هیچ اثر مکتوبی درباره آیت الله بهبهانی و نقش ایشان در نهضت مشروطه وجود نداشت و این انگیزه ای شد تا من کار را شروع کنم. من نمی خواستم این فرصت از دست برود و گاهی دلم می خواست فرد دیگری در این عرصه اقدام به کار کند چون نمی خواستم کسی از همنام های ایشان، دست به چنین کاری بزند. اما کسی اقدام به این کار نکرد و همواره من جای خالی این کتاب را خالی می دیدم.

در نهایت به این تصمیم رسیدم که این جای خالی را پر کنم. از طرفی، نوشتن این کتاب تجربه ای گران بها برای من بود، چرا که حس می کردم می توانم دانشم را در عرصه مطالب تاریخی، در کنار استنتاجی که از آنها دارم، به مخاطب عرضه کنم. حس کردم نگارش این کتاب، شاید شروع راهی تازه برای پژوهش بیشتر در مورد شخصیت آیت الله بهبهانی باشد. شما علاوه بر روایت مسلسل وار روایت های تاریخی، تحلیل های خودتان را هم در کنار آنها مطرح کرده اید. کمی در این مورد بگویید.

اگر من به اندازه کافی جسارت داشتم، در ذیل عنوان اصلی کتاب، عنوان «تاریخ مختصر مشروطه» را قرار می دادم، چون تلاشم را کردم تا در کنار شخصیتی که محور کتاب شده، تاریخ مشروطه را به طور مختصر و گزیده بیاورم. اما به هر حال چون تمرکز بر شخصیت آیت الله بهبهانی بود، از این کار پرهیز کردم. در منابع مختلفی که در مورد وی وجود دارد او را گاه خادم و گاه خائن نامیده اند. طبیعی است که وقتی می خواستم مسائل مربوط به ایشان را در قلب رویدادهای مشروطه نقل کنم، باید تمرکز بیشتری به این رابطه دوطرفه می داشتم. به همین دلیل باید گاه به تحلیل برخی از مسائل

در کتاب شما در عین آن که زندگینامه آیت الله بهبهانی به شمار می آید، روایتگر بخشی از تاریخ مشروطه نیز هست. آیا بررسی زندگی این شخصیت شما را به بررسی تاریخ مشروطه کشاند یا آن که زندگی این شخصیت تاثیرگذار مشروطیت، سبب شد تا در کنار زندگی او، به تاریخ این برهه مهم بپردازید؟

من از سنین خیلی کم با تاریخ مشروطه آشنا شدم؛ چرا که در خانواده ای بودم که سابقه حضور در مسائل تاریخی را داشت. تمرکز من در مطالعات تاریخی روی تاریخ مشروطه بوده است و به دلیل وابستگی خانوادگی، هر دو عاملی که نام بردید در شکل گیری کارم موثر بود. به نظرم وقتی زندگی سیاسی آیت الله بهبهانی را بررسی می کنیم، باید به تاریخ مشروطه بپردازیم، چرا که زندگی وی با این حادثه به ویژه مشروطه اول عجین شده است. یعنی شما وقتی هر یک از این دو را می خواهید بررسی کنی، آن دیگری نیز به خودی خود بررسی می شود. به همین دلیل است که حجم مهمی از این کتاب به مشروطه اختصاص یافته است. من در این کتاب سعی کرده ام منابع مختلف و متنوعی را به کار بگیرم و هیچ دخل و تصرفی نیز در آن نکنم. شاید من هیچ وقت فرصت آن را نداشته ام که وقتم را برای نوشتن یک تاریخ مشروطه متمرکز کنم، اما سعی کرده ام در این کتاب تا حدی این آرزو را محقق کنم.

در مقدمه کتاب به این نکته اشاره کردید که علاوه بر استفاده از منابع مکتوب، از منابع نامکتوب یا کمتر مورد استفاده قرار گرفته شده نیز بهره گرفته اید. آیا وابستگی خانوادگی شما با آیت الله بهبهانی این اسناد را در اختیار شما قرار داده یا جست و جوی شما در منابع تاریخی آنها را پیش روی تان قرار داد؟

منابع مبنایی من، آثاری اند که چاپ و منتشر شده اند اما از منابع دیگری هم استفاده کرده ام که به ضرورت صورت گرفت و اسامی آنها در کتاب آمده است. در چند مورد از خاطرات شفاهی افراد خانواده استفاده کردم که آنها را شرح داده ام. از اسنادی که در دسترس داشتم نیز بهره بردم یا این شرح که اسناد سیاسی چندانی از آیت الله بهبهانی به جای نمانده است. این که تعداد این اسناد را کم می دانم، از آن روست که به دلیل نقش ایشان در تاریخ مشروطه، ما انتظار داریم که مکاتبات، گزارش ها و منابعی دیگر از ایشان به جای مانده باشد که در آن دخالت داشته است. اما من از همان محدود منابع باقیمانده استفاده کرده ام. برخی از منابع نیز در آرشیو وجود داشتند که از آنها استفاده نشده بود مثل راپورت دیدار سردار اسعد، تقی زاده و بهبهانی که من آن را در انتهای کتاب آورده ام. برخی از این اسناد در مراکزی مانند مرکز تاریخ معاصر ایران نگهداری شده اند.

جرقه اول نوشتن این کتاب کی زده شد و چطور شد که این اسناد را کنار هم جمع آوری کردید؟ فکرش به زمان های خیلی قبل تر مربوط می شود اما من ۱۳ سال پیش از انتشار این کتاب، قلم را روی کاغذ گذاشتم. شاید نوشتن این کتاب نیاز به ۱۳ سال زمان نداشت، اما به دلیل مشغله من و حسنی که برای نوشتن نیاز داشتم و گاهی مفقود می شد، این زمان صرف نوشتن شد. اما طولانی شدن زمان نگارش





دکتر خیرالله پروین:

# حقوق بشر اسلامی برخاسته از فطرت است

دکتر خیرالله پروین، معاون دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و استاد درس مبانی حقوق بشر اسلامی در رشته حقوق بشر در دانشکده حقوق است. وی صاحب چندین عنوان مقاله و کتاب با موضوعاتی چون «حقوق بشر و تاثیر آن بر حاکمیت ملی دولت‌ها» و «جهانی شدن و تحولات بین‌المللی» است. دکتر پروین مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه تهران اخذ کرده و در مقطع دکترا در دانشگاه بیروت تحصیل کرده است.



افکار و اندیشه‌های رنگارنگ غربی بر آنها وارد می‌شود. در چنین شرایطی نباید منابعی را به دانشجو معرفی کنیم که به جای ایجاد جاذبه، موجب حس دافعه در او شود.

**دلایل بی میلی پژوهشگران دانشگاهی نسبت به تحقیق در زمینه حقوق بشر چیست و چرا دانشگاه در این قضیه پیشگام نمی‌شود؟**

گمان می‌کنم برخی از اساتید، متوجه اوضاع کنونی نیستند. گاهی در دانشگاه این بحث پیش می‌آید که ما باید در برابر پرسش‌های غرب در مورد حقوق بشر، پاسخ‌هایی را ارائه دهیم و یک نظام حقوق بشری اسلامی تدوین کنیم، اما برخی از دوستان اصلاً متوجه حساسیت این امر نشده‌اند و نسبت به تولید آثار در این زمینه بی تفاوت هستند؛ اگر این گونه عمل کنیم، ممکن است، باز صدای غربی‌ها بلند شود و این سکوت ما را ضعف تلقی کنند.

**نقاط اشتراک و افتراق حقوق بشر از دیدگاه اسلام و حقوق بشر غربی چیست؟**

به نقل از استاد محمدتقی جعفری بگویم که انسان‌ها آنقدر نقاط مشترک دارند که می‌توانند با تکیه به آن نقاط مشترک با یکدیگر گفت‌وگو کنند. ایشان می‌گفتند ما به عنوان مسلمانان با همه مردم دنیا مشترکات بسیاری داریم که این مشترکات، بسیار بیشتر از اندک نقاط افتراق، تفاوت یا تناقض است. ایشان به عنوان مثال به حق حیات اشاره می‌کردند که هم در حقوق بشر اسلامی وجود دارد و هم در حقوق بشر غربی، اما تفاوت‌ها بیشتر در مورد تأکید یا عدم تأکید بر امری است.

آثاری در زمینه حقوق بشر اسلامی دارند، اما این آثار به‌طور نظام‌مند به بحث حقوق بشر نپرداخته‌اند. در دانشگاه هم وضع به همین روال است؛ همان‌طور که ما در زمینه اسلامی کردن دانشگاه‌ها کاملاً موفق نبوده‌ایم در خصوص حقوق بشر اسلامی هم فعالیت و تولید اثر کمی داشته‌ایم به طوری که در زمینه حقوق بشر بیشتر منابعی که به دانشجویان معرفی می‌شود، غربی است. حتی برخی از اساتیدی هم که منابع داخلی را به دانشجو معرفی می‌کنند، این کار را با ظرافت انجام نمی‌دهند. ما باید توجه کنیم که دانشجویان در سنین حساس جوانی هستند و انواع

حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی نیستند. نکته دیگری که باید به آن توجه کنیم این است که غربی‌ها از سر ناچاری سراغ حقوق بشر رفتند. تاریخ غرب سیاه و دردناک است؛ هنوز چند دهه بیشتر از فاجعه جنگ دوم جهانی که حدود ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر در آن کشته شدند، نمی‌گذرد. غربی‌ها این افتضاحات و این جنایات را در کارنامه خود دارند و برای جلوگیری از چنین فجایعی یک نظام حقوق بشری انسانی را ایجاد کردند که البته از سوی همه مردم دنیا هم پذیرفته نیست؛ اما اسلام پیش از آن که این جنایات بشری رخ دهد، انسان را مخلوقی مکرم دانست و او را از جنایت منع کرد. در اندیشه اسلامی کشتن یک فرد به مثابه نابودی کل بشریت است و این نوع نگاه از سر فرار از جنایت و فساد شکل نگرفته است، بلکه امری است که اسلام به‌طور ذاتی به آن اعتقاد دارد.

**به نظر شما پژوهشگران ما تا چه اندازه در تولید آثار مکتوب در زمینه حقوق بشر اسلامی موفق بوده‌اند؟**

در جهان اسلام فعالیت‌هایی در زمینه تدوین و عرضه کتاب‌هایی درباره حقوق بشر صورت گرفته است، اما در کشور ما تعداد آثار در زمینه حقوق بشر اسلامی، بسیار محدود است. گرچه محققان بزرگی مانند آیت‌الله جوادی آملی یا استاد محمدتقی جعفری

موارد مشخصی در اندیشه اسلامی وجود دارد که نشان‌دهنده ظرفیت این اندیشه برای استخراج حقوق بشر اسلامی باشد، لطفاً در این مورد توضیح دهید؟

یکی از مواردی که در ذهن بسیاری از پژوهشگران و فعالان حوزه حقوق بشر مطرح است، همین پرسش است که آیا اساساً اسلام می‌تواند مکتب یا چارچوبی فکری باشد که به عنوان زمینه‌ای برای ایجاد حقوق بشر نگریسته شود؟ برای پاسخ به این پرسش باید توجه کنیم که پیش از آنکه هر مکتبی بخواهد درباره حقوق بشر صحبت کند و به این مسئله بپردازد، اسلام درباره حقوق بشر رهنمودهایی را ارائه کرده است. اسلام از همان بدو امر در قرآن، صراحتاً به کرامت بشر اشاره کرده و بنی آدم را تکریم کرده است و این اتفاق قبل از صحبت‌های مکتب‌های انسانی درباره کرامت انسانی رخ داده است. همین امر نشان می‌دهد که اسلام در زمینه حقوق بشر پیشگام بوده و در این باره سخن گفته است، اما متأسفانه برخی از فعالان حقوق بشر به جای بررسی دقیق و جز به جز حقوق انسان در اسلام با تکیه بر اندیشه‌های غربی، اسلام را فاقد یک نظام حقوق بشری توصیف می‌کنند. این افراد عموماً کلی‌گویی می‌کنند و حاضر به شنیدن استدلال‌های علمای مسلمان درباره وجود افتراق

دکتر محمد شفیعی فر:

## حقوق بشر اسلامی، انسانی‌تر است

دکتر محمد شفیعی فر، صاحب ده‌ها مقاله در زمینه حقوق و علوم سیاسی است. او در این مقالات و نوشته‌ها تلاش کرده جایگاه سیاسی و بعضاً حقوقی ارکان جمهوری اسلامی مانند «ولایت فقیه» را تبیین کند. دکتر شفیعی فر در برخی از نوشته‌های خود، فرآیند انتخابات در نظام جمهوری اسلامی را به لحاظ سیاسی بررسی کرده است. وی همچنین از استادان شاخص دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است. در گفت‌وگوی پیش رو با این استاد دانشگاه ضمن آنکه به جایگاه حقوق بشر اسلامی در دانشگاه پرداختیم، تلاش کردیم که اهمیت سیاسی تدوین حقوق بشر اسلامی را در قالب آثار مکتوب نیز بررسی کنیم.

عبدالعلی شبستری

اسلامی، حقوق فطری انسان‌ها وجود دارد و در یک نظام دینی، این حقوق رعایت می‌شود؛ از این نظر وضعیت ما از غربی‌ها هم بهتر است. اما آنها بحثی کاملاً سیاسی دارند و اتفاقاً چون نمی‌توانند بحث‌شان را از منظرهای حقوقی پیش ببرند، وارد حوزه‌های سیاسی می‌شوند. اما در مورد تدوین حقوق بشر اسلامی باید بگویم که «کمسیون حقوق بشر اسلامی» سال‌هاست که در پی تدوین یک نظام حقوق بشر بر مبنای اندیشه‌های اسلامی است. این کمیسیون حتی برنامه‌هایی دارد که به‌صورت غیردولتی دنبال می‌شود. من امیدوارم تلاش‌های این کمیسیون به تدوین آثاری مکتوب و معتبر در زمینه حقوق بشر اسلامی منجر شود که این آثار بتوانند، پایه و نقطه مشروعی برای تدریس دانشگاهی حقوق بشر اسلامی باشند.

**چه ظرفیت‌هایی در نظام حقوق اسلامی وجود دارد که آن را برای تدوین یک نظام حقوق بشر قابل اتکا می‌کند؟**

اسلامی به صورت کلاسیک در دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شود.

تدوین کتاب‌های حقوق بشر اسلامی نمی‌تواند گامی برای ورود جدی این سرفصل در دانشگاه‌ها باشد؛ به ویژه در شرایطی که غربی‌ها گام حکومت‌ها و نظام‌های اسلامی را به عدم رعایت یاد در نظر نداشتن حقوق بشر متهم کنند و ما با تدوین کتب حقوق بشر اسلامی، می‌توانیم دانشگاه را برای پاسخگویی به این شبهات قادر تمند کنیم.

البته آنچه که به عنوان اتهام در مورد حقوق بشر، از سوی کشورهای غربی مطرح می‌شود، کاملاً سیاسی است و اصلاً جنبه حقوقی ندارد. آنها تلاش می‌کنند که اندیشه‌ها و سیستم فکری و روش خود را به ما تحمیل کنند تا بتوانند نظام اسلامی را خدشه‌دار سازند. برخی از رسانه‌های غربی ما را دشمن خودشان می‌دانند، ضد ما هستند و حقوق بشر را به عنوان یک حربه تبلیغاتی علم می‌کنند؛ در حالی که در اندیشه

**حقوق بشر متداول امروز، چه تفاوت‌هایی با حقوق بشر اسلامی دارد؟**

حقوق بشر به عنوان لفظی خاص که امروزه در رسانه‌های غربی به کار می‌رود به نظام حقوقی‌ای دلالت دارد که ریشه‌های فکری‌اش پس از انقلاب فرانسه تشکیل و در قرن بیستم پس از جنگ جهانی دوم در نهادهای بین‌المللی تدوین شد. اما ما سال‌ها پیش از این اتفاقات و رخداد‌های سیاسی مدرن، یک نظام حقوقی انسانی در اسلام داشته‌ایم. بنابراین اندیشه‌های دینی ما، هر انسانی، به مجرد انسان بودن، دارای حقوقی فطری است. در این نگاه، انسان به خاطر این که مخلوق خداست دارای حقوق الهی است که این حقوق باید از سوی همگان محترم شمرده شود. اسلام، سال‌ها پیش از تلاش‌های غربی‌ها در قرن بیستم، این حقوق اساسی و بشری را طرح و همگان را دعوت کرده که این حقوق را رعایت کنند. حقوق بشر اسلامی در بسیاری از ابعاد با حقوق بشر غربی اشتراکاتی دارد؛ اما از آنجا که ریشه‌های حقوق بشر اسلامی الهی است و از بستر فرهنگ دینی استخراج شده طبیعی است که در برخی از موارد شاهد تفاوت‌هایی نیز در این دو نظام حقوقی باشیم.

**آیا تاکنون تلاشی برای تدوین حقوق بشر اسلامی در دانشگاه و معرفی جنبه‌های سیاسی و حقوقی آن به دانشجویان صورت گرفته است؟**

متأسفانه در عنوان درسی دانشگاه‌ها - در رشته‌های حقوق و علوم سیاسی و در مقاطع پایه - به صورت خاص به حقوق بشر اسلامی پرداخته نمی‌شود. البته به صورت جسته‌گریخته مطالبی وجود دارد و در برخی از دروس به دانشجویان آموزش داده می‌شود اما به‌طور مشخص، درسی به حقوق بشر اسلامی اختصاص داده نشده است. مقصود این که حقوق بشر

اسلام دینی کامل، جامع و مانع است و ما بر مبنای ایمان دینی مان اعتقاد داریم که هر آنچه برای حیات و زندگی آدمی لازم است در اندیشه اسلامی وجود دارد، اگر ما تاکنون همت نکرده‌ایم و یک نظام حقوق بشری از اندیشه‌های اسلامی استخراج نکرده‌ایم، نمی‌توانیم ضعف خود را به اسلام نسبت دهیم. مسأله حقوق فطری که به آن اشاره کردم، خود می‌تواند نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالقوه اندیشه اسلامی برای ایجاد یک نظام حقوق بشر اسلامی باشد. مطالعه تاریخ اسلام نیز در این زمینه بسیار مفید است. به عنوان مثال در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر می‌خوانیم که مردم یا برادر تو هستند (به خاطر هم‌کیشی) یا در خلقت مانند تو هستند (به خاطر انسان بودن) به همین دلیل دارای حقوقی‌اند که باید از جانب حاکم اسلامی محترم شمرده و رعایت شود. نامه امام اول شیعیان به مالک اشتر، ۱۴ قرن پیش نوشته شده است و این نشان‌دهنده توجه عمیق به انسان در اندیشه اسلامی است. اساساً اسلام با هدف آزادی مردم از عبودیت‌های پوچ و مادی پای به عرصه نهاد.

**نقش دانشگاه‌ها را در تدوین حقوق بشر اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در روزگار ما، دانشگاه مهم‌ترین جایگاه تولید علم است و به نظر من باید حتماً در تدوین حقوق بشر اسلامی از ظرفیت دانشگاه بهره گرفته شود. حقوق بشر اسلامی اگرچه پایه‌های فقهی و دینی دارد، اما باید در گفتمانی امروزی و با رعایت اصول حقوقی روز بیان شود و این ظرفیتی است که در دانشگاه وجود دارد؛ به این ترتیب در این زمینه، دانشگاه باید پیشقدم شود و با استفاده از اصول فقهی و دینی یک گفتمان امروزی و قابل فهم برای همه حقوق‌دانان، با هدف حقوق بشر اسلامی، ایجاد کند.



گفت و گویا مؤلف کتاب «آب در فلات ایران»

# یک کتاب و پدیده های شگرف معماری ایران

آیا کتابی با موضوع کتاب شما در ایران منتشر شده است یا برای نخستین بار است که چنین اثری منتشر می شود؟

درباره بسیاری از پدیده های مهندسی و معماری مثل آب انبار، یخچال، بادگیر، سد و بند خارجی هایی که به ایران سفر کردند و باستان شناس، سفیر یا معیار بودند، کتاب نوشته اند و ما در این حوزه بسیار ضعیف هستیم. ما برای مطالعه درباره این پدیده ها، با مراجعه به سفرنامه های خارجی از تاریخچه آنها مطلع می شویم. درباره آب انبار و یخچال هم برای اولین بار است که در ایران کتاب تالیف می شود و شاید خیلی ها حتی از وجود آن مطلع نباشند؛ چرا که نبود اطلاع رسانی به موقع سبب شده تا بسیاری دانشجویان و متخصصان از کتاب های علمی جدید تالیف یا ترجمه شده بی خبر باشند.

مخاطبان کتاب شما قشر دانشگاهی اند یا عموم مردم را دربرمی گیرد؟

جنبه مهندسی کتاب کمتر است و دانشجویان رشته معماری و انرژی در دانشگاه ها می توانند آن را مطالعه کنند. همین طور توریست های داخلی و خارجی که می خواهند مناطق باستانی و تاریخی را بازدید کنند این کتاب به آنها نگرش تاریخی-فرهنگی می دهد. به طور کلی می توان گفت کتاب مورد نظر برای عموم مردم مطلب دارد و به آنها دیدگاه مناسبی درباره قنات، آب انبار و یخچال القا می کند.



معماری دسترسی یافتند. آنها با کمک قنات و آب انبارها پاسخگوی مشکل کم آبی شدند که با پیشرفت معماری شکل و شمایل آنها تغییر یافت. خارجی ها با الگو گرفتن از بادگیرها و آب انبارها و با کمک تکنولوژی های جدید، شکلی زیباتر به این پدیده های شگرف معماری دادند و از آنها بهره گرفتند. امروزه همین کولرهای آبی و آب سردکن ها حاصل الگو برداری غربی ها از تمدن و پیشینه ما ایرانی ها است که آنها را به کشور ما صادر می کنند.

توریستی دارند. سطح بسیاری از آب های زیرزمینی در مناطق مختلف ایران آنچنان پایین رفته است که به نظر می رسد نمی توان از قنات و آب انبار بهره گرفت. چگونه با وجود چنین مشکلاتی می توان آب مصرفی منازل و کشاورزان را تامین کرد؟

پایین رفتن سطح آب های زیرزمینی مشکلی است که خودمان ایجاد کرده ایم. در مناطق مختلف با حفر بی رویه چاه های بدون اصول مهندسی علاوه بر پایین بردن سطح آب های زیرزمینی، سبب نشست زمین نیز شده ایم. مشکلی که در دشت اردکان به وضوح دیده می شود، در حالی که با استفاده صحیح از آب های زیرزمینی می توان در تمام فصول سال به آب قنات دسترسی داشت. آب قنات ها را باید در پاییز و زمستان که در کشاورزی کمتر استفاده می شوند ذخیره کنیم تا در فصل های گرم سال، آب کافی در اختیار داشته باشیم. به جرأت می توانم بگویم با استفاده صحیح، بخش اعظمی از آب مصرفی جامعه کنونی ما از قنات تامین خواهد شد. بدون آن که با مشکل کم آبی مواجه شویم. همین طور اگر آب انبارها را از لحاظ بهداشتی تصحیح کنیم می توان از آب ذخیره شده آنها برای مواقع بحرانی مثل وقوع زلزله یا آتش سوزی استفاده کرد.

با تکنولوژی های جدیدی که در ساخت و ساز به وجود آمده مثل آسفالت کردن خیابان ها و ساختن آسمانخراش ها در شهرهای بزرگ، چگونه می توان از قنات بهره گرفت؟

باید آب قنات را از مناطق کوهپایه ای به مناطق دشتی انتقال داد که این انتقال بسیار مهم است. اگر نقل و انتقال آب قنات به شهرهای بزرگ صحیح انجام شود مشکل کم آبی نداریم، در غیر این صورت معضلات عدیده ای به وجود خواهد آمد. از جمله انتقال غلط آب قنات را میان شهرهای اصفهان و یزد شاهدیم. آمده ایم آب قنات زارچ را با حفر کیلومترها تونل زیرزمینی از کوهپایه ها به مناطق کویری و گرم و خشک یزد انتقال داده ایم. یا آب را از کوهرنگ به استان یزد آورده ایم که سبب اختلافات فرهنگی-اجتماعی میان یزدی ها و اصفهانی ها شده است. در حالی که بسیاری قنات در همان یزد وجود دارد که آب مصرفی این استان را تامین خواهد کرد.

آیا قنات، آب انبار و یخچال حاصل معماری وارداتی به ایران است یا ریشه در تمدن ما دارند؟

تمام این سیستم ها برگرفته از تمدن ما ایرانی هاست که به جاهای دیگر گسترش یافته است. ذخیره آب مناطق کویری مثل ایران است که ایرانی ها برای تامین آب مصرفی مورد نیازشان به این روش های نوین در

آب یکی از مهم ترین عناصر موجود در طبیعت است که زندگی بشر بدون آن مختل می شود. بشر از دوره های نخستین حیاتش با توجه ویژه به این عنصر حیاتی به راه های مختلف دسترسی به آب اندیشیده

است. اما آب در سرزمین های گرم و خشک مثل ایران از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است که ساکنان این نوع اقلیم ها سعی داشته اند به راه های مقابله با کم آبی بپندیشند. به کارگیری شیوه های مختلف مهار کمبود آب، منجر به آفرینش شاهکارهایی در علوم مهندسی مثل ساخت قنات، آب انبار و یخچال شده است. کتاب «آب در فلات ایران، قنات، آب انبار و یخچال» به تازگی چاپ شده است که به این سه پدیده مهندسی می پردازد. برای شناخت بیشتر محتوای کتاب با مهندس علیرضا دهقانی مؤلف این اثر که کارشناس ارشد مهندسی مکانیک و مدیرعامل شرکت مهندسی پاک آب نما است گفت و گویی انجام داده ایم.

چگونه قنات، آب انبار و یخچال در طبیعت ایجاد شدند و هر یک چه کاربردی دارند؟

در گذشته، معماران در مناطق کوهپایه ای با تبحر بسیار چاهی حفر می کردند که به آن چاه مادر می گفتند. پس از دسترسی به آب زیرزمینی، تونل زیرزمینی حفر می شد تا به سطح زمین یا مظهر قنات برسند. در پایان در طول مسیر تونل، میله های عمودی مختلف حفر می شدند که وجود این میله ها دلایل مختلفی داشت. یکی از این دلایل خارج کردن گل و لای از مسیر آب و دیگری تامین اکسیژن لازم برای آب و در پایان دسترسی آسان به قنات بود. با این خصوصیتی که ذکر کردیم به نظر قنات از شاهکارهای مهندسی و معماری است که ایرانی ها خلق کردند. از طریق قنات، آب رودخانه، چشمه و دیگر آب های جاری، آب استحصال می شد که نیاز به ذخیره سازی داشت. برای ذخیره آب از سیستم آب انبار استفاده می شد. آب انبارها به ویژه در مناطق کویری کاربرد فراوان داشتند که در فصل زمستان یا بهار که میزان بارش فراوان است، از آب ذخیره می شدند. آب در دل آب انبار با شیوه های مکانیکی مختلف خنک می ماند.

به نظر می رسد این سازه ها با قدمتی که دارند، جنبه تاریخی یافته اند و در معماری امروز جایگاهی ندارند؟

اگرچه به علت پیشرفت تکنولوژی این پدیده های شگفت مهندسی فراموش می شوند اما در بسیاری مناطق ایران همچنان کاربرد دارند. به عنوان نمونه هنوز آب آشامیدنی ساکنان بسیاری از شهرستان ها و روستاها مثل روستای سانج یزد از قنات تامین می شود. در اکثر نقاط ایران حتی خود تهران هم قنات وجود دارد که البته به دلیل ورود فاضلاب به آنها قابل استفاده نیستند. آب انبارها هم هنوز در بسیاری مناطق کشورمان مثل هرمزگان، لارستان و طبس وجود دارند که البته نسبت به قنات کارایی کمتری یافته است. این آب انبارها به خصوص در مناطق جنوبی ایران به نام افراد سازنده یا وقف کننده شان معروفند مثل آب انبار بی بی سکنیه در قشم. این افراد که فرزندی نداشتند، آب انبارها را ساخته و به عنوان باقیات الصالحات برای عموم مردم باقی گذاشتند. اما یخچال ها غریب ترین عنصر معماری قدیم هستند که در بسیاری از نقاط ایران کاملاً از بین رفته اند. با این حال بعضی بخش ها مثل کرمان، ابرکوه و میبد یخچال ها را بازسازی کرده اند که فقط جنبه

خانه کتاب

فراخوان

یست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

یست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۸۸ برگزار می شود. بر این اساس دبیرخانه «کتاب سال» از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، محققان و نشران دعوت می کند، آثار خود را برای شرکت در مسابقه کتاب سال ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه ارسال کنند.

**اهداف کتاب سال:**

– ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی

– حمایت و ترویج مؤلفان، مترجمان و محققان و نشران متعهد کشور

**شرایط شرکت در کتاب سال:**

– آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده باشند.

– کتاب های درسی و کمک درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطين جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-.

دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۳۹ | دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸  
www.kitabsal.ir



انسان، مهر و درمان در گفت و گو با نویسنده کتاب «مهر درمانی»

# هیچ کس با فرشته لج نمی کند

یکی از مشکلات کنونی همه جوامع در دنیای امروز، کم رنگ شدن روابط حتی در میان اعضای خانواده هاست. شاید صنعتی شدن و گسترش وسایل ارتباطی، کاهش ارتباطات مستقیم و همچنین اشتغالات ذهنی گوناگون هر یک از اعضای جامعه، برخی از دلایل این کم مهری ها باشند.

به واقع، در حالی که در بسیاری از مواقع حتی نگاهی محبت آمیز می تواند نشانه ای از حمایت و دلگرمی را در انسان ها ایجاد کند، چرا از کمترین توجهات خودداری می کنیم؟

فاطمه طوسی، نویسنده کتاب «مهر درمانی» و مشاور حوزه روان شناسی که فعالیت ها و پژوهش های متعددی در این زمینه انجام داده، در این باره می گوید: «مهرورزی بی دریغ، از کمبودهای دنیای کنونی و حل کننده تمامی مشکلات بشری است. هر چه چالش ها عمیق تر باشند، پر پرواز گسترده تر است. در پیمودن این راه باید به خودشناسی و خداشناسی رسید.»

او درباره کتابش معتقد است: «من در کتابی کوچک و صفحاتی محدود، می خواستم معانی ژرفی را یادآور شوم که پیامبران ادیان گوناگون بارها آن را در پیام آسمانی خود تکرار کرده اند؛ پیامی که می تواند مشکلات تمامی مردم دنیا را برطرف و قلب ها را به یکدیگر نزدیک کند.»

وی با اشاره به برخی از تکنیک های مهر درمانگری که در کتاب خود آورده است، می گوید: «در مواجهه با مشکلات و ناهنجاری ها، در برخی موارد شرایط باید همراه باشد اما کسی که شرایط را می سازد؛ آن فرد خود ماهستیم. باید زمان را نیز در نظر داشت، زیرا زمان یکی از پایه های اصلی هر رویدادی است که تا فراهم نشود، حتی با مساعد بودن دیگر شرایط، امکان تغییر آنها وجود نخواهد داشت.»

آموزگار روش مهر درمانگری با بیان این که «وقتی انسان از قلبش چیزی را بخواهد، این خواستن کمک می کند هر چه سریع تر به آرزویش برسد» معتقد است: «وقتی مرتباً برای تحقق یک هدف و رسیدن به آن هدف تلاش می کنیم، در واقع از طریق قانون جذب و کائنات برای کمک به انجام آن یاری می خواهیم و انرژی های مثبتی را برای تحقق آن امر می فرستیم. همان گونه که در بسیاری از کتاب های علمی آمده است - علاوه بر خواست و مدد الهی - از طریق قانون جذب نیز به تسریع امور کمک می کنیم.»

سخنان این نویسنده و مشاور خانواده، انسان را به یاد کتاب «راز» اثر «راندا برن» می اندازد؛ کتابی که علاوه بر فروش بسیار فراوان در سراسر جهان، بر پرده تلویزیون نیز جان گرفته است.

طوسی می گوید: «به دنبال نگاهی کلی نسبت به موقعیتی که در آن قرار داریم و پس از بازگشت به عقب، مشاهده می کنیم در گذشته ای نه چندان دور، قرار داشتن در جایگاه امروزی را آرزو داشتیم و اکنون در جایگاهی قرار گرفته ایم که روزی رسیدن به آن در رویای ما جا داشت. این همان قانون جذب است، یعنی بدون این که بدانیم، با تفکر به آن و تلاش در راه رسیدن به آن، به بسیاری از آرزوهایمان رسیده ایم. در این موارد از ناخودآگاهمان کمک گرفته ایم و در رسیدن به آن هدف بی اطلاع بودیم.» وی با یادآوری این موضوع که «در پدیده حیات هیچ عنصری را ساده تر و شفاف تر از آب نداریم، اما همین آب به ظاهر ساده، مهلک ترین بیماری ها را شفا می دهد» تصریح می کند: «انسان از «آب و

مهر» به وجود آمده است و اگر به این دو عنصر خوب توجه و در مکانیسم حیاتش از آنها استفاده کند، به هر چه و هر جا که بخواهد، می رسد. باید مهرورزی را در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مان نهادینه کنیم و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نورزیم.»

مریی تکنیک های مهر درمانگری با اشاره به محتوای اثر خود اظهار می کند: «در هر زمینه ای، حتی در محیط های کاری، اگر عنصر «مهر» را حذف کنیم، بر آورد کار به شدت تقلیل پیدا می کند و بازتاب تمامی ارتعاشات آن به ما بازمی گردد. در محیطی که عشق و مهر حاکم اند، انسانیت و معرفت جریان خواهند داشت و به تمامی انسان ها کمک خواهند کرد تا در کنار یکدیگر، به بزرگ ترین آمال

انسانی دست یابند. در جوامع کنونی که بیشترین توجهات افراد بر منافع شخصی و زودگذر است، ممکن است مهرورزی و داشتن روی گشاده، تلقی های دیگری را در اذهان ایجاد کند یا موجب سوءاستفاده از این اخلاق شود و ارائه و عنوان کردن چنین طرح هایی نیازمند بومی و اسلامی کردن است تا باعث ایجاد تنش در جامعه نشود.»

نویسنده کتاب درباره این موضوع اظهار داشت: «در این

تکنیک، بحثی با عنوان «نفوذ در دل ها» وجود دارد. با توجه به این که انسان از احساس و عشق آفریده شده و به برخی موضوعات بهترین عکس العمل ها را نشان می دهد، باید بررسی شود که واکنش او نسبت به محرک های خارجی در چه موقعیتی می تواند بهترین و مناسب ترین باشد. هر انسانی باید خودش را معلم مهر بداند. وقتی ما انتظار و برداشتمان این باشد که در صورت مهربانی و مهرورزی اطرافیان و اقشار جامعه سوءبرداشت یا سوءاستفاده می کنند، به یقین این اتفاق خواهد افتاد چون پیش از این اتفاق با ایجاد زمینه هایی در خودمان، مقدمات این فرایند را فراهم کرده ایم.»

موضوعی که ضرورت دارد در مقوله مهرورزی مورد توجه قرار گیرد، موقعیت و ساختار فرهنگی اجتماعی یک جامعه و افراد حاضر در آن است؛ مقوله ای که در مباحث جامعه شناسی، هنگام تشریح کنش ها و واکنش ها به آن توجه زیادی می شود.

نویسنده کتاب «حماسه بنی باز» یادآوری می کند: «همه چیز در روح اتفاق می افتد و این موضوع ثابت شده است. اگر شما در محیط های گوناگون، خود را یک معلم مهر بدانید، تمام عکس العمل هایی که به لحاظ زبان، عملکرد، احساس و... از شما سر

**اعمال و رفتار هر انسانی باید به خودش ثابت کند**

**که یک فرشته است.**

**هیچ کس با فرشته**

**لج نمی کند، او را نمی آزارد**

**و مانع تحقق**

**اهداف او نمی شود**

می زند، شما را معلم مهر معرفی می کند و دیگران به شما به چشم دیگری نگاه نخواهند کرد و می گویند که او دارد به ما درس مهر می دهد، لبخند او ناشی از مسائل نفسانی نیست، بلکه ریشه در مسائل ماورایی دارد. این دیدگاه و مطابق با آن برخورد کردن، باعث می شود افراد جامعه نسبت به شما برداشت متفاوتی داشته باشند و در رفتارهای خود نیز این موضوع را انعکاس دهند.»

وی در پاسخ به این سوال که «شما مهرورزی را در زندگی فردی و اجتماعی چگونه می بینید؟» عنوان می کند: «در زندگی فردی، ارتباطات میان به اصطلاح «هم خون ها» برقرار است. وقتی هر انسانی خود را به خوبی شناخت و روی خودسازی خود به خوبی کار کرد و فهمید که یک معلم، مهر درمانگر

و یک مهر درمان است، اول روی افراد خانواده خودش فعالیت می کند و این انتظار را ندارد که اگر مهربانی ارائه می کند، باید مهربانی ببیند بلکه محبت را وظیفه خود می داند. اگر در این کار پدیده های طبیعی نظیر خورشید و ابر را مصداق قرار دهیم، درمی یابیم که آنها آمده اند تا تنها وظیفه شان را انجام دهند. فقط انسان است که در قبال وظیفه ای که انجام می دهد، انتظار دریافت چیزی را دارد. هر جا شما مهربانی کردید و

رفتید، حتی چندین سال بعد یا از طریق شخص یا نظام هستی نتایج خوبی ها و اعمال ما به ما بازمی گردند چون در کائنات ضبط شده اند؛ همان گونه که در دین اسلام نیز به آن اشاره شده و به فرشتگانی تمثیل شده اند که بر دوش همه انسان ها قرار دارند و همه چیز را می نویسند.»

آموزگار مهر درمانی با بیان این که جمله «وقتی مهر را می بخشی و می گذاری، یعنی بخشنده هستی، پس زمینی نبخش، آسمانی باش» اظهار داشت: «در این شرایط نیروهایی به کمک ما می آیند و احساس می کنیم تمامی مسائل و کارها به راحتی انجام می شوند، گویی دستان زیادی برای کمک به سوی انسان نشانه می روند که پیش از این، او از آنها غافل بوده است.»

برای رسیدن به چنین موقعیتی، لازم است انسان مدتی روی خودش کار کند و پس از این که مهر را در وجود خود تثبیت کرد (خودشناسی و خودسازی) سپس مهر درمانی را نخست در زمینه مسائل فردی و در ارتباط با اعضای خانواده خود شروع کند و آنگاه آن را به محیط اجتماع تسری بخشد.

طوسی با اشاره به خلقت بشر که وجودش از ذرات نور الهی شکل می گیرد، آدمی را ساخته مهر می خواند و اظهار می دارد: «اعمال و رفتار هر انسانی باید به خودش ثابت کند که یک فرشته است. هیچ کس با فرشته لج نمی کند، او را نمی آزارد و مانع تحقق اهداف او نمی شود. در این صورت، هر فردی در زندگی فردی و اجتماعی و کمک به دیگران موفق خواهد بود.»

وی در برابر این نظر که «همواره عده ای از انسان ها در جامعه در صدد آزار دیگران یا دستیابی به اهداف خود به هر قیمتی اند» معتقد است: «برخی از انسان ها ذاتاً بیمارند و مشکلاتی دارند که در برخورد با آنها باید از شیوه های گوناگونی بهره جست. اگر انسان در خودش نیروی مهرورزی را بالا بدارد و آن را باور داشته باشد، روی دیگران هم



تاثیر خواهد گذاشت.» نویسنده حوزه روان شناسی با تاکید بر لزوم استفاده از روش های مهر درمانی حتی برای بیماران روانی نظیر اسکیزوفرنی و شیذوفرنی، در کنار دارو درمانی، بیان می کند: «دارو به تنهایی حکم مسکن را دارد و با مهر درمانی و آماده سازی شرایط و مددجو، می توان زمینه های بازگشت انواع بیماران و افراد ناهنجار را به جامعه نیز فراهم کرد. وقتی آنها مهر ببینند، مهر می ورنند و به دیگران محبت می کنند.»

فاطمه طوسی مدعی است نخستین فردی در ایران به حساب می آید که مهر درمانی را شروع کرده و می گوید: «این کار صبوری زیادی می خواهد اما اگر به آرامی و به تدریج ادامه یابد، نتیجه خواهد داد. این موضوع تنها به مسائل مادی محدود نمی شود بلکه بیشتر پایه و اساس اخلاقی دارد. استفاده از کلمات محبت آمیز از طریق زبان و لبخند زدن هزینه ای ندارد، اما تأثیراتی را بر جای خواهد گذاشت و تغییراتی را ایجاد می کند که شاید با صرف هزینه های زیاد نیز نتوان به آن مرحله رسید.» طوسی، مهر درمانگری را یکی از روش های مشاوره احساسی می داند که در آن مهر درمانگر از طریق احساس و با مهربانی در آرامش روی دیگران تاثیر می گذارد. او معتقد است انسان نسبت به مهرورزی هیچ محدودیتی ندارد. مهر را باید مثل یک ابزار سرازیر کرد.

مشاور مسائل اجتماعی در پاسخ به این سوال که «در مواجهه با افرادی که سراسر وجودشان را تفرقه گرفته، بهترین برخورد را در چه می دانید؟ و آیا برای این افراد هم می توان از روش مهر درمانی استفاده کرد؟» می گوید: «مهر درمانی راه حل همه مشکلات است و نباید این روش را محدود کرد. باید در دل سنگ نفوذ کرد. کتاب «مهر درمانی» با وجود سادگی و حجم اندک و این که شاید در نگاه نخست بیانگر چند فرمول مهر درمانی باشد، ولی باید گفت سخت تر از این کار در جامعه امروزی وجود ندارد. انسان یا باید مثل همه باشد، یا غیر از همه. اگر غیر از همه باشد، علاوه بر اعمال و کارهایش، افکارش نیز باید جدای از همه باشد. مثل همه بودن خیلی ساده است، اما جدای از آنها و اسوه شدن، خیلی مشکل است.

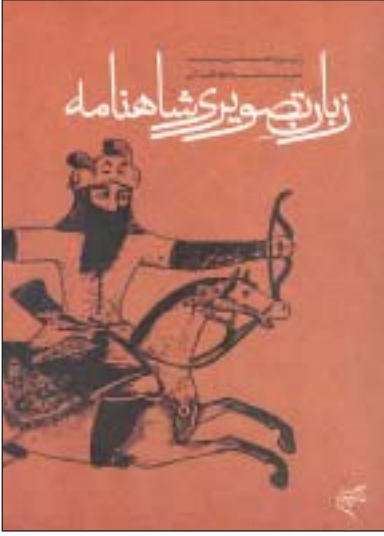
جامعه جهانی به دست اشخاصی می تواند به آرمان های انسانی برسد که غیر از همه فکر کنند. بزرگان جامعه ما در مبحث فلسفه، اخلاق، علم، عرفان و... غیر از همه فکر می کردند، حتی شاید در نظر برخی از مردم عادی حتی غیر طبیعی هم بوده اند، زیرا مردم عادی قدرت و ظرفیت شناخت و درک آنها را نداشتند به همین دلیل تنها یک برجسب بر آنها می زنند.»

طوسی به عنوان سخن آخر خود اظهار می دارد: «یک مهر درمانگر حتی با وجود مصائب فراوان نباید خسته شود. چون خودش می داند غیر از همه است. حتی اگر کسی با شما بدترین و سخت ترین رفتارها را انجام دهد، باید آموزگار مهرش باشید. لبخند بزنید. باید بذر مهر را پاشید و رد شد. انسان هایی که به یاد شما هستند و ظرفیتش را دارند، می فهمند که شما چقدر متفاوتید.»

چاپ دوم کتاب «مهر درمانی» از سوی انتشارات رسپینا در شمارگان ۱۰۰۰۰ نسخه، ۴۰ صفحه، قطع جیبی کوچک و بهای ۹۰۰۰ ریال روانه بازار نشر شده است.

نگاهی به «زبان تصویری شاهنامه»

# شاهنامه در پهنه نگاره‌ها



یازدهم تا هفدهم (عصر گورکانیان هند) در هندوستان و فراز و نشیب‌هایی که این نسخه را طی چندین قرن دستخوش تغییر کرده است از دیگر موضوعات مقالات این همایش است که در کتاب آمده. همچنین نکاتی درباره سطرانقطاع و کارکرد آن و ابهام بصری، همچون قرار دادن سیمرغ در کنار متن «چنین گفت سیمرغ» به گونه‌ای که اشعار فردوسی تبدیل به نوعی عنوان تصویر یا سخن محصور در کادر می‌شود، در این مجموعه بررسی شده‌اند.

رواج یکباره شاهنامه نگاری به عنوان واکنشی دیر هنگام به تهاجم مغولان و در جهت احیای فرهنگ ایرانی و همچنین اسلام آوردن غازان خان به عنوان سرآغاز شکوفایی مجدد فرهنگ ایرانی و پایبندی مغولان به این فرهنگ نیز در مقالات این مجموعه با عناوینی چون «بندر طاهری - پایگاه متاخر شاهنامه»، «شاهنامه گورکیان - کراوس - خلیلی»، «بازنویسی سرگذشت شاهنامه بزرگ ایلخانی»، «شاهنامه بزرگ ایلخانی در دوره قاجار»، «فردوسی و دیگران: گلچینی تیموری از رزم نامه‌ها»، «شاهنامه مصور ۷۳۳ هجری سن پترزبورگ و مکتب نقاشی اینجو» بررسی شده‌اند. «بازتاب‌های پریده رنگ از شکوه گذشته»، «شاهنامه در مقام متن و شاهنامه در مقام تصویر»، «شخصیت‌هایی خارج از متن: تاس موزه ویکتوریا و آلبرت»، «نقش زربفت بهرام گور»، «چشم اندازهای جدید در تصویرنگاری شاهنامه» و «گواه صفحه‌آرایی شبکه‌ای در نسخه‌های خطی ایران» عناوین دیگر مقالات این مجموعه است.

تلاش برای ادراک موشکافانه از گفت و گوی پیچیده زیبایی‌شناسانه بین شاعر و نقاش در جای جای این مجموعه قابل لمس است؛ از جمله رویکرد هیلن برنند (یکی از مقاله‌نویسان و گردآورنده این کتاب) به «شاهنامه شاهی» که نشان دهنده فاصله‌ای روش‌شناختی از تحلیل صوری به سوی تفسیر معنا است، به ویژه آنجا که به پیوند میان متن و تصویر ربط می‌یابد و همچنین تحقیقات وی درباره شاهنامه طهماسبی، تصاویر منحصربه‌فرد این نسخه را در برمی‌گیرد. یعنی تصاویری که در هیچ یک از دیگر نسخه‌های شاهنامه نبوده و گویا اختصاصاً برای همین نسخه فراهم شده‌اند.

محور اصلی «طرح شاهنامه» به تاثیر متقابل متن شاهنامه بر تصویری که از آن تصور می‌شود و همچنین تاثیر تصویر بر مخاطب اختصاص دارد که این رویکرد با تحقیقاتی که پیش از این، فرسنگ‌ها دورتر از ایران (زادگاه شاهنامه) بر شاهنامه صورت گرفته تفاوت دارد. مقالات این کتاب به نحو موثری، تحلیل‌ها و تفسیرهای ممکن از زاویه تاریخ هنر نسبت به شاهنامه و همچنین تصویرنگاری آن را مشخص می‌کند؛ آن هم در طیف وسیع واسطه‌هایی که به مضامین این اثر حماسی می‌پردازند.

به طور کلی نویسندگان مقالات «زبان تصویری شاهنامه» در این مجموعه به این مساله معترفند که برای دریافتن اسرار نسخه‌های خطی ایرانی از جمله شاهنامه، باید آنها را با دقت و ظرافتی بررسی کنند که در تاریخ تحقیقات غربی و در حوزه کتاب‌های مصور ایرانی به ندرت دیده می‌شود. این محققان با در نظر داشتن شواهدی مانند «شاهنامه بزرگ ایلخانی» و رزم‌نامه‌ها، بیش از پیشینان، به زندگی بازپسین این کتاب‌ها به مثابه بنایی عظیم توجه دارند. در مقالات مهمی از «زبان تصویری شاهنامه»، تصویری از شاهنامه فردوسی، مجزا از متن بررسی شده‌اند که بعضی از این نقاشی‌ها دارای شرح‌هایی کوتاه برای معرفی شخصیت‌های تصویر شده هستند؛ شخصیت‌هایی که با انتقال شفاهی حکایات شاهنامه، خارج از متن این حماسه برای مردم آشنا بوده و به این واسطه به جهانی از اسطوره و افسانه وارد شده‌اند.

به عنوان مثال نقوش شاهنامه‌ای، چنان که در تاس موزه ویکتوریا و آلبرت می‌بینیم، به آسانی در قالب

## کوتاه درباره کتاب

کتاب «زبان تصویری شاهنامه» در بهار ۸۸ به مناسبت همایش شاهنامه نگاری به کوشش رابرت هیلن برنند و با ترجمه داوود طبیبی عقدایی منتشر شد. خاستگاه این کتاب، «طرح شاهنامه» است که با سرپرستی مشترک چارلز ملویل و رابرت هیلن برنند در دانشگاه‌های کمبریج و ادینبورگ در دست اجراست. همایش زبان تصویری شاهنامه در سال ۲۰۰۱ در ادینبورگ برگزار شده است که بخشی از یک طرح پنج ساله تحقیقاتی درباره شاهنامه است. این طرح با مدیریت مشترک پرفسور رابرت هیلن برنند، استاد هنر اسلامی دانشگاه ادینبورگ و چارلز ملویل استاد زبان فارسی دانشگاه کمبریج آغاز شده است. پروژه شاهنامه برای نخستین بار تمامی نسخه‌های خطی مصور شاهنامه را به صورت دیجیتال فهرست کرده است و منبعی ارزشمند برای محققان این موضوع است. هر کدام از ۱۲ فصل این کتاب در واقع مقاله‌ای به قلم یکی از اعضای شورای تحقیقات هنری و علوم انسانی و طرح تحقیقاتی شاهنامه است. این کتاب با طراحی جلد محمدرضا عبدالعلی و ویرایش ولی‌الله کاووسی در ۳۵۲ صفحه در قطع وزیری به صورت مصور و نیمه‌رنگی تنظیم شده و در شمارگان دوهزار نسخه توسط مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری به چاپ رسیده است. نویسندگان این مقالات ادل تی. آدامووا، تیم استنلی، جنیفر ام. اسکرس، سیلویا اولد، گادفری اونز، شیللا اس. بلر، جانانان ام. بلوم، اولریکه الخمیس، الین رایت، اونیوآم شالم، مری‌ینا شریو سیمپسون، امین مهدوی و رابرت هیلن برنند هستند که بیشتر آنها در دانشگاه‌های بوستون، مونیخ، ادینبورگ و کمبریج در رشته‌های هنر اسلامی، هنر شرق و هنر خاورمیانه تدریس می‌کنند.

کتاب «زبان تصویری شاهنامه» که به تازگی توسط مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری منتشر شده، متشکل از مجموعه مقالاتی است که گروه محققان «طرح شاهنامه» در آن به بررسی شاهنامه از جوانب متفاوت با آنچه تاکنون صورت گرفته است، پرداخته‌اند. «طرح شاهنامه» با سرپرستی چارلز ملویل (استاد زبان فارسی دانشگاه کمبریج) و رابرت هیلن برنند (استاد هنر اسلامی گروه هنرهای زیبا در دانشگاه ادینبورگ) با حمایت فرهنگستان بریتانیا از سال ۱۹۹۹ در دانشگاه‌های کمبریج و ادینبورگ آغاز شده است. یکی از اهداف مهم این طرح که کریستینه ون رویمکه از دانشگاه کمبریج، امین مهدوی از دانشگاه ادینبورگ و فرهاد مهران از دانشگاه جینیوا نیز به عنوان دستیاران پژوهشی در آن مشارکت دارند، بررسی تاثیر شاهنامه فردوسی بر جامعه ایرانی طی هزاره گذشته است.

شاهنامه به عنوان الگویی برای تاریخ‌نامه‌های منظوم و مدیحه‌سرایی شاهان از استانبول تا هیمالیا در «طرح تحقیقاتی شاهنامه» که منجر به انتشار کتاب «زبان تصویری شاهنامه» شد بررسی شده است. همچنین در این طرح شاهنامه در مقام مهم‌ترین منبع قصه‌های عامیانه، گنجینه اسطوره‌ها و افسانه‌های ایران و همچون آینه‌ای برای عدالت‌گستری فرمانروایان در فضای ایران بعد از اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی وسیع که به گردآوری نگاره‌های فراوان از صدها شاهنامه‌ای که در طول قرن‌ها مصور شده است بپردازد، یکی دیگر از اهداف این طرح بوده است. مقرر است شمار تصاویر این پایگاه حدود سه برابر تصاویر ثبت شده در فهرستی باشد که در سال ۱۹۶۱ در دانشگاه میشیگان تهیه و در برهه‌هایی تکثیر شد و تنها فهرست موجود تا امروز است.

«زبان تصویری شاهنامه» عنوان دومین همایش طرح شاهنامه است که در مارس ۲۰۰۱ در دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند برگزار شد و صرفاً به مسائل تاریخ هنر اختصاص داشت. اولین همایش این طرح نیز در ژانویه ۲۰۰۱ در کمبریج با حضور مورخان، کارشناسان ادبیات، متخصصان کامپیوتر و کارشناسان تاریخ هنر برگزار شده بود.

طی فکری بررسی شاهنامه در این طرح را پرسش‌هایی درباره برنامه کلی تصویری آن، میزان و الگوی ترسیم تصاویر، موضوع و تلاقی تصاویر منحصر به فرد شکل می‌دهد و پیام یا جهان بینی نسخه به عنوان اصلی‌ترین هدف این طرح در آن تفسیر می‌شود.

بخش اعظمی از مقالات همایش ادینبورگ بر اساس

## بریده‌ای از «تاس موزه ویکتوریا و آلبرت»

«شخصیت‌هایی خارج از متن: تاس موزه ویکتوریا و آلبرت» عنوان کامل مقاله‌ای است که به قلم سیلویا اولد عضو افتخاری گروه مطالعات اسلامی و خاورمیانه‌ای دانشگاه ادینبورگ در کتاب «زبان تصویری شاهنامه» به چاپ رسیده است.

اولد پس از معرفی این تاس برنجی در ابتدای مقاله اش، در جست و جوی پاسخی برای این سوال است که آیا شخصیت‌هایی که حاشیه اصلی بدنه تاس را پر کرده‌اند مستقیماً برگرفته از شاهنامه فردوسی‌اند یا باید آنها را همچون ارجاعاتی کلی تر تلقی کرد یا این که اصولاً آنها را از منبعی کاملاً متفاوت برگرفته‌اند.

پیرامون این جستار در بخشی از این مقاله آمده است: «به نظر نمی‌رسد که شکل‌های حک شده روی تاس موزه ویکتوریا و آلبرت از حیث سبک و پیوند آن با تصویرگری کتاب، با هیچ یک از نسخه‌های خطی شناخته شده ارتباط داشته باشد. شاید انتساب احتمالی این نقوش به فارس از نظر ملیکیان شیروانی به سبب دانش او در خصوص نسخه‌های شیرازی شاهنامه باشد که در آنها شخصیت‌ها همواره بر زمینه رنگی مسطحی در یک حاشیه باریک

و کم عمق تصویر شده‌اند. اما سبک پیکره‌های نسخ یادشده هیچ وجه اشتراکی با تاس مورد بحث ما ندارد. در واقع، حضور چهره‌های تاریخی میان شخصیت‌های تاس امری استثنایی نیست. این چهره‌های قابل شناسایی - خصوصاً بهرام گور و آزاده - به منزله چهره‌هایی یگانه روی آثار فلزی از ابریق بلاکاس تا اوزو و سکوالی و نیز روی سفالینه‌ها نقش شده‌اند.»

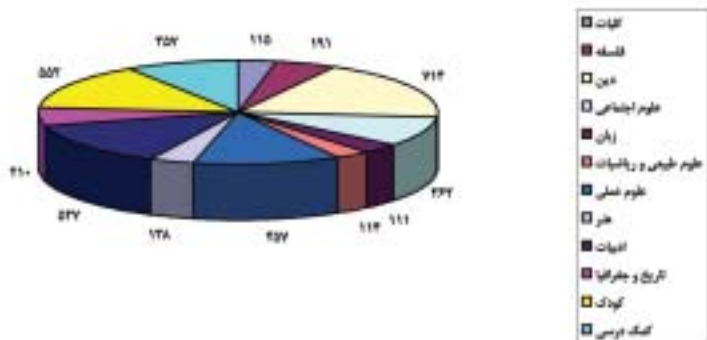
نویسنده برای کشف معنی نهفته در این نقوش ما را به «سیاهی لشکرهای» غیر قابل شناسایی چون فیل، چوگان‌بازان، مار، اژدها، اسب سواران، شیر مهاجم و انواع پرندگان و جانوران ارجاع می‌دهد که آنها را نمی‌توان بدین فراوانی در تصاویر نسخه‌های خطی یافت. مقاله از سه بخش اصلی «تاس»، «تفسیری استعاری» و «نتیجه» تشکیل شده است. در بخش نخست بر اساس نظریات فردی به نام ملیکیان شیروانی، پنج صحنه مصور شده روی این تاس بررسی شده‌اند. درباره صحنه اول آمده است: «صحنه نخست دربردارنده بیشترین شمار پیکره‌هاست. آنها با یکدیگر مقارنند و در نقطه مرکزی، دستان برخاسته دو تن از شخصیت‌های اصلی چیزی گرد را نگه داشته است که یادآور قرص نان است.» در توضیح صحنه دوم نیز می‌خوانیم: «وقتی از راست به چپ در جهت خواندن متنی به زبان عربی یا زبان‌های مقتبس از آن

حرکت کنیم، صحنه بعدی در برگیرنده چهار سوار است. در اینجا جزئیات اجازه می‌دهند که شخصیتی تاریخی را شناسایی کنیم؛ شخصیتی از شاهنامه، شخصیتی که بارها به تصویرش کشیده‌اند. سوار ریش‌دار است؛ تاجی بر سر و گرز گاو سر به دست دارد. سوار بودن بر گاو و به دست داشتن گرز گاو سر از ویژگی‌های فریدون است.» و به این روش تعدادی از شخصیت‌های روی این تاس در صحنه‌های مختلف شناسایی می‌شوند. در بخش دوم این مقاله نویسنده به موشکافی تصاویر و صحنه‌های توصیف شده در بخش قبل می‌پردازد و نشانه‌های موجود در آنها را رمزگشایی می‌کند. برای مثال در تفسیر استعاری صحنه نخست می‌خوانیم: «نخستین معما «تاجی» بود که دو اسب سوار نگاه داشته‌اند. اگر به راستی این صحنه اعطای نشان باشد، پس تفسیر طالع‌بینانه می‌تواند معتبر باشد؛ یعنی این شیء به راستی یک تاج است که یا بخشی از اوریون را در نظام اخترشناسی یونان تشکیل می‌دهد - آنچه ایرانیان به نام «التاج» می‌شناسند - یا کورونا بورتالیس یونانی است.»

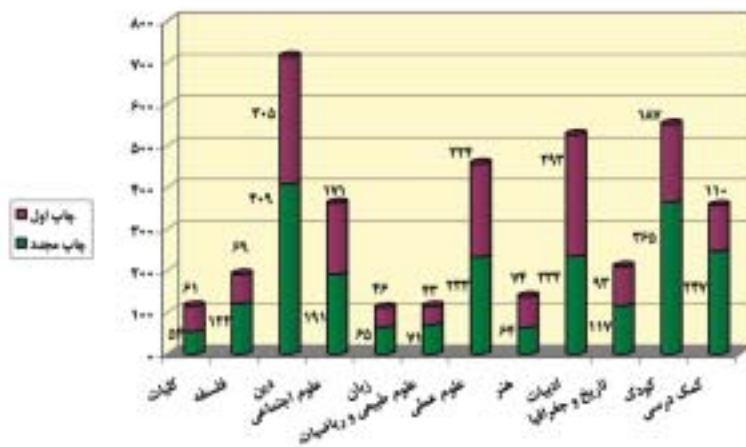
اولد در بخش پایانی این مقاله همچنین به جست و جوی محل ساخته شدن تاس و بررسی پایانی این مقاله نشانه‌هایی که انتساب آن به فارس را تایید یا رد می‌کنند، پرداخته است.



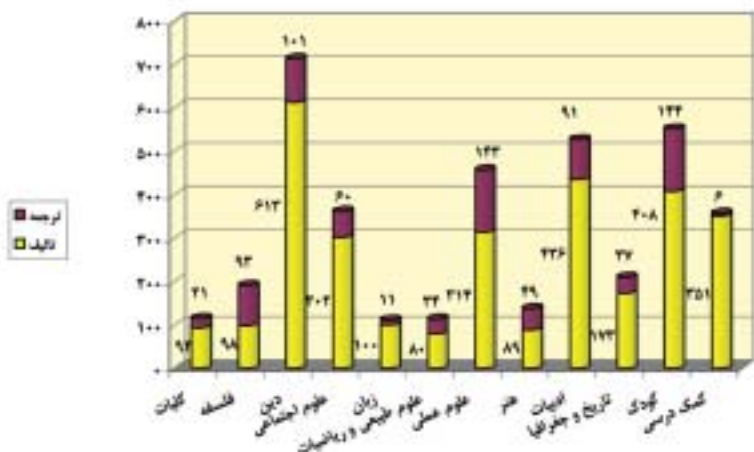
نمودار آماری کتابهای منتشرشده در تیرماه ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع (در مجموع ۲۸۸ عنوان)



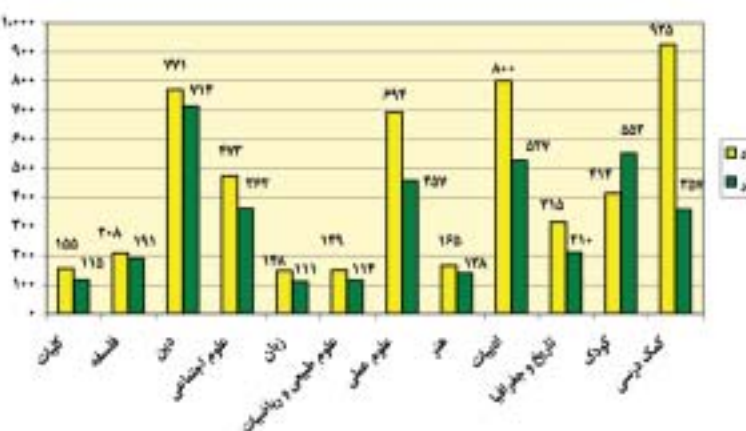
نمودار آماری کتابهای منتشرشده در تیرماه ۱۳۸۸ به تفکیک چاپ اول و مجدد



نمودار آماری کتابهای منتشر شده در تیرماه ۱۳۸۸ به تفکیک تألیف و ترجمه



نمودار مقایسه‌ای کتابهای منتشرشده در خرداد و تیرماه ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع



در هفته گذشته از نظر انتشار کتابهای چاپ اول، انتشارات قضا با بیست و دو عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ مهی رخصتی با پانزده عنوان پرکارترین مؤلف؛ و سینه خلیلی با هفت عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۸/۴/۲۷ تا چهارشنبه ۸۸/۴/۳۱، ۹۱۶ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع دین و سپس کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، ادبیات، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتابهای منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تألیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	مجموع صفحه
۱	کلیات	۲۲	۲۱	۱	۱۲	۱۰	۱۹	۳	۲۲۸۲	۳۱۹
۲	فلسفه و ریاضیات	۶۳	۲۷	۳۶	۲۸	۳۵	۵۲	۱۰	۲۹۷۱	۱۵۱
۳	دین	۱۶۲	۱۴۲	۲۰	۸۸	۱۰۴	۹۵	۶۷	۵۲۵۹	۲۷۴
۴	علوم اجتماعی	۹۱	۸۱	۱۰	۴۳	۴۸	۷۴	۱۷	۴۹۵۸	۲۲۹
۵	زبان	۴۱	۴۰	۱	۱۷	۲۴	۲۲	۹	۳۸۴۴	۲۰۲
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۵۶	۵۶	۰	۱۰	۴۶	۵۰	۶	۲۲۷۱	۲۱۷
۷	علوم عملی	۱۰۲	۷۱	۳۱	۴۸	۴۴	۸۷	۱۵	۲۳۸۷	۲۷۶
۸	هنر	۲۰	۱۳	۷	۱۳	۷	۱۸	۲	۲۲۰۵	۱۹۴
۹	ادبیات	۹۷	۸۲	۱۵	۶۳	۳۴	۷۴	۲۲	۲۱۹۲	۱۸۴
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۳۶	۳۶	۰	۱۹	۱۷	۲۱	۵	۲۴۴۱	۱۶۹
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۸۵	۸۵	۰	۱۰	۷۵	۸۲	۳	۳۸۴۲	۲۴۷
۱۲	کودک و نوجوان	۱۴۱	۹۲	۴۹	۳۴	۱۰۷	۱۳۱	۱۰	۵۶۹۴	۵۲
	مجموع بندی	۹۱۶	۷۵۱	۱۶۵	۲۵۵	۵۶۱	۷۴۶	۱۷۰	۴۱۱۲	۲۲۶

\* «تألیف» به معنای آثاری است که ترجمه نشده باشد. آثاری که ترجمه شده، آثاری که در فهرست کتابخانه ملی ثبت شده و آثاری که در فهرست کتابخانه ملی ثبت نشده.  
 \*\* منظور از موضوع آموزشی و کمک درسی، کلیه کتابهایی است که به نحوی با آموزش و پرورش و مراکز آموزشی مرتبط است. این موضوع شامل کتابهای کمک درسی، راهنمای و غیره است و شامل کتابهای آموزشی از پیش دبستانی تا دبیرستان هم می‌شود.

شاخص‌های آماری کتابهای بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۱۵۰۰ ریال	قیمت استغفار معجزه‌نابا و مجرب: از مولی‌الموحیدین، حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)، ناشر: ندای کوثر، چاپ ۸، ۳۲ صفحه، ۲۰۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۴۰۰۰۰ ریال	گزینه برتر ۸۸ (آموزش اصلی) شامل ۲۰۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای از سونهای پلیرش استیپار و پیش‌کاروری از سال ۷۹ تا اسفند ۸۷... ناشر: پروانه دانش، چاپ ۱، ۴۹۰ صفحه، ۲۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۶۹ مرتبه	فانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و تکمیل قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، ناشر: دوران، ۱۳۸ نسخه، ۵۰۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰۰ نسخه	القران الکريم، ناشر: مکتب مطبوعاتی، ناشر: نایب، چاپ ۴، ۶۰۴ صفحه
کمترین شمارگان	۱۵۰ نسخه	هنرمندی آمریکا در عصر نوبل: مقاله کاران (نفت، قدرت، امنیت)، سیمین‌سود موسوی‌سلفانی، ناشر: دانشگاه سمعان، چاپ ۱، ۳۳ صفحه، ۵۴۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۰۲۰ صفحه	راهنمای جامع ASP.Net 3.5 در ASP.Net 3.5، متن مکمل: سرویس چهره‌ساز، ناشر: دبیرگزاران تهران، چاپ ۱، ۳۰۰۰ نسخه، ۹۹۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۸ صفحه	شیوه‌های نفیوت هوش نوژاد ۹-۶ ماهه: آشنایی با اجزای یک طرح کسب، بناترین مبتلا، ناشر: طالع‌یاسوند، ناشر: با فرزندان، چاپ ۱۴، ۵۰۰۰ نسخه، ۷۵۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتابهای کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۹۰۰۰ ریال	سوالات امتحانی طبقه‌بندی شده هریس (۳) فصلی همراه با پاسخ تشریحی، فاطمه مقدسی، ناشر: کیا، چاپ ۱، ۴۸ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰۰ ریال
گرانترین کتاب	۹۹۰۰۰ ریال	زبان تخصصی مهندسی عمران: قابل استفاده برای داوطلبان از سون کارشناسی ارشد، مهندسان عمران و... بانک رهنمایی فراگروه، ناشر: جهاد دانشگاهی (دانشگاه صنعتی امیرکبیر)، چاپ ۶، ۴۹۰ صفحه، ۱۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۹۸ مرتبه	دانش برنامه‌ریزی به روش فلوچارت، کتابخانه کسب، ناشر: کتابون فرهنگی آموزش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۴۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	کتاب کار ریاضی پنجم دبستان (اصول‌گردی برتر)، احمد حامدی، ناشر: انتشارات، چاپ ۸، ۱۹۲ صفحه، ۱۶۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	کتاب تکمیلی فیزیک (۳) و آزمایشگاه (ویژه دانش آموزان سال دوم دبیرستان)، لیلیا سپهری، ناشر: لیلیا سپهری، چاپ ۱، ۱۱۲ صفحه، ۲۱۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتابهای بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان			
		مؤلف*		مترجم	
		مرد	زن	مرد	زن
۲۸۸	۷۵	۷۰	۴۸	۴۸	۷۰

\* مؤلف: نامی پدیدآورگان (بیشتر نویسنده، ناشر، گردآورنده، مترجم و...) به جز مترجم

شاخص‌های آماری کتابهای کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
گرانترین کتاب	۷۵۰۰۰ ریال	آموزش مفاهیم علوم: شمارش، نام، بازنویسی و آینه‌نگاری، سرویس پوزی، ناشر: پیدایش، چاپ ۱، ۱۵۲ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۵ مرتبه	آلفا را با شعر و رنگ آمیزی با آموزش، ناشر: سپیده، ۶۶ صفحه، ۲۰۰۰۰ نسخه، ۱۸۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	معمولگرمی، یاد تصویر اندام سینه‌بندی شجاری، ناشر: کتاب لیسانس، چاپ ۳، ۱۹۲ صفحه، ۳۳۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	من یک اسب هستم، رسنم وحیدی، ناشر: فریروز، چاپ ۱، ۱۲ صفحه، ۱۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۲۲ صفحه	هری پاتر و یادگاران مرگ: جوان کترین رولینگ، ویدا اسلامی، ناشر: کتابسرای تندیس، چاپ ۱۱، ۵۰۰۰۰ نسخه، ۶۷۰۰۰ ریال

به بهانه بازترجمه برخی از آثار همینگوی

# صدای تازه از ناقوس ارنست



می‌یابد. سپس روایت وقایع از زاویه دید یکی دیگر از شخصیت‌ها ادامه می‌یابد و پیش از آن که باقی داستان مجدداً توسط سوم شخص بیان شود باز هم داستان را از زاویه دید قهرمان آن می‌شنویم.

گفته می‌شود که همینگوی به «داشتن و نداشتن» علاقه‌ای نداشته و به خاطر قراردادی که با ناشرش بسته بود آن را نوشته است. هوارد هاکس که فیلمی سینمایی براساس این داستان ساخته، گفته است که همینگوی آن را بدترین کتاب خود می‌دانست.

«در زمان ما» مجموعه داستان کوتاهی است که همینگوی پیش از زمان‌های یاد شده و در سال ۱۹۲۵ آن را منتشر کرد. فورد مدوکس فورد، جان دوس پاسوس و اف. اسکات فیتزجرالد به خاطر استفاده از زبانی دقیق و ساده برای بیان طیف وسیعی از احساسات پیچیده، این مجموعه را تحسین کردند. همچنین «در زمان ما» همینگوی را در کنار گروتو داستاین و شرود اندرسون به عنوان یکی از نویسندگان مهم آن دوره قرار داد.

«در زمان ما» شامل چند داستان کوتاه کلاسیک همینگوی است؛ «اردوگاه سرخپوست‌ها» و «دکتر و همسرش» از جمله این داستان‌ها هستند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مجموعه، معرفی برخی نشانه‌های سبک نوشتاری همینگوی به خوانندگان است؛ نثری محکم که با استفاده از زبانی عامیانه و نگاهی دقیق با ساده‌ترین جملات، ارزش‌های اخلاقی و روشن‌ضمیری را به خواننده منتقل می‌کند.

«در زمان ما» اکنون به عنوان یکی از مجموعه داستان‌های کوتاه مهم قرن بیستم شناخته می‌شود و کلیدی است برای درک بهتر سایر آثارهای همینگوی. «مردان بدون زنان» مجموعه داستان کوتاه دیگری است که دو سال پس از «در زمان ما» در ۱۹۲۷ منتشر شد. این مجموعه شامل چهارده داستان است که «آدم‌کش‌ها» یکی از آنهاست. اکثر داستان‌های «مردان بدون زنان» به بررسی زندگی، حس عدم امنیت، سختی‌ها، ضعف‌ها، سرخوردگی‌ها و تنهایی مردانی می‌پردازد که زمانی افرادی قوی و محکم به شمار می‌رفته‌اند.

یکی از زیباترین و جالب توجه‌ترین ویژگی‌های داستان‌های این مجموعه توجه همینگوی نه به آنچه رخ داده بلکه به کسی است که ماجرا برای او رخ داده است. تصویر آسیب‌ساز مردانی که زمانی بسیار قوی بوده‌اند، به خوبی وبدون استفاده از کلمات زیاد گویی، فضا و حس تنهایی آنها را به خواننده انتقال می‌دهد.

هر یک از شخصیت‌های این داستان‌ها، قهرمانانی بوده‌اند که اکنون به انسانی عادی و آسیب‌پذیر تبدیل شده‌اند. این موضوع و در کنار آن توانایی همینگوی در جابه‌جایی بین زبان نوشتاری و محاوره، خواننده را به شخصیت‌ها بسیار نزدیک کرده و حس همدردی او را تقویت می‌کند.

انتقال فضای زبان اصلی شخصیت‌ها که اسپانیایی است صورت گرفته ترجمه جدید همه این کتاب‌ها را موسسه انتشاراتی افق روانه بازار کتاب ایران می‌کند.

همینگوی، عنوان این رمان را از آخرین خطابه جان دان شاعر متافریک انگلیسی گرفته است. دان در این خطابه می‌گوید: «هیچ انسانی خودی کامل و جزیره‌ای تنها نیست؛ هر انسان قسمتی است از یک قاره، بخشی از کل. اگر موج دریا ریگی را از ساحل بشوید این قاره کوچک‌تر می‌شود، چنان‌که اگر دماغه‌ای به زیر آب رود یا منزل دوستی؛ مرگ هر انسان مرا می‌کاهد، زیرا من نیز در انسانیت گرفتارم. زین رو هرگز کسی را برای جویا شدن که این صدا ناقوس مرگ کیست نفرست؛ این صدای ناقوس مرگ توست.»

همینگوی «پیرمرد و دریا» را در سال ۱۹۵۲ منتشر کرد؛ داستان پیکار حماسی یک پیرمرد با تجربه ماهیگیر و نیزه ماهی عظیم الجثه‌ای که بزرگ‌ترین شکار زندگی اوست. این داستان که جایزه پولیتزر را برای همینگوی به ارمغان آورد، شهرت ادبی او را افزون کرد و باعث شد کارهای پیشین‌اش نیز با نگاه جدیدی از سوی منتقدان بررسی شود.

«پیرمرد و دریا» که از همان ابتدا، بسیاری آن را مانند «موبی‌دیک» نوشته هرمان ملویل، اثری کلاسیک نامیده بودند، در میان خوانندگان عادی نیز اقبال یافت و به یکی از پرفروش‌های دوره خود تبدیل شد. گرچه برخی منتقدان چندان این داستان را نپسندیده و از همینگوی انتظار داستان واقع‌گرایانه‌تری داشتند اما وقتی آکادمی نوبل را در سال ۱۹۵۴ او را به عنوان برنده جایزه ادبیات خود اعلام کرد، دلیل این انتخاب را چنین دانست: «به خاطر استادی‌اش در هنر روایت که اخیراً به بهترین وجه در «پیرمرد و دریا» نشان داده شده، و به خاطر تاثیری که بر سبک نوشتاری معاصر گذاشته است.»

اما «پیرمرد و دریا» تنها داستان همینگوی درباره دریا و ماهیگیران نیست. «داشتن و نداشتن» روایتگر داستان

## چرا همینگوی دوباره ترجمه شد؟

«به هر حال آثار کلاسیک همیشه خواننده خود را دارند. باز ترجمه این آثار هم هر چند دهه یک بار ضروری است. یکی از کارهای نشر افق چاپ کتاب‌های کلاسیک است که اکنون به آثار همینگوی رسیده. اگر از این مجموعه استقبال شود، شاید باز ترجمه و انتشار چاپ جدید از آثار کلاسیک را به سایر نویسندگان این سبک هم تعمیم دهیم.» اینها، حرف‌های هلیا هنرمند است. مدیر روابط عمومی نشر افق؛ ناشر ترجمه‌های جدید از آثار ارنست همینگوی.

«این ناقوس مرگ کیست؟» را مهدی غبرایی به فارسی برگردانده است. این رمان از سال ۱۳۵۰ چندین بار به فارسی ترجمه شده است. ترجمه جدید «پیرمرد و دریا» اثر نازی عظیمی است. این کتاب نیز از سال‌های دهه ۶۰ تاکنون بارها دستمایه ترجمه فارسی بوده که ترجمه نجف دریابندری از جمله آنهاست. ترجمه جدید «داشتن و نداشتن» با قلم خجسته کیهان انجام شده، «در زمان ما» را شاهین بازلیل به فارسی برگردانده و «مردان بدون زنان» توسط اسدالله امرایی دوباره به فارسی ترجمه شده است. همه این کتاب‌ها را نشر افق به دست چاپ می‌سپارد.

## همینگوی و اظهارات جنجالی

### همه شاعران دیوانه‌اند!

همینگوی، جنگ‌های جهانی و جنگ داخلی اسپانیا را تجربه کرده بود. در کنار نویسندگی، ماهیگیری از کارهای مورد علاقه‌اش بود. نوشته زیر اظهار نظر‌های او است درباره زندگی، جنگ، نویسندگی و ماهیگیری. اظهار نظر‌هایی که گاه بسیار جنجالی شده‌اند.

■ اگر نویسنده‌ای به اندازه کافی درباره موضوعی که می‌نویسد بداند، چیزهای زیادی را از نوشتارش حذف می‌کند. عظمت حرکت یک کوه یخ در این است که تنها یک نهم از حجمش پدیدار است.

■ از زاپاند (شاعر آمریکایی) دیوانه است. همه شعر ادیوانه‌اند. مجبورند که باشند.

■ عمل اخلاقی کاری است که پس از انجام آن احساس خوبی دارید و عمل غیراخلاقی کاری است که پس از انجام آن احساس بدی داشته‌باشی.

■ یاد گرفته‌ام که هرگز ذخیره نوشتنم را تمام نکنم و آن هنگام که هنوز قطره‌ای آب در چاه هست، دست از نوشتن بردارم و بگذارم در طول شب دوباره چاه از چشمه‌هایی که به آن می‌ریزند، پر شود.

■ می‌توان یک انسان را نابود کرد اما نمی‌توان او را شکست داد.

■ یک نویسنده باید خیلی تنبیه شود تا بتواند یک داستان طنز خوب بنویسد.

■ ادبیات مدرن آمریکا با یک کتاب شروع شد: «هاکلبری فین» اثر مارک تواین.

■ در تمام طول زندگی‌ام طوری به کلمات نگاه کردم که انگار نخستین باری است که میبینم شان.

■ سنت که بالاتر می‌رود، قهرمان پیدا کردن برایت سخت‌تر می‌شود اما نیاز به قهرمان بیشتر می‌شود.

■ شجاعت یعنی حفظ وقار وقتی تحت فشار هستی.

■ زندگی تمام آدم‌ها یکسان به پایان می‌رسد. جزئیات شیوه زندگی و مرگ اوست که او را از سایرین متمایز می‌سازد.

■ ترس از مرگ باعث می‌شود تا انسان‌ها ثروت بیشتری بیندوزند.

■ همیشه سعی کرده‌ام به بهترین نحوی که می‌توانم بنویسم. گاهی خوش شانس بوده‌ام و بهتر از آنچه توانش را داشته‌ام نوشته‌ام!

■ خوشحالی در انسان‌های باهوش پدیده نادری است.

■ دوست دارم بشنوم. با یاد دقت گوش دادن چیزهای زیادی آموخته‌ام.

■ بیشتر مردم هرگز گوش نمی‌دهند.

■ هیچ وقت مجبور به انتخاب سوژه نبوده‌ام. همیشه سوژه مرا انتخاب کرده است.



بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی دو عملیات اتمی بودند که در جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا علیه امپراطوری ژاپن انجام گرفت. حدود ۲۲۰۰۰۰ نفر در اثر این دو بمباران جان باختند که بیشتر آنان غیرنظامی بودند. هزاران زخمی از این حادثه به جای ماند و همچنان در زمانه ما، کودکانی ناقص الخلقه در اثر تشعشعات رادیواکتیو آن بمباران به دنیا می آیند. ابعاد این فاجعه آنچنان وسیع بود که نظر همه نخبگان جهان در همه حوزه های فکری را به خود جلب کرد. رمان نویسان، نمایشنامه نویسان، موسیقیدانان و هنرمندان بسیاری از ۶ اوت ۱۹۴۵ تا امروز در آثار خود به این حادثه دردناک بشری پرداخته اند. در ادامه، گفت و گوهایی از کنزابدو اوئه، جیمز مورو (رمان نویس) و چپوری میاگاوا (نمایشنامه نویس)، درباره بمباران هیروشیما و ناکازاکی می خوانیم.

فاجعه هیروشیما در گفت و گو با چند نویسنده

# انسانیت، در هیروشیما و ناکازاکی سوخت

برنده جایزه نوبل:

## فریادهایی که در منازعات سیاسی گم می شوند

گزارش تهیه کنم؛ من نیز که از ماه ژوئن تا جولای درگیر مسائل پسر بودم و برای فرار از موقعیتی که با حضور در آن هیچ کمکی به پسر نمی کردم، پیشنهاد را پذیرفتم و به هیروشیما رفتم. در هیروشیما اتفاقات جالبی برایم رخ داد؛ در گام اول با گروه های سیاسی مواجه شدم که همگی به خارجی ها وابستگی داشتند. چپ ها به شوروی و چین وابسته بودند و همواره متناسب با عملکرد کشوری که از طرف آن حمایت می شدند، صحبت می کردند، مثلا گروهی از چپ ها که با هرگونه سلاح اتمی مخالف بودند اما بلافاصله پس از این که چین خود را به سلاح هسته ای مجهز کرد، مخالفت خود را متوقف کردند و موضعشان را به این صورت تغییر دادند که در اختیار داشتن سلاح اتمی در هر شرایطی ناپسند نیست!



شما در این میان چه موضعی داشتید؟  
به عنوان یک روشنفکر یا یک رمان نویس مستقل تلاش می کردم تا دیدگاهی مستقل داشته باشم و به هیچ یک از دسته بندی های غربی توجهی نکنم. سرانجام در روز آخر کنفرانس به جای حضور در سالن، به بیمارستان نجات یافتگان بمباران اتمی هیروشیما رفتم. آنچه من در مورد هیروشیما نوشته ام در مورد دیدارهایم با بازماندگان بمباران است. در این بیمارستان دکتر

کنزابدو اوئه در ادبیات معاصر ژاپن از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از دلایل اهمیت اوئه درخشش زودهنگام او در جهان ادبیات بود. این نویسنده معاصر ژاپنی نخستین جایزه پراهیمیت و شناخته شده خود را زمانی برنده شد که هنوز تحصیلات دانشگاهی اش را به پایان نبرده بود. آثار وی از اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد در سطح بین المللی ترجمه شدند و در اختیار همه علاقه مندان ادبیات در سراسر دنیا قرار گرفتند. بیشتر آثار او بازتابنده ترس و نگرانی ای عمیق نسبت به جنگ هسته ای و تلاش برای برقراری صلح در جهان است اما تلاش های ادیبانه اوئه نیز برای او نتایج درخشانی داشت؛ به طوری که پس از دریافت جوایز بین المللی متعدد ادبیات، سرانجام در سال ۱۹۹۶، کنزابدو اوئه برنده جایزه نوبل ادبیات شد.

شما و آثارتان همواره تداعی کننده نام هیروشیما هستید. می توانید خودتان به این قضیه اشاره کنید که هیروشیما برای شما چه بار معنایی همراه می آورد؟  
هیروشیما همواره مرا به یاد پسر می اندازد. در واقع چندان به مسائل مربوط به هیروشیما توجهی نداشتم تا هنگامی که در سن سی و هفت سالگی صاحب یک پسر شدم. «هیکاری» یا یک نارسای مغزی به دنیا آمد؛ رخدادی که خوشی تولد او را تلخ کرد و من برای بهبود او خود را به آب و آتش می زدم. مادام که بیمارستان می رفتم؛ در میان تعداد بسیاری پزشک که از حرف های آنها هیچ چیز نمی فهمیدم و آنها نیز هیچ ایده ای برای نجات بچه نداشتم. در میانه همین گرفتاری به من پیشنهاد شد که به عنوان روزنامه نگار به هیروشیما بروم و از یک کنفرانس بزرگ در مورد هیروشیما

سیاسی نیست؛ هرچند گاهی خودم را هم جهت با برخی از جهت گیری های سیاسی درباره هیروشیما و ناکازاکی می بینم. بسیاری از احزاب و گروه های سیاسی جهت گیری های متفاوتی درباره هیروشیما دارند؛ اما من همچنان تصور می کنم که در نگاه به واقعه هیروشیما باید دیدگاه و فلسفه ای جدید داشت؛ فلسفه ای متفاوت با آنچه اکنون گروه های سیاسی تبلیغ می کنند.

### شما چه دیدگاهی درباره قضیه هیروشیما دارید؟

در اعتراض به ماجرای بمباران هیروشیما، جنبش های فراوانی تشکیل شد. من به عنوان کسی که در بسیاری از این جنبش ها حضور داشته ام و کسی که مدت هادر مورد هیروشیما فکر کرده ام و نوشته ام، تاکید دارم که ما باید در مورد هیروشیما از صفر شروع کنیم؛ باید بدترین وضعیت ممکن را در نظر بگیریم و به سوی بهبود آن حرکت کنیم. این ماجرا برای من مانند پیدا کردن راهی برای زندگی با پسر بود. وضعیت او در آن زمان به شدت وخیم بود و هیچ نشانه ای از امید در وضعیت او وجود نداشت. اما ما توصیه های پزشکان را دنبال کردیم و آنچه را می توانستیم انجام دادیم. سه یا چهار سال پیش بود که پسر من زندگی را آغاز کرد و از حالت گیاهی بیرون آمد. درست است که او معلول است، اما انسان نیز هست. او گوش دادن به موسیقی را آغاز کرد و از آن موقع من او شروع به رشد کردیم. او چهل و دو سال دارد و در حال ساخت یک قطعه موسیقی است و ساخت موسیقی را ادامه خواهد داد، همان طور که من ادبیات را ادامه داده ام؛ درحالی که همیشه به هیروشیما و مشکلات آن فکر کرده ام و برای آن نوشته ام.

### استاد نمایشنامه نویسی دانشگاه ییل:

## فراموش شدن هیروشیما را می خواهند



چپوری میاگاوا از سرشناس ترین نمایشنامه نویسان نسل جدید ژاپن است که در آثار مکتوبش حساسیت خاصی بر قضیه بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی دارد. او که علاوه بر نمایشنامه نویسی در زمینه دراماتورژی نیز فعال است، در دانشگاه بروکلین، در رشته نمایشنامه نویسی، تحصیل کرده است. میاگاوا بارها برای «آف - برادری» نیز نمایشنامه نوشته است. این گفتگو در تاریخ ۲۷ آوریل ۲۰۰۹ در نشریه «نیدر» منتشر شده است. در حال حاضر نخستین اجرا از جدیدترین نمایشنامه شما «من در هیروشیما بوده ام، هیروشیما عشق من» بر صحنه است...

نمایشنامه ای تراژدی درباره بمباران اتمی است که موجب از دست رفتن انسان ها می شود. امیدوارم که تماشاگران نمایش و خوانندگان نمایشنامه، یک تجربه مشترک داشته باشند و آن احساس همدردی عمیق با بازماندگان بمباران است کسانی که در جنگ چیزهای فراوانی را از دست داده اند. هنگامی که نوشتن این نمایشنامه را شروع کردم به عمق بی اطلاعی ام نسبت به ماجرای هیروشیما پی بردم. از این امر شوکه شدم و کسانی که در ژاپن مدرن بزرگ شدیم، اطلاع کاملی از جنگ جهانی دوم و بمباران هیروشیما و ناکازاکی نداریم و اساسا این رخداد در ژاپن مدرن مسأله قابل بحثی نیست. در مدرسه، ما تاریخ ژاپن را از دوران فئودالیسم سامورایی می خوانیم، اما مطلبی راجع به بازماندگان و آسیب دیدگان بمباران اتمی به ما آموزش داده نمی شود. فکر می کنم نیرویی وجود دارد که می خواهد ما آن حادثه را از یاد ببریم و در نتیجه من به عنوان یک انسان بالغ هیچ اطلاع دقیقی از بمباران اتمی و حوادث و حواشی آن ندارم.

### شما در کتابتان بیشتر به عواقب پس از بمباران پرداخته اید.

بله. عواقب این فاجعه متوجه کسانی که در بمباران کشته شده اند، نمی شود، بلکه این بازماندگان حادثه اند که تا چهل سال پس از بمباران رنج کشیده اند و این حادثه بر تمام جوانی و پیری شان تاثیر گذاشته است. یکی از اهداف من در این نمایشنامه همین بود که نشان دهم، خاطرات دردناک و اموری که در محاسبات مادی قابل دیدن و سنجش نیستند، چگونه بر همه زندگی آدم ها تاثیر می گذارند.

### آیا شما در کتابتان می خواهید مردم و دولت ها به طریقی از این حوادث درس بگیرند؟

دولت هیچ وقت از این حادثه درس نمی گیرد. این چیزی است که همه بازماندگان حادثه می دانند و البته چنین امری حقیقی و وحشتناک است؛ حتی مردم هم نمی توانند به حقیقت ماجرای بمباران اتمی پی ببرند و این به خاطر تبلیغات و سانسور دولتی است. همه این رخدادهای تلخ به این دلیل رخ می دهد که آمریکایی ها دوست داشتند یک قارچ سرخ غول آسا را در آسمان ژاپن ببینند و چون آمریکایی ها هنوز علاقه شان را به دنبال کردن برنامه های هسته ای شان از دست نداده اند، باید بر فجایع هیروشیما و ناکازاکی سرپوش گذاشت.

### نویسنده «تلو تلو خوران به سوی هیروشیما»:

## هنر می تواند موجب بیداری جامعه شود



جیمز مورو نخستین رمانش «شراب خشونت» را در سال ۱۹۸۱ منتشر کرد اما از آن موقع تاکنون حدود ۱۵ رمان نوشته و در مجموع آثارش گونه ها و سبک های متفاوتی را امتحان کرده است. برخی آثار پست مدرن مورو در سال های اخیر مورد توجه جامعه ادبی قرار گرفته است که رمان حماسی تاریخی «آخرین یید - گیاه» و «اشاگرد فیلسوف» از این دست هستند. در «اشاگرد فیلسوف» مورو به یک شاگرد فلسفه اخلاق می پردازد که باید اخلاق را به کسی که حافظه اش را از دست داده آموزش دهد. «تلو تلو خوران به سوی هیروشیما» نیز عنوان آخرین اثر نویسنده مورد بحث است که در گفت و گوی حاضر به آن پرداخته شده است.

در رمان «تلو تلو خوران به سوی هیروشیما» موضوعات فراوانی به جز ماجرای بمباران اتمی هیروشیما طرح شده است. آیا به جای تحقیق مقدماتی برای نوشتن رمان، نویسنده بیشتر بر تصویرسازی های ذهنی اش متکی بوده؟ شاید شما درست می گویند و جیمز مورو یک آتش شله قلمکار درست کرده است! سه جهان متفاوت در «تلو تلو خوران به سوی هیروشیما» به هم می رسند. شرایط نظامی آن روزها در هیروشیما، جهان فرهنگی ای که با فیلم های دهه چهل و پنجاه به وجود آمده بود و جهان یک دیو سینمایی ژاپنی. من در مورد تحقیق برای نوشتن رمان بیشتر به جست و جوی های اینترنتی و کتاب «مسابقه دشمنان: استالین، ترومن و اشغال ژاپن» متکی بودم. مطالب بسیار سخت و غم انگیزی خواندم و فهمیدم که ابعاد حادثه تا چه حد عظیم بوده است. فرایند تحقیقات مختصر من و نوشتن این رمان بسیار آفسرده کننده بود، اما من در مقابل آن به سختی ایستادم و برای نوشتن تقلا کردم. تحقیقاتی که هالیوود در مورد حمله اتمی به هیروشیما و ناکازاکی انجام داده است، بیشتر سرگرم کننده و حتی خنده دار است؛ به همین دلیل برای انجام بخشی از تحقیقاتم سراغ دوستانی رفتم که سال ها پیش از شرق (ژاپن) به آمریکا آمده بودند.

### گمان می کنید رمان هایی مانند آنچه شما نوشته اید، تا چه حد در بیداری عمومی نسبت به نابودگری سلاح اتمی موثر است؟

به شدت تحت تاثیر رویه و نگاه ژاپنی ها درباره بمباران اتمی ناکازاکی و هیروشیما قرار گرفتم؛ چراکه جامعه ژاپن به این واقعه به عنوان یک جنایت جنگی نگاه نکرد، بلکه آن را به صورت یک تراژدی انسانی جهانی دید؛ تراژدی ای که دیگر نباید رخ دهد. شما این نوع نگاه را در نخستین فیلم «گو تریلا» در سال ۱۹۵۴ می بینید. این فیلم سیاه و سفید به عنوان یکی از تاثیرگذارترین فیلم های ضد جنگ دهه پنجاه مطرح شد که در آن به شیوه ای استعاری، وحشت بمباران هسته ای با یک دیو عجیب که به شهر حمله می کند و همه چیز را به ورطه تباهی می کشاند، تصویر شده است. چنین آثاری می توانند وحشت از تسلیحات هسته ای را دوباره در جامعه ایجاد کنند و اجتناب از این تسلیحات را در مرکز توجه جامعه قرار دهند.

## نویسنده، تنهاست

## ■ عبدالعلی دستغیب، نویسنده و منتقد ادبی



سال ۱۳۴۵ یکی از ناشران از من درخواست کرد که کتابی درباره انشانویسی برای استفاده دانش آموزان دبیرستانی بنویسم. «شیوه نگارش» عنوان این کتاب بود که توسط مرکز نشر سپهر منتشر شد و دیگر هم تجدید چاپ نشد. سعی کردم تمام مسائل زبانی آن روزگار را در کتاب بگنجانم و البته کتاب از لحاظ نگارشی خیلی قدیمی نبود.

به طور کلی، مشوقی نبود که به نویسنده کمک کند. ناشران تنها تمایل داشتند از افرادی که شهرت دارند کتابی را منتشر کنند. در آن روزها، افرادی مانند سعید نفیسی یا علی دشتی کانون توجه بسیاری از ناشران بودند و حتی نویسندگانی مثل صادق هدایت نیز با مشکل مواجه می شدند. درباره افرادی چون من که در آن دوران شهرت و سابقه ای نداشتیم، ناشران استقبال چندانی نمی کردند به این صورت که نوشته ها را می گرفتند تا مثلاً بررسی کنند و پس از یک ماه می گفتند که امکان چاپ ندارند.

البته سابقه روزنامه نگاری، در این زمینه به من کمک شایانی کرد. چرا که باعث شد در آن دوران ناشران دست سوم و خرده پا کتاب های مرا چاپ کنند و پس از آن، کار به جایی رسید که حتی ناشران، سفارش کار هم می دادند. من شب و روز می نوشتم و این روند ۱۰ سال طول کشید.

در کل، نویسنده در ایران تنهاست و از سوی دیگر، خودشان هم آن اندازه که باید و شاید مسلط به زبان فارسی نیستند. این در حالی است که مشاور و راهنمای خوبی نیز در این زمینه ندارند.

مشکل دیگر این است که این روزها بسیاری از نویسندگان ما به دنبال مطالبی مثل آثار بورخس و مارکز هستند یا به سوی داستان های کوتاه مدرن و پست مدرن می آورند. بی آن که مطالعات کافی درباره جامعه، آداب و رسوم، فرهنگ و جغرافیای ما داشته باشند، دست به قلم می شوند و چیزی شبیه به رئالیسم جادویی می نویسند، مطالبی نامانوس با محیط زندگی ما مردمی که در اطرافمان می بینیم.

این نویسندگان زحمتی می کشند و به اصطلاح خودشان رمان مدرنی هم نوشته اند اما استقبالی از این آثار نمی شود و دلسرد می شوند.

مسوولان فرهنگی باید وسایلی گفت و گو را در این زمینه فراهم کنند. به نظر من سرای اهل قلم مناسب ترین مکان برای این امر است. جوانان مغرورند و اگر به طور مستقیم به آنها بگویید اطلاعات ادبی آنها ناکافی است، به آنها برمی خورد. باید غیرمستقیم و در ضمن بحث و گفت و گو مطرح شود. اگر این امر رخ دهد، ناشران هم به این فکر می افتند که به دنبال نویسندگان جوان بروند.

سال گذشته داور جایزه کتاب سال بودم. از حدود ۶۰ تا ۷۰ کتابی که خواندم، شاید به جرات بتوانم بگویم ۱۰ کتاب قابلیت خواندن داشت. بقیه این آثار بیان مسائل فراقوعی بود. نویسنده نباید خودش را به جامعه تحمیل کند. نوشتن یک کار ذوقی است نه امری که با زور امکان پذیر باشد. نویسنده باید هوشیار باشد. بسیاری از مطالبی

صفحه «روایت اول شخص» این هفته به مناسبت روز ملی جوان، خاطرات شاعران و نویسندگان پیشکسوت را از زمانی که جوان بودند نقل می کند. همچنین، توصیه هایی که برای جوانان دارند، نه همه جوانان؛ فقط آنانی که در سر، سودای نویسنده شدن دارند.

که امروزه در فلسفه، تحقیقات ادبی، رمان، داستان کوتاه و... نوشته می شوند، حداقل به ویرایشی اساسی احتیاج دارند. باید رعایت حال خواننده را نیز کرد. حجم گرایی مشکل دیگر نویسندگان است. گاهی نویسندگان می اندیشند که اگر اثری را در کمتر از هزار صفحه ارائه دهند، آن اثر رمان نیست حال آن که هیچ یک از این آثار در جرگه رمان - به معنای واقعی آن - نمی گنجند. رمان در ادبیات فرانسه و آلمان باید یک فکر و جهان نگری به دنبال خودش داشته باشد ولی به صورت مخفیانه که خواننده در لایه های آن، چنین اندیشه ای را دریابد.

## جای خالی مجلات ادبی

## ■ امین فقیری، نویسنده



«دهکده پرملال» که در ۲۳ سالگی ام توسط مرکز نشر سپهر منتشر شد، در وزارت فرهنگ آن زمان یعنی سال ۱۳۴۷ مدتی طولانی را در انتظار دریافت مجوز طی کرد و در نهایت به سختی منتشر شد. افراد بسیاری کتاب را خواندند و از جنبه های مختلف بررسی کردند تا ایرادی نداشته باشد.

مسائلی که برای انتشار یک کتاب وجود دارد و مرحله ای که باید طی شود، همیشه به یک شیوه بوده است اما برای جوان امروزی شرایط دیگری نیز حکمفرماست. در دوران موقتی کتابی برای انتشار تایید می شد، دیگر پولی از نویسنده دریافت نمی کردند بلکه حق التالیفی نیز به او تعلق می گرفت. امروزه مولفان جوان باید داروندارشان را بدهند تا کتابشان توسط یک ناشر منتشر شود. در واقع، ناشر، همان مولف خواهد بود. از سوی دیگر، ناشران زمانی که فردی را نمی شناسند علاقه کمتری به سرمایه گذاری در این امر دارند.

همچنین، اکثر نویسندگان قدیمی کارشان را از مجلات ادبی آغاز می کردند و زمانی که مقبول جوامع ادبی واقع می شدند، انتشاراتی هابری چاپ کتاب هایشان سراغ آنها می رفتند. در حال حاضر مجلاتی که در زمینه ادبی فعال باشند، بسیار انگشت شمارند و برخی از آنها هم که فعالیت می کنند، دچار باندبازی شده اند و در حقیقت فرصت کمتری برای حضور و شرکت فعال جوانان در این امر - که منجر به شناخت آنها شود - وجود ندارد.

## اثر شایسته باشد، چاپ می شود

## ■ احد ده بزرگی، شاعر



پیش از انقلاب، امکان چاپ آثارم را نداشتیم. زمان سخت بود و دشوار. اما بعد از آن خیلی سختی نکشیدم و آثارم به راحتی منتشر شدند.

نخستین کتاب، کار مشترکی در دانشگاه شیراز و وزارت ارشاد با عنوان «نماز سرخ خون» بود که شامل مجموعه اشعار انقلابی من می شد. پس از آن نیز همکاری من با انتشارات پیام آزادی ادامه یافت که آثاری چون «آیات سبز»، «داستان های

راز»، «طوفان خطبه ها»، «آرزوهای کربلا»، «رباعیات عاشورایی»، «شب های عاشورا» و چند مجموعه شعر برای کودکان مانند «باغ ستاره ها» و «مثل درخت خورشید» و نمایشنامه های عروسکی همراه با شعر «گرگ و آهو» و «کشتی زیبای نجات» منتشر شدند. البته با انتشارات دیگری مانند حوزه هنری با انتشار مجموعه شعرهای «خطبه خون»، «در آیین شقایق» و «پنجره های همیشه باد» همکاری داشتم.

امروزه زمان به گونه ای دیگر است. زمینه انتشار کتاب برای جوانان اگر اثر درخور داشته باشند، کاملاً مساعد است و ناشران مختلف چنین آثاری را مشتاقانه منتشر می کنند.

گاهی برخی از جوان ترها انتظار دارند تا وارد این عرصه شدند و هر اثری را که ارائه کردند منتشر شود. شاید بتوان گفت امروزه تلاش بیشتر ناشران، برای انتشار آثار جوانان است و زمینه راحت تر از قبل فراهم است.

## با «دیوان حافظ» نویسنده شدم

## ■ سید علی محمد رفیعی، نویسنده و پژوهشگر



نخستین کتابم را انتشارات قدیانی در سال ۱۳۷۱ و در قطع کوچک منتشر کرد. عنوان این کتاب «دیوان حافظ» با تصحیح و توضیحات من بود! در آن سال قیمت کتاب ۲۰۰ تومان بود اما در حال حاضر که به چاپ ۱۴ رسیده و قیمت آن ۳۰۰۰ تومان است، البته مراحل انتشارش در آن دوران دشواری هایی را داشت که امروزه بسیاری از آنها رفع شده است. همین بالا رفتن قیمت کتاب و خدمات چاپ به دلیل تورم، در کاهش شمارگان کتاب ها نیز موثر بوده است.

شرایط تولید کتاب با گذشته تفاوت های بسیاری دارد و به خاطر وجود نرم افزارهای مختلف در بازار، آسان تر هم شده است. به جای مراجعه به کتابخانه ها و صرف وقت بسیار برای پیدا کردن مطلب مورد نظر، می توان از این نرم افزارها - که گاهی گنجایشی برابر چندین کتابخانه دارند - استفاده کرد. این امر در بخش پژوهش روند آسانی را ایجاد کرده و خدمات ارزنده ای را ارائه می دهد. از سوی دیگر، امکان نوشتن و ویرایش مطلب توسط رایانه، زمان بسیاری را به نویسنده بازمی گرداند.

سال های پیش قیمت کتاب پایین بود و شمارگان کتاب بالا به همین دلیل کتاب ها بیشتر منتشر می شدند و در دسترس خوانندگان قرار می گرفتند اما امروزه این چنین نیست و این امر به عنوان مشکلی در این حوزه وجود دارد.

وقتی امکان انتشار کتاب برای ناشر بیشتر باشد، در نتیجه استقبال از نویسنده جوان بیشتر می شود، در غیر این صورت ترجیح می دهد سراغ نویسندگان با سابقه بیشتر برود تا ریسکی در این سرمایه گذاری نکرده باشد، ضمن آن که در تیراژهای کمتر از ۲۰۰۰ جلد و در چاپ نخست به دلیل هزینه های سنگین این کار، سودی برای ناشر وجود ندارد و هزینه های ناشر در چاپ های بعدی و شمارگان بالا جبران می شود.

## یادداشت



گیتا گرکانی

مترجم و برنده جایزه پروین

## قدم نخست: اصل است



به رغم همه دشواری ها، معتقدم هر راهی را که بخواهی می توانی ادامه دهی. مساله، صحیح برداشتن قدم های نخست است. جوانانسی که می خواهند به این عرصه وارد شوند باید تکلیفشان را با خودشان مشخص کنند. پاسخ این سوال هارا بدانند که به چه حوزه ای علاقه دارند و هدفشان از کار کردن در دنیای ادبیات چیست که اگر فقط منبعی برای درآمد باشد، باید روش های دیگری را امتحان کنند.

من به طور کاملاً اتفاقی وارد دنیای ترجمه شدم. ترجمه این قابلیت را دارد که فرد ضمن آن که با ادبیات سروکار دارد، بیش از حدی که خودش تمایل دارد، با این حوزه درگیر نشود. همین انگیزه اصلی این اتفاق شد. ادبیات با من بود اما بر آن کنترل داشتم.

ترجمه آثار ادبی به بازی می ماند. همچنین فرصتی فراهم می کند تا مترجم از دنیای خودش فاصله بگیرد و به دنیای نویسنده قدم بگذارد، مانند او فکر کند، ببیند و در نهایت نزدیک ترین کار به اثر را ارائه دهد.

حضور مترجم توسط خواننده نباید در اثر دیده شود چرا که او واسطه ای بین اثر و خواننده است. ترجمه از نگارش کتاب دشوارتر است. دشواری های دیگری نیز دارد؛ برقراری ارتباط با ناشران و پیدا کردن کتاب هایی که به آنها علاقه دارد، از سوی دیگر در ایران ناشران انتظار دارند تنها در یک حوزه فعال باشی. نمی دانم این اصل از کجا آمده اما شاید تکرار بازی های غربی است که به تازگی آموخته ایم، اما من معتقدم باید این مرزهای نادرست را شکست؛ چرا که مساله کاملاً سلیقه ای است.

در زمینه دسترسی به کتاب، همیشه بر این باور بودم که این امر به خود فرد بستگی دارد. البته قبول دارم که پیدا کردن کتاب خوب برای ترجمه کمی دشوار است. این امر وابسته به دو نکته است، یکی سلیقه مترجم و دیگری میزان ضرورت ها که متأسفانه گاهی از سوی جوان ترها نادیده گرفته می شوند. ضرورت انتخاب کتاب به در نظر گرفتن مسائلی چون جنبه های اطلاع رسانی و سرگرم کنندگی کتاب و میزان محبوبیت آن بین خوانندگان بازمی گردد.

اما خوشبختانه جوان ها قدرت ریسک پذیری بالایی دارند. ترجمه برخی از آثار جسارتی می خواهد که اغلب مترجمان در جوانی سراغ این آثار می روند یا به تعبیر دیگر دل را به دریا می زنند اما همیشه به یاد داشته باشند که در ابتدای راه، سراغ ادبیات کودک و نوجوان و داستان کوتاه - به دلیل تصور عام مبنی بر آسان تلقی شدن این دو حوزه - نروند.

برخلاف تصور اکثر افراد، ترجمه این گونه آثار بسیار دشوار و تخصصی است و مهارت بالای مترجم را برای بیان مفاهیم می طلبد. به ویژه ادبیات کودک و نوجوان که علاوه بر ساده نویسی، نه به معنای شکسته نویسی، بلکه تسلط بر حوزه کلامی خاصی را نیاز دارد.

به هر حال، جوان بودن شاید یک نقطه ضعف به حساب بیاید. جوان دایماد در حال اثبات خودش است. او در ابتدای راه به سر می برد و باید زمانی بگذارد تا در حوزه کاری اش به تسلط دست یابد. در آغاز راه، بارها «نه» می شنود اما این «نه» به منزله اعدام نیست! در هر جای جهان هم که باشی، تو را به عنوان جوانی صفر کیلو متر سبک و سنگین می کنند تا توانایی هایت را دریابند.